



فرهنگ و دانشگاه

# فرهنگ و دانشگاه

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره اول | بهار و تابستان ۹۹



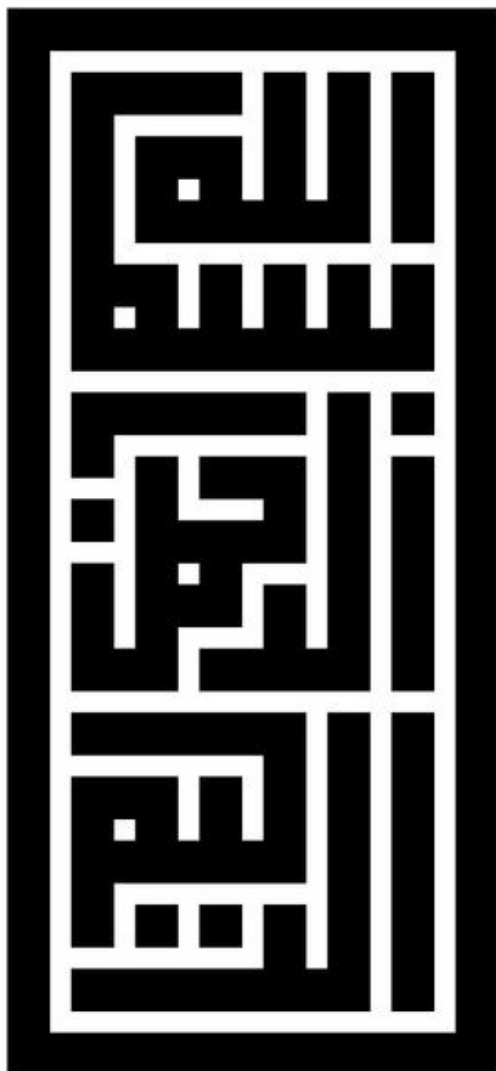
دانشگاه گیلان

معاونت فرهنگی و اجتماعی



# اصلاح جامعه بدون اصلاح فرهنگ میسر نیست.

رهبر معظم انقلاب



دانشگاه شاهرخ

معاونت فرهنگی و اجتماعی

دوفصلنامه علمی - تخصصی  
سال اول - شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۹

## فرهنگ و دانشگاه



صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه گیلان

مدیر مسئول: دکتر فاطمه کریمی

سر دبیر: دکتر علی یعقوبی

مدیر داخلی: محمدرضا محبوب

ویراستار ادبی: دکتر محمود رنجبر

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر مهری باقریان

دکتر ادريس تقوای سلیمی

آقای منصور حبیب دوست

دکتر سیدحسین حسینی

دکتر امین حقیقی

دکتر سیدمحمدحسین شکریان

دکتر عاطفه صبوری

دکتر پیوند طاهرپرور

دکتر فاطمه کریمی

دکتر محمد محمدپور مقدم

دکتر مهدی هدایتی شهیدانی

دکتر علی یعقوبی

طراحی و صفحه آرایی: رضوان دلجو رونکیانی

چاپ: نوین

مقاله های تایپ شده بر روی صفحه با ذکر منابع و ماخذ حداکثر ۸ تا ۱۰

صفحه باشد و به رایانامه ارسال گردد.

فرهنگ و دانشگاه در حک، اصلاح، تلخیص و ویرایش مقاله ها آزاد است.

مسئولیت مطالب و مقالات چاپ شده با نویسندگان است.

نشانی: رشت، بزرگراه خلیج فارس، کیلومتر ۵ جاده قزوین، مجتمع

دانشگاه گیلان، سازمان مرکزی، طبقه سوم، معاونت فرهنگی و اجتماعی

کدپستی: ۴۱۹۹۶۱۳۷۷۶

تلفن: ۰۱۳-۳۳۶۹۰۵۴۵

پست الکترونیک farhangi@guilan.ac.ir

## فهرست

- ۶ سخن سردبیر دکتر علی یعقوبی
- ۷ یادداشت روز (کرونا و بیروس و چالش دانشگاه‌ها) دکتر فاطمه کریمی
- ۹ مقایسه کمال‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان با و بدون اهمال‌کاری تحصیلی  
فرزین باقری شیخان‌گفشه
- ۱۷ ایماژ ازدواج از دیدگاه دانشجویان دانشگاه گیلان فاطمه رحمتی‌فرمانی
- ۲۹ نشست مجازی «رمزگشایی ابعاد اجتماعی، روانی و حقوقی قتل رومینا»  
دکتر علی یعقوبی - دکتر شیوا پروائی - خانم پریوش روحانی - خانم سونیا صادقی - آقای محمد عظیمی - آقای حسین زره‌کارگر
- ۳۷ میزگرد آسیب‌های اجتماعی دانشگاهی  
آقای حسین فرختار - دکتر کاظم فلاحی - دکتر جواد نظری مقدم - دکتر سید هاشم موسوی - دکتر رضا علیزاده - دکتر علی یعقوبی
- ۴۳ کرسی آزاداندیشی نوشتن به‌مثابه پژوهش (نقدی بر سیستم پژوهش دانشگاهی) دکتر نعمت‌ا... فاضلی
- ۵۴ ابعاد اجتماعی، روانی، و محیطی کرونا و بیروس
- ۵۴ تحلیل پیامدهای اجتماعی - اقتصادی بیماری کرونا دکتر محمدامین کنعانی
- ۵۶ تحلیل برنامه محافظت روانی در برابر کرونا دکتر حسن بلند
- ۵۸ تحلیل برنامه محیطی در برابر کرونا دکتر مجید یاسوری
- ۶۰ نقد کتاب دکتر علی کریمیان - دکتر عبدالکاظم مجتبی‌زاده
- ۶۳ معرفی کتاب

# سخن سردبیر

دکتر علی یعقوبی

مدیر برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه گیلان

پژوهشی، دینی، ورزشی، هنری، ادبی، علمی و... است. علاوه بر فعالیت‌های مزبور زیست کنشگران دانشگاهی اعم از دانشجویان، استادان، کارمندان و... در بستر فرهنگی دانشگاه شکل می‌یابد و سوز مطالعه‌ی محققان مختلف است. در این راستا، نشریه «فرهنگ و دانشگاه» به رابطه‌ی بین دو مفهوم فرهنگ و دانشگاه می‌پردازد. نشریه مزبور، نشریه‌ی تخصصی است که در آن مطالب پژوهشی، معرفی و نقد کتاب، میزگردها، سخنرانی‌ها، کرسی‌ها و... با محتوای دانشگاهی به رشته تحریر در خواهد آمد و به صورت دوسالانه توسط معاونت فرهنگی دانشگاه گیلان منتشر می‌شود. در این مجله، مراد از فرهنگ در قلمرو وسیع آن است که شامل ابعاد آموزشی و پژوهشی، سازمانی، مناسکی، رفاهی و تفریحی دانشگاه است. دانشگاه گیلان به‌عنوان دانشگاه مادر در استان گیلان است مطالب این نشریه صرفاً محدود به دانشگاه گیلان نیست، بلکه سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی گیلان اعم از آزاد اسلامی، پیام نور، علمی - کاربردی، غیرانتفاعی و... نیز می‌توانند با ارائه محتوای فرهنگی دانشگاهی در غنای این مجله مشارکت داشته باشند. ایده اصلی این مجله از سوی خانم دکتر فاطمه کریمی معاون محترم فرهنگی دانشگاه ارائه شد که لازم است از تلاش‌های ارزنده و پیگیری‌های مستمر ایشان در شکل‌گیری و استمرار نشریه تقدیر و تشکر نمایم.

یکی از جنبه‌های مهم دانشگاه وجه فرهنگی آن است. هرچند مفهوم فرهنگ در یک معنای آن، عام است، اما خصیصه‌ی دیگر آن خاص‌بودگی است که فرهنگ دانشگاهی بخشی از خرده فرهنگ کلی هر جامعه را به خود معطوف کرده است. نکته مهم اینکه ساحت فرهنگ در دانشگاه برای افراد مختلف به اشکال گوناگون بازنمایی شده است. این بازنمایی فردی در بستر فرهنگی وجه اجتماعی یافته و با بازنمایی جمعی ارتباط نزدیکی پیدا می‌کند. برخی نگاه تقلیل‌گرایانه به فرهنگ دانشگاهی دارند و فعالیت‌های آن را به برخی اقدامات مناسکی فرو می‌کاهند. متأسفانه این خوانش، اینک در اغلب دانشگاه‌ها غالب است، گویا ساحت آموزشی و پژوهشی جزیره جداگانه‌ای تلقی شده و در قلمرو فرهنگی نیست. نگاه تک‌ساحتی به امر آموزش و پژوهش موجب مشکلاتی در آن حوزه‌ها شده است که بخش‌های مذکور از بحران اخلاق در امر آموزش و پژوهش خبر می‌دهند. در نگاه دوم حوزه فرهنگ دانشگاهی امر موسعی است و تیپ ایده‌آل دانشگاه، تولید انسان دانشگاهی است که افراد آن نسبت به جامعه احساس مسئولیت کرده و با نگاه انتقادی موجب توسعه و بهبود همه امور فرهنگی اعم از فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، سازمانی، سیاسی... در جامعه به‌ویژه در دانشگاه است. در این روایت فرهنگ چندوجهی و به‌مثابه ساختار است که دارای ابعاد آموزشی،



# یادداشت روز

## کرونا ویروس و چالش دانشگاه‌ها

دکتر فاطمه کریمی

معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه گیلان

دوره‌های آموزش عالی و قبل از آموزش عالی در سطح ملی و جهانی شدیداً دستخوش تغییر شده است و با اجتناب ناپذیر بودن تعطیلی دانشگاه‌ها و عدم امکان آموزش حضوری و ضرورت ادامه آموزش و پژوهش، هر یک از دانشگاه‌ها را بر آن داشت که راه‌حل‌های جایگزین را بررسی کرده و مورد استفاده قرار دهند. دانشگاه‌های کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به‌طور مشابه اقدام به تعطیلی دانشگاه‌ها کردند.

چالش کووید ۱۹، چالشی بی‌سابقه با مقیاس نامعلوم است. دانشگاه‌های جهان از جمله ایران هنوز نمی‌دانند که چه زمانی خواهند توانست فعالیت‌های عادی خود را از سر گیرند و یا اصولاً آموزش رایج را که تاکنون ارائه می‌شد، در چنین شرایطی چه جایگزین مناسبی تهیه کنند. عدم اطمینان از وضعیت آینده تنها چیزی است که می‌توان نسبت به آموزش عالی کشور با قاطعیت صحبت کرد. دانشجویان ترم بهار را بدون داشتن مراسم دانش آموختگی به پایان بردند و ترم پاییز پیش رو نیز به نحو غیر حضوری و یا نیمه حضوری خواهد بود.

در این دوره، مسائل درون دانشگاه‌ها عمدتاً عبارتند از آموزش آنلاین، همکاری و هماهنگی‌های بخش بین‌الملل، اقدامات پیش‌دستانه و پیشگیرانه، انعطاف‌پذیری در ضرب‌الاجل ارزیابی و امتحانات، اقدامات بهداشتی، برقراری ارتباط روشن از طرف مدیریت دانشگاه با مخاطبان اعم از دانشجویان و اعضای هیأت علمی. در شرایطی که

کرونا ویروس (کووید ۱۹) که از ماه ژانویه ۲۰۱۹ (بهمن ماه ۱۳۹۸) نخست در چین و سپس در ایران ظاهر شد، اندک اندک به‌صورت ویروسی فراگیر همه جهان را درگیر کرده و صورت گسترده به خود گرفته است. کرونا در آغاز اگرچه یک مسئله پزشکی بود و موجب از دست رفتن بسیاری از انسان‌ها در کشورهای درگیر این رخداد شده بود، ولی آثار و تبعات آن به این سطح محدود نماند، بلکه دارای پیامدهای چندلایه و پیچیده‌ای شد. یعنی لایه‌های انسانی - اجتماعی کرونا بارها و بارها گسترده‌تر از آن لایه‌ای است که مورد مطالعه حوزه پزشکی است.

بشر در طول تاریخ همواره با بحران‌های متعددی روبرو شده و همواره توانسته است از پس این بحران‌ها برآید، از بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله تا بیماری‌هایی همچون وبا و طاعون و انواع آنفلوآنزاهایی که در سال‌های اخیر فراگیر شده‌اند. انسان برخلاف برخی از گونه‌های جانوری که امروزه فقط تصویر آن‌ها را در موزه‌های طبیعی می‌توانیم ببینیم، توانسته است بر سخت‌ترین بحران‌ها چیره شود و کنترل آن‌ها را در دست گیرد. روان‌شناسان می‌گویند در نبرد بین روزهای سخت و انسان‌های سخت، روزهای سخت می‌روند و انسان‌های سخت می‌مانند. این مسئله بدان خاطر است که انسان موجودی هوشمند است و به‌راحتی توانایی تغییر شرایط موجود و انتخاب رفتارهای مناسب را دارد.

به دلیل شیوع کرونا ویروس طی چند ماه گذشته، تحصیلات در

چشم‌انداز روشنی نداشته باشند، ولی باید توجه خود را بر پیامدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت این بیماری بر آموزش، یادگیری، تجربه دانشجویان و در زیرساخت‌ها و فعالیت‌ها متمرکز کنند. راه حل واقعی این ویروس تغییر رفتار است. در نظرسنجی که از دانشجویان دانشگاه تهران (۱۳۹۹) انجام گرفت، اعلام کردند که دانشگاه‌ها باید راه‌های ارتباط با دانشجویان را باز نگه دارند و در این دوره دشوار به دانشجویان توصیه‌های مناسبی ارائه کنند و به آن‌ها اطمینان خاطر بخشند. ضمناً آن‌ها موظفند اطلاعات علمی مهم را با هیأت علمی و دانشجویان به اشتراک بگذارند. دانشکده‌ها نیز تا سرحد امکان به افراد آموزش دهند. دانشجویان برقراری ارتباط را امری ضروری دانستند. در این نظرسنجی همچنین دانشجویان اظهار کردند که از دانشگاه توقع داریم تا درباره امتحان و روندهای نمره دهی به ما اطلاع‌رسانی دقیق کنند، هر چند می‌دانیم کل این وضعیت برای همه جدید است و هیچ‌کس نمی‌داند چگونه باید با آن مواجه شوند، آن‌ها در حال انجام بهترین کاری هستند که از عهده‌شان برمی‌آید.

دانشگاه در جریان ارتباط دانشجویان باید این پیام‌ها را به خاطر داشته باشد و برای پیام‌هایی که بیشترین اطمینان را در دانشجویان ایجاد کند اولویت قائل شوند. در شرایطی که بحران کرونا ادامه دارد، مسئولیت دانشگاه‌ها آن است که با بررسی و پیمایش‌های مداوم، استراتژی‌ها و اقدامات مدیریت بحران را در دستور کارشان قرار دهند. یادآوری این نکته مهم است که انعطاف‌پذیری و توانایی سازگاری سریع با شرایط در حال تغییر در ماه‌های آینده کمک زیادی به آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور می‌کند. آموزش عالی و دانشگاه‌ها باید از حیث ارائه، دارای رویکردی آرام و سنجیده در مدیریت باشند و بدون اینکه مخاطرات منطقی را کمتر از حد خود جلوه دهند و یا نادیده بگیرند، باید قاطع و کارآمد باقی بمانند. در حالی که در دوران ابهام‌آمیزی به سر می‌بریم، دانشگاه‌ها می‌توانند پیوسته در تلاش برای ارائه آموزش با کیفیت بالا و در ارتباط مستمر و دائمی با مخاطبان خود اعم از دانشجویان و استادان باشند. برای انجام درست این کارها لازم است به نیازها و نگرانی‌های مخاطبان‌شان گوش دهند و خود را با به‌روزترین ابزارها مجهز نمایند.

بحران کرونا ادامه دارد، مسئولیت دانشگاه‌های کشور آن است که با بررسی مداوم استراتژی‌ها و اقدامات، مدیریت بحران را دستور کار خود قرار دهند. ارتقای بستر فنی و ابزارهای تدریس، تعریف نحوه ارزیابی مجازی و دانش‌افزایی دانشجویان و اعضای هیأت علمی در جهت استفاده بهینه از ابزارها و همچنین ارائه خدمات آموزشی به‌صورت آنلاین (برخط) و با اختصاص کارشناس اینترنت در اداره آموزش هر دانشکده از جمله راهکارهای اجرایی برای حل چالش‌های مذکور است.

در سال‌های اخیر با توجه به افزایش پهنای باند ارتباطی اینترنت در کشور و حرکت صنعت الکترونیک به سمت آموزش غیرحضوری، لزوم فراهم کردن زیرساخت این صنعت در دانشگاه‌ها امری ضروری است. نظام آموزش عالی کشور چاره‌ای جز این ندارد که به سمت آموزش‌های مجازی و غیرحضوری حرکت کند. شواهد نشان می‌دهد آموزش‌های مجازی فاصله دوچندانی با آموزش‌های حضوری داشته و بهبود کیفیت آن مستلزم نگاه جدی متولیان و دوری از طرز تلقی آموزش درجه دوم به این قبیل آموزش‌هاست. استفاده از بستر آموزش مجازی و فراهم کردن زیرساخت آن در دانشگاه‌های کشور از ملزومات اساسی به حساب می‌آید و در شرایطی که نتوان به محیط آموزش فیزیکی دسترسی پیدا کرد می‌توان از این بستر به‌منظور انتقال دانش استفاده کرد.

بزرگ‌ترین چالشی که پیش روی دانشجویان قرار دارد. پهنای باند اینترنت است. برخی از کشورها و تعدادی از دانشجویان در برخی از کشورها آنلاین می‌شوند، اما در برخی از کشورها و برخی مناطق، زیرساخت اینترنت برای این شرایط مناسب نیست. این موضوع بر تجربه دوره کرونا برای برخی از دانشجویان و استادان تأثیر منفی دارد و آموزش‌های غیرحضوری هزینه مصرف اینترنت را بین دانشجویان افزایش داده است که در این راستا برای کاهش هزینه‌ها باید برنامه‌هایی در دستور کار قرار گیرد. نکته مثبت آموزش‌های مجازی در دوران کرونا این بود که از توقف آموزش و پژوهش در بین دانشجویان جلوگیری کرد ولی با توجه به اینکه پایانی بر کرونا متصور نیست، باید شیوه آموزش‌های غیرحضوری و مجازی به‌عنوان یک روش نوین آموزشی نهادینه شود. اگرچه طبیعی است که مدیران آموزش عالی



# مقایسه کمال‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان با و بدون اهمال‌کاری تحصیلی

فرزین باقری شیخان گفشه

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

## چکیده

اهمال‌کاری تحصیلی به‌عنوان خصیصه‌ای با اهمیت و تأثیرگذار در عملکرد دانشجویان، موضوع بسیار مهمی است که نیازمند بررسی و تبیین می‌باشد. کمال‌گرایی و خودتنظیمی می‌تواند از جمله متغیرهای مرتبط و تأثیرگذار در اهمال‌کاری دانشجویان باشد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مقایسه کمال‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان با و بدون اهمال‌کاری تحصیلی انجام شد. طرح پژوهش حاضر، توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان در نیمسال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تشکیل دادند. نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ (۱۵۰ دانشجوی دختر و ۱۵۰ دانشجوی پسر) به‌صورت در دسترس انتخاب شد و سپس داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های اهمال‌کاری تحصیلی سولومون و رابنلوم (۱۹۸۴)، کمال‌گرایی هیل و همکاران (۲۰۰۴) و راهبردهای انگیزشی برای یادگیری پینتریچ و گارسیا (۱۹۹۱) جمع‌آوری شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج به دست آمده نشان داد، در کمال‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان با و بدون اهمال‌کاری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس مشخص گردید دانشجویان اهمال‌کار در مقایسه با دانشجویان بدون اهمال‌کاری دارای کمال‌گرایی منفی بیشتر و کمال‌گرایی مثبت، باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری کمتری بودند. با توجه به نتایج به دست آمده، میتوان با اجرای برنامه‌ها و کارگاه‌های درسی، از میزان کمال‌گرایی منفی دانشجویان اهمال‌کار کاست و همچنین با ایجاد کلاسهای تقویتی و انگیزشی میزان خودتنظیمی این افراد را به میزان قابل توجهی بالا برد.

## مقدمه

عوامل تأثیرگذار بر اهمالکاری صورت گیرد. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد در بروز آن مؤثر باشد، کمالگرایی است. کمالگرایی یک سازه شخصیتی است و با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل، بی‌نقص بودن و تعیین معیارهایی بسیار افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود. در واقع، اهمالکاری، مشکلی است که توسط کمال-گرایان تجربه می‌شود. به این دلیل که کمالگرایان می‌خواهند بهترین اثر، نقاشی و یا ابتکار تازه را به وجود بیاورند. پس به علت تردید و تفکر و تأمل بسیار، دچار اهمالکاری و تأخیر در آغاز و یا پایان کار می‌شوند و گاهی ممکن است که محصول و اثر نهایی آن‌ها، حتی هرگز به اتمام نرسد و تکمیل نشود (بالکس و دورو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). در این راستا، روان‌شناسان معتقدند آن نوع کمالگرایی که ممکن است به اهمالکاری منجر شود، نوعی اختلال هیجانی است. هورنای در این مورد می‌گوید هنگامی که به کمالگرایی می‌اندیشید، ناخودآگاه به خود تلقین می‌کنید که برای کار مورد نظر، به مهلت و زمان بیشتری نیاز دارید و این باعث می‌شود که به فوریت کار نیندیشید، بلکه به بهتر ارائه کردن آن توجه داشته باشید (کلاسون و بوتیلر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷). معمولاً کمالگرایی با خطاکاری همراه است: کسی که همیشه به کمال یا بی‌نقص بودن کارها فکر میکند، هیچ چیز او را راضی نمی‌سازد و به همین جهت به خطا کشیده می‌شود. انسان کمالگرا همیشه خود را در معرض آسیب می‌بیند و می‌ترسد مبادا کارش مطلوب واقع نشود یا مبادا در کارش نقصی پدید آید. به همین علت، ممکن است در شروع کارش دچار اهمالکاری شود (بالکس و دورو، ۲۰۱۶). برخی دیگر از پژوهشگران هم اشاره کرده‌اند که کمال-گراها و اهمالکارها در برخی از مشخصه‌ها مشترک هستند: هر دو استانداردهای سطح بالا دارند و می‌خواهند پیرو باورهایی غیرمنطقی باشند (ریسه، ریچاردسون و کلارک<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۲). علاوه بر این، هر دو دسته از اشتباه کردن می‌هراسند (سئو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۸)، در حالی که هر دو به داشتن موفقیت دائمی تمایل نشان می‌دهند. یکی از اهداف پژوهش حاضر، بررسی رابطه اهمالکاری تحصیلی با کمالگرایی است؛ با این تفاوت که در این مطالعه اهمال کاری تحصیلی در ارتباط با دو وجه متفاوت کمالگرایی مورد بررسی می‌شود؛ . به این علت که امروزه کمال‌گرایی همانند گذشته، صرفاً یک ویژگی منفی و یک اختلال محض تلقی نمی‌شود. پیش از این، فریود از کمال‌گرایی به‌عنوان نوعی خودشیفتگی، در قلمرو اختلال‌های نوروتیک یاد کرده است. در اغلب پژوهش‌های جدید نیز متأثر یا

اهمالکاری<sup>۱</sup>، برای توصیف اقدام به انجام عملی که به‌صورت غیرضروری به تأخیر افتاده است، به کار میرود و در نهایت زمانی تمایل به تکمیل آن کار در فرد به وجود می‌آید که از نظر هیجانی احساس ناراحتی کند (ایلدیز و اسکندر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). این واژه، از این طریق که فردی در ذهن خود فرض یا عزم به پایان رساندن کاری را دارد، ولی در اتمام آن در زمان مورد انتظار و دلخواه خود دچار شکست شده، شناخته می‌شود (وون و شیرلی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). استیل<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) فردی را اهمال کار می‌داند که هنگام شروع تکلیفی که از او خواسته شده است، آن را به آهستگی انجام می‌دهد و به بهانه اینکه آن را بعداً انجام خواهد داد، قصد ترک آن را دارد. سولومون و راثلوم (۱۹۸۴) اهمال کاری تحصیلی را در به تأخیر انداختن وظایف تحصیلی تعریف میکنند. این وظایف شامل آماده شدن برای امتحان، آماده کردن تکالیف در طول نیمسال تحصیلی، امور اداری مربوط به مدرسه و حضور مستمر در کلاس‌ها می‌باشد. روساریو<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۹)، معتقدند که وجود اینکه اهمال کاری در تمام فعالیت‌های روزانه ممکن است رخ دهد، اما اهمال کاری در فعالیت‌های آموزشی و تحصیلی فراوانی بیشتری دارد که بر این اساس فرد در انجام وظایف تحصیلی خود تأخیر دارد. تحقیقات نشان می‌دهند که اهمالکاری تأثیر منفی روی سلامتی و بهداشت و رضایت از زندگی اقشار مختلف دارد (اوزر و ساکس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱). پیامد منفی اهمال کاری در محیط‌های آموزشی و تحصیلی نیز، در گستره‌ای از عملکرد تحصیلی پایین، رضایت پایین از عملکرد و فرسودگی تحصیلی، حتی اضطراب عمومی بالاتر گزارش شده است. گرایش به واگذاشتن تکالیف، نه تنها ارتباط منفی با پیشرفت تحصیلی دارد، بلکه با کیفیت زندگی نیز رابطه منفی دارد (مون و ایلینگورث<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). عده‌ای از پژوهشگران معتقدند اهمال کاری راهی برای بیان تعارض‌های درونی و حفظ عزت‌نفس در برابر آسیب‌پذیری است. سولومون و رثلوم<sup>۸</sup> (۱۹۸۴) بیان می‌کنند که اگرچه دانشجویان دلایل متعددی برای اهمال کاری بیان می‌کنند، غالب دلایل آن‌ها مربوط به ترس از شکست (شامل اضطراب در عملکرد، کمال‌گرایی و کمبود اعتماد به نفس) است. اضطراب، افسردگی و کمبود عزت‌نفس، میتواند انعکاس‌دهنده شخصیت فردی باشد که ترس از شکست دارد. دانشجوی اهمال کار، آمادگی برای امتحان را به شب پایانی موکول میکنند و در نتیجه در زمان امتحان اضطراب شدیدی را تجربه میکنند (گاستایسون و میاک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). شیوع زیاد اهمالکاری باعث شده که مطالعات بسیاری در مورد

- 1) Procrastination
- 2) Yildiz & Iskender
- 3) Won & Shirley
- 4) Steel
- 5) Rosario
- 6) Özer & Saçkes
- 7) Moon & Illingworth
- 8) Solomon & Rothblum
- 9) Gustavson & Miyake
- 10) Balkis & Duru
- 11) Closson & Boutillier
- 12) Rice, Richardson & Clark
- 13) Seo

مثبت معناداری با پایداری طولانی مدت در انجام و به ثمر رساندن برنامه‌های تحصیلی دارد. دانشجویانی هم که اهمالکاری دارند، در آغاز و همچنین در مداومت در پیگیری هدفهای تحصیلیشان ناتوانند، که نمودی از ضعف در خودتنظیمی در آنها است. بویسان و کیرال<sup>۷</sup> (۲۰۱۷) نشان میدهند دانشجویانی که دلایل درونی برای درس خواندن دارند، به احتمال کمتری دست به اهمالکاری میزنند، در مقابل آنهایی که دلایل بیرونی دارند، به احتمال بیشتری اهمال-کاری میکنند. بر اساس این پژوهش به نظر میرسد تنها راهی که وجود سطح پایینی از اهمالکاری را تضمین میکند پیدا کردن انگیزه درونی است. به نظر میرسد افراد به‌رغم اینکه تمایل دارند، اهمالکاری خود را متوقف کنند، از تجربه‌های قبلی خود پند نمیگیرند و باز هم در موقعیت مشابه دست به اهمالکاری میزنند. به طور کلی، استیل (۲۰۰۷)، اهمالکاری را صورتی شایع از شکست در خودتنظیمی میداند. اما خودتنظیمی خود شامل مؤلفه‌های گوناگون است. در واقع، دانشجویانی که میزان بیشتری از اهمالکاری در تکالیفشان نشان میدهند، کمتر از دانشجویان دیگر راهبردهای شناختی و فراشناختی را مورد استفاده قرار میدهند (گوکسیارسلان<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). دیگر پژوهشها نیز نشان میدهند که آن دسته از افرادی که از راهبردهای خودتنظیمی استفاده میکنند، کمتر مرتکب اهمال کاری میشوند (ریتز و همکاران، ۲۰۱۶).

بر اساس پژوهشهای او، فردی ممکن است با وجود خودکارآمدی بالا، همچنان اهمالکار باشد. با توجه به مطالب فوق این پژوهش سعی دارد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا بین کمالگرایی و خودتنظیمی در دانشجویان با و بدون اهمالکاری تحصیلی تفاوت وجود دارد یا خیر؟

مستقل از تبیین‌های فرویدی، کمالگرایی را نوعی سازه نوروتیک در نظر گرفته‌اند و تعریف‌های پیشنهاد شده برای کمالگرایی نیز، از این رویکرد آسیب‌شناختی تبعیت میکند (سیرین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). به دنبال آن اغلب پژوهش‌ها، بر کمالگرایی به‌عنوان خصیصه‌ای تک‌بعدی منفی متمرکز شدند و آن را همراه با موقعیت‌های منفی بررسی کردند (هیگس و وو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

تحقیقات اخیر از دیگر عوامل انگیزشی که با اهمال کاری تحصیلی رابطه دارند، صحبت به میان می‌آورند. این تحقیقات راههایی را برای تنظیم رفتار افراد پیشنهاد میکنند که بر نتایج تحصیلی بسیار تأثیرگذار است. از جمله این تأثیرات می‌توان بر حس کنجکاو، پافشاری، یادگیری، عملکرد و عزت‌نفس اشاره کرد (ژانگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). نظریه جامعی که با موضوع تنظیم رفتار افراد پیشنهاد شده است، نظریه خودتنظیمی از سوی دسی<sup>۴</sup> و رایان است. دسی (۱۹۹۱) در نظریه خود بین تعیین‌کنندگی انگیزه درونی و انگیزه بیرونی تفاوت قائل می‌شود. اگرچه رابطه بین کنترل بیرونی و انگیزه درونی پیچیده است، بسیاری از مطالعات نشان میدهند، فراهم کردن پاداش بیرونی برای انجام یک فعالیت توسط فرد به قدری جذاب است، که انگیزه درونی او را برای اقدام به آن کار پایین می‌آورد (سیرویس و سایکیل<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). بسیاری از افراد، تکالیفشان را به این دلیل انجام میدهند که والدینشان از آنها می‌خواهند. وقتی کودکان، بزرگ‌تر می‌شوند، دیگر دلایل درس خواندنشان وابسته به خواسته والدین و معلم نیست، بلکه برای درس خواندن ارزشهای شخصی و مهم‌تری پیدا میکنند. افرادی که بیشتر بتوانند رفتارهایشان را درونی کنند، احساس خودمختاری بیشتری را به دست می‌آورند (دسی، ۱۹۹۱). در تحقیق طولی ربتز<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۶)، نشان داده شد که برخورداری از خودمختاری بالا رابطه

## روش پژوهش

طرح این پژوهش توصیفی، از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان در نیمسال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها تعداد ۱۰ کلاس به صورت در دسترس انتخاب شد که از این بین ۳۰۰ دانشجو (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) وارد فرایند نمونه‌گیری شدند. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش شامل تعلق به جامعه پژوهش، رضایت و تمایل شخصی بود و ملاک‌های خروج از تحقیق نیز شامل شانس پاسخ دادن به سئوالات و عدم همکاری مناسب، می‌شد.

## ابزار پژوهش

مقیاس اهمال کاری تحصیلی در دانش‌آموزان: این مقیاس را سولومون و راتبلوم (۱۹۸۴) ساخته و آن را مقیاس اهمال کاری تحصیلی نام نهادند. این مقیاس را حسین چاری و دهقانی (۱۳۸۷) برای اولین بار در ایران به کار برده‌اند. مقیاس ارزیابی اهمال کاری تحصیلی دارای ۲۷ گویه می‌باشد که بر اساس مقیاس لیکرت ۱ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. همچنین در این مقیاس گویه‌های ۲۵، ۲۳، ۲۱، ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۶، ۴، ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری

- |               |                    |
|---------------|--------------------|
| 1) Sirin      | 5) Sirois & Pychyl |
| 2) Hicks & Wu | 6) Rebetz          |
| 3) Zhang      | 7) Boysan & Kiral  |
| 4) Dęci       | 8) Gökçeşarlan     |

گزارش شده ۰/۷۹ تا ۰/۹۱ توسط هیل و همکاران (۲۰۰۴) با نتایجی که استیرز (۲۰۰۹) اعلام کرده هماهنگ است. استیرز (۲۰۰۹) علاوه بر همسانی درونی کل آزمون، ضریب ۰/۸۶ تا ۰/۹۲ را برای خرده مقیاس‌ها گزارش کرده است. در جامعه ایرانی نیز پایایی کل مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمده است (روشن‌فر، مختاری و پاداش، ۱۳۹۲).

**پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری:** به منظور بررسی راهبردهای یادگیری خود نظم‌دهی شناختی و انگیزشی آزمودنی‌ها، از پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری که توسط پینتریچ و گارسیا (۱۹۹۱) ساخته شده است، استفاده شد. این پرسشنامه شامل دو مقیاس باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودنظم‌داده شده است که مجموع مواد پرسشنامه شامل ۸۱ ماده است. مواد این پرسشنامه از نوع آزمون‌های بسته پاسخ هفت گزینه‌ای است که در آن، آزمودنی‌ها براساس یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای براساس عملکرد تحصیلی خود پاسخ می‌دهند. نمره هر مقیاس براساس نمره میانگین سئوالات مربوط به آن محاسبه می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به خرده آزمون‌های پانزده گانه پرسشنامه راهبردهای انگیزشی یادگیری در مطالعه پینتریچ و اسچونک در سال (۱۹۹۵) به دست آمده است. در اکثریت مؤلفه‌ها ضریبی برابر با ۰/۷۰ گزارش شده است. این مطالعه با حجم نمونه ۲۲۰ نفر انجام شده است که نشان دهنده وجود روایی بالا برای این پرسشنامه است. خادمی و نوشادی (۱۳۸۵) برای مقیاس خودتنظیمی ضریب همسانی درونی بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۱ را گزارش کرده‌اند.

در پژوهش حسین چاری و دهقانی (۱۳۸۷) پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است. به علاوه پژوهش‌های پیشین روایی مقیاس را در سطح مورد قبولی گزارش کرده‌اند. این مقیاس با پرسشنامه افسردگی بک، مقیاس شناخت‌های غیرمنطقی الیس، مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ و مقیاس اجتناب روزانه همبستگی معناداری دارد (سولومون، و روئبلوم، ۱۹۸۴). سولومون و روئبلوم (۱۹۸۴) روایی پرسشنامه را با استفاده از همسانی درونی ۰/۸۴ و آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه را ۰/۶۴ بیان می‌کنند. در ایران، مطیعی، حیدری و صادقی (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۸۶ گزارش می‌دهند. شاهرخی و نصری (۱۳۹۳) نیز آلفای کرونباخ ۰/۷۰ را مطرح می‌کنند. همچنین در پژوهش حاضر، نتیجه محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برآورده شد.

**پرسشنامه کمال‌گرایی:** برای سنجش کمال‌گرایی از پرسشنامه کمال‌گرایی هیل و همکاران (۲۰۰۴) استفاده شد. اصل این پرسشنامه ۵۹ گویه دو زیر مؤلفه مثبت و منفی دارد. در تحلیل عاملی که جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) انجام دادند، گویه‌های ۵۵، ۱۶، ۱۸، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۳۷، ۴۸ به علت بار عاملی پایین حذف شدند. ضمن اینکه بعد استاندارد بالا برای دیگران که در پرسشنامه اصلی از ابعاد کمال‌گرایی مثبت است، در تحلیل عامل جمشیدی و همکاران (۱۳۸۸) به کمال‌گرایی منفی انتقال یافت. در پژوهش حسن‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) برای تعیین پایایی نسخه ۵۱ گویه‌ای از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که این ضریب برای کمال‌گرایی مثبت و کمال‌گرایی منفی به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۶۰ بود. همچنین، آلفای

## یافته‌ها

در جدول ۱، شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش اعم از میانگین و انحراف معیار به تفکیک گروه‌ها گزارش شده است. همچنین در این جدول نتایج آزمون کالومگروف-اسمیرنوف (K-S Z) برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش گزارش شده‌اند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و نتایج بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش (n=۳۰۰)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره K-S Z	سطح معنی - داری
اهمال کاری تحصیلی	۸۹/۱۱	۳/۱۴	۴۷/۲۴	۴/۰۸	۰/۰۴۹	۰/۰۸۴
کمال‌گرایی مثبت	۴۲/۱۴	۳/۴۸	۹۴/۵۷	۲/۲۴	۰/۰۵۰	۰/۰۶۹
کمال‌گرایی منفی	۸۹/۳۳	۲/۷۴	۵۲/۲۸	۳/۲۶	۰/۰۵۳	۰/۰۶۲
باورهای انگیزشی	۴۳/۷۵	۵/۶۲	۸۶/۳۶	۲/۹۰	۰/۰۴۳	۰/۰۷۶
راهبردهای یادگیری	۵۳/۱۲	۳/۴۱	۹۲/۲۱	۷/۴۲	۰/۰۴۷	۰/۰۶۱

با توجه به جدول شماره ۱، آماره Z آزمون کالموگروف-اسمیرنوف برای تمامی متغیرهای پژوهش در دو گروه معنی دار نمی باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که توزیع متغیرها نرمال می باشد.

برای مقایسه کمال گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان با و بدون اهمال کاری تحصیلی از تحلیل واریانس چند متغیری یک راه استفاده شد. قبل از ارائه نتایج این آزمون، پیش فرض های آن مورد آزمون قرار گرفت. برای بررسی همگنی واریانس متغیرهای پژوهش از آزمون لون استفاده شد. یافته ها نشان داد که آماره F آزمون لون جهت بررسی همگنی واریانس متغیرها در گروه های پژوهش برای متغیرهای کمال گرایی و خود تنظیمی معنی دار نمی باشد ( $P > 0/05$ ). برای بررسی همگنی ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در گروه ها از آزمون M باکس استفاده شد. یافته ها نشان داد که آماره F آزمون ام باکس (۴۲/۲۷) معنی دار نیست ( $F = 1/74, P > 0/05$ ). بنابراین می توان نتیجه گرفت که ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در دو گروه برابر است. برای بررسی مفروضه کرویت یا معنی داری رابطه بین متغیرها از آزمون مجذور خی بارلت استفاده شد. یافته ها نشان داد که آماره مجذور خی بارلت (۲۱۳/۱۱) در سطح  $0/01$  معنی دار می باشد. بنابراین بین متغیرهای پژوهش رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری مربوط به کمال گرایی و خود تنظیمی در گروه های پژوهش

آزمون	آماره	F	df	خطا df	سطح معنی داری	اندازه اثر
اثر پیلایی	۰/۴۲۳	۳۷/۷۵۲	۶	۲۹۴	۰/۰۰۱	۰/۴۳
لامبدای ویلکز	۰/۳۶۷	۳۷/۷۵۲	۶	۲۹۴	۰/۰۰۱	۰/۴۳
اثر هاتلینگ	۱/۴۶۵	۳۷/۷۵۲	۶	۲۹۴	۰/۰۰۱	۰/۴۳
بزرگترین ریشه روی	۱/۴۶۵	۳۷/۷۵۲	۶	۲۹۴	۰/۰۰۱	۰/۴۳

با توجه به جدول ۲، آماره F تحلیل واریانس چند متغیری بررسی تفاوت گروه ها در اعتبار منبع و گسستگی فرا اجتماعی در سطح  $0/01$  معنی دار می باشد ( $P < 0/001, F = 37/75, Wilks Lambda = 0/36$ ). بنابراین می توان گفت که بین دو گروه در کمال گرایی و خودتنظیمی تفاوت معنی داری وجود دارد. اندازه اثر به دست آمده نیز نشان می دهد، ۴۳ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه ناشی از اثر متغیرهای وابسته است. برای بررسی این که گروه ها در کدام یک از متغیرهای وابسته با یکدیگر تفاوت دارند در جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس یک راهه گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس یک راهه تفاوت گروه ها در کمال گرایی و خودتنظیمی

متغیرها	گروه SS	خطا SS	گروه MS	خطا MS	F	P	اندازه اثر
کمال گرایی مثبت	۱۴۳۲/۴۰	۲۰۹۸/۳۹	۱۴۳۲/۴۰	۱۷/۷۹	۶۳/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۲۱
کمال گرایی منفی	۲۴۳۶/۸۸	۳۵۶/۶۲	۲۴۳۶/۸۸	۱۳/۹۰	۸۹/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۲۸
باورهای انگیزشی	۱۹۶۳/۶۰	۲۳۶۷/۷۹	۱۹۶۳/۶۰	۱۵/۶۱	۱۱۳/۲۰	۰/۰۰۱	۰/۴۱
راهبردهای یادگیری	۱۲۳۶/۴۰	۱۲۳۰/۱۵	۱۲۳۶/۴۰	۱۹/۸۲	۱۷۰/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۴۵

با توجه به جدول ۳، آماره F برای کمال گرایی مثبت (۶۳/۸۴)، کمال گرایی منفی (۸۹/۳۵)، باورهای انگیزشی (۱۱۳/۲۰) و راهبردهای یادگیری (۱۷۰/۱۰) در سطح  $0/01$  معنی دار می باشد. این یافته ها نشانگر آن هستند که بین دو گروه در این متغیرها تفاوت معنی داری وجود دارد ( $P < 0/001$ ). اندازه اثر به دست آمده بیانگر این است که ۲۱ درصد از تغییرات کمال گرایی مثبت، ۲۸ درصد از تغییرات کمال گرایی منفی، ۴۱ درصد از تغییرات باورهای انگیزشی و ۴۵ درصد از تغییرات راهبردهای یادگیری ناشی از تغییرات دو گروه است.



## بحث و نتیجه‌گیری

نیز برخوردارند. در این راستا، مطیعی، حیدری و صادقی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس مؤلفه‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان‌های شهر تهران» نشان دادند که مؤلفه‌های ارزش‌گذاری درونی و بیرونی نسبت به هدف، سازماندهی، راهبردهای خود نظم دهی فراشناختی، مدیریت زمان و مکان مطالعه و تلاش برای خودتنظیمی به‌طور معناداری پیش‌بینی کننده اهمال‌کاری تحصیلی هستند. نتایج آزمون تی مستقل تفاوت معناداری در اهمال‌کاری میان دختران و پسران نشان نداد، در حالی که آزمون تحلیل واریانس چند متغیری در پاره‌ای از مؤلفه‌های خودتنظیمی این تفاوت را نشان داد. همچنین، راکس و دان (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان «نقش انگیزه و خودتنظیمی در افزایش اهمیت تحصیل در دانش‌آموزان» نشان دادند که کاهش انگیزش درونی برای یادگیری و عدم خودتنظیمی منجر به افزایش تعلل ورزشی می‌شود. همچنین مشخص گردید خودکارآمدی مهم‌ترین پیش‌بینی کننده تمایل به تعلل ورزشی تحصیلی است. مطالعات پینتریچ و دگروت (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که آموزش یادگیری خودتنظیمی با به‌کارگیری راهبردهای شناختی، فراشناختی و راهبردهای مدیریت مناسب منابع موجب افزایش یادگیری، درک و تمرکز دانش‌آموزان می‌شود؛ به همین دلیل منجر به کاهش اضطراب امتحان در دانش‌آموزان می‌شود.

در انتها بیان این نکات ضروری است که پژوهش حاضر دارای یکسری محدودیت‌ها است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان در نیمسال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند. به همین دلیل در تعمیم نتایج به سایر گروه‌های سنی و مناطق دیگر باید جانب احتیاط رعایت شود. از منحصر بودن به پرسشنامه‌های خودگزارشی نیز می‌توان از محدودیت‌های پژوهش یاد کرد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از روش‌های چندبعدی تر و گسترده‌تری استفاده شود. همچنین عواملی مزاحم همچون شرایط زیستی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر به‌صورت کامل مهار نشدند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های دیگر با مهار و بررسی بیشتر متغیرهای بالا صورت گیرند. به همین دلیل توصیه می‌شود، مطالعات آزمایشی در این رابطه صورت گیرد. در انتها پیشنهاد می‌شود، ارتباط اهمال‌کاری تحصیلی با کمال‌گرایی و خودتنظیمی در محیط‌های متفاوت و با حجم بیشتر شرکت‌کنندگان صورت بگیرد.

پژوهش حاضر با هدف مقایسه کمال‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان با و بدون اهمال‌کاری تحصیلی صورت گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد دانشجویان دارای اهمال‌کاری تحصیلی از کمال‌گرایی منفی بیشتر و کمال-گرایی مثبت کمتری در مقایسه با دانشجویان بدون اهمال‌کاری برخوردار بودند. این یافته‌ها در راستای پژوهش‌های کلاسون و بوتیلر (۲۰۱۷) و گورویی، خیر و هاشمی (۱۳۹۰) قرار دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان اذعان داشت، افرادی که دارای اهمال‌کاری بالایی هستند، دارای انگیزه‌های بیرونی هستند و باید از بالا کسی مراقب آن‌ها باشد تا بخواهند کاری را به پایان برسانند. در این راستا، کلاسون و بوتیلر (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «کمال‌گرایی و تعامل دانشگاهی» نشان دادند کمال‌گرایی مثبت یا سازگارانه بر اساس رفتارهای مبتنی بر اهداف گرایشی مشخص می‌شوند. در واقع افراد برخوردار از کمال‌گرایی مثبت ترسی از شکست ندارند و برای رسیدن به تسلط و عملکرد خوب، قادر به خطر کردن و تجربه مسائل تازه و جدید هستند. در حالی که کمال‌گرایی ناسازگارانه یا منفی بر اساس رفتارهای مبتنی بر اهداف اجتنابی توصیف می‌شود. افراد برخوردار از کمال‌گرایی منفی با انگیزه بیرونی و اغلب به‌وسیله ترس از شکست برانگیخته می‌شوند. از سوی دیگر، گورویی، خیر و هاشمی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و خودپنداره تحصیلی با توجه به نقش واسطه‌ای اهمال‌کاری تحصیلی در دانشجویان» نشان دادند که در بین متغیرهای پژوهش (کمال‌گرایی خودمدار، خودپنداره تحصیلی و اهمال‌کاری تحصیلی) رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین کمال‌گرایی خودمدار پیش‌بینی کننده بهتری نسبت به اهمال‌کاری تحصیلی، برای خودپنداره تحصیلی بود و کمال‌گرایی جامعه‌مدار نتوانست اهمال‌کاری تحصیلی و همچنین خودپنداره تحصیلی را پیش‌بینی کند.

از طرف دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان داد دانشجویان بدون اهمال‌کاری تحصیلی در مقایسه با دانشجویان اهمال‌کار، از باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری بهتری برخوردار بودند. این نتایج همسو با مطالعات مطیعی، حیدری و صادقی (۱۳۹۱)؛ راکس و دان (۲۰۱۰) و پینتریچ و دگروت (۲۰۱۰) است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، افراد اهمال‌کار برنامه درستی ندارند و بیشتر بی‌هدف در زندگی عمل می‌کنند و از انگیزه پایین‌تری

## تشکر و قدردانی

نویسندگان بدین‌وسیله از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، قدردانی می‌کنند.



- ۱- حسن نیا، سمیه؛ شیخ‌الاسلامی، راضیه؛ پردال، مهین. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای جهت‌گیری هدف در رابطه ابعاد کمال‌گرایی و اضطراب امتحان. نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۱۱(۴۴)، ۵۵-۷۷.
- ۲- حسین چاری، مسعود؛ دهقانی، یوسف. (۱۳۸۷). پیش‌بینی میزان اهمال‌کاری تحصیلی براساس راهبردهای خودتنظیمی در یادگیری. پژوهش در نظام‌های آموزش. (۴)، ۶۳-۷۵.
- ۳- روشن‌فر، علیرضا؛ مختاری، سمانه؛ پاداش، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی آموزش روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر کمال‌گرایی مراجعان مراکز مشاوره شهر اصفهان. مجله تحقیقات نظام سلامت، ۹(۸)، ۸۹۵-۸۸۶.
- ۴- گورویی، محمد؛ خیر، محمد؛ هاشمی، لادن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و خودپنداره تحصیلی با توجه به نقش واسطه‌ای اهمال‌کاری تحصیلی در دانشجویان. مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲، ۱۳۷-۱۴۹.
- ۵- مطیعی، حورا؛ حیدری، محمود؛ صادقی، منصوره السادات. (۱۳۹۱). پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی براساس مؤلفه‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان‌های شهر تهران. روانشناسی تربیتی، ۸(۲۴)، ۷۲-۵۰.

- 6-Boysan, M., & Kiral, E. (2017). Associations between procrastination, personality, perfectionism, self-esteem and locus of control. *British Journal of Guidance & Counselling*, 45(3), 284-296
- 7-Balkis, M., & Duru, E. (2016). Procrastination, self-regulation failure, academic life satisfaction, and affective well-being: underregulation or misregulation form. *European Journal of Psychology of Education*, 31(3), 439-459
- 8-Closson, L. M., & Boutilier, R. R. (2017). Perfectionism, academic engagement, and procrastination among undergraduates: The moderating role of honors student status. *Learning and Individual Differences*, 57, 157-162
- 9-Dęci, E. L. (1991). A motivational approach to self: Integration in personality, [w:] R. Densifier, RM Ryan (red.). In *Nebraska symposium on motivation*, 6(1), 237-288
- 10-Gustavson, D. E., & Miyake, A. (2017). Academic procrastination and goal accomplishment: A combined experimental and individual differences investigation. *Learning and individual differences*, 54, 160-172
- 11-Gökçearslan, Ş., Mumcu, F. K., Haşlamam, T., & Çevik, Y. D. (2016). Modelling smartphone addiction: The role of smartphone usage, self-regulation, general self-efficacy and cyberloafing in university students. *Computers in Human Behavior*, 63, 639-649
- 12-Hicks, R. E., & Wu, F. M. Y. (2018). Psychological capital as mediator between adaptive perfectionism and academic procrastination. *GSTF Journal of Psychology (JPpsych)*, 2(1)
- 13-Moon, S., & Illingworth, A. (2005). Exploring the dynamic nature of procrastination: A latent growth curve analysis of academic procrastination. *Personality and Individual Differences*, 38, 297-309
- 14-Özer, B. U., & Saçkes, M. (2011). Effects of academic procrastination on college students' life satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 12, 512-519
- 15-Pintrich, P. R., & De Groot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of educational psychology*, 82(1), 33
- 16-Rakes, C., Dunn, E. (2010). The Impact of Online Graduate Students' Motivation and Self-Regulation on Academic Procrastination. *Journal of interactive online learning*. (9), 78-93
- 17-Rebetz, M. M. L., Rochat, L., Barsics, C., & Van der Linden, M. (2016). Procrastination as a self-regulation failure: The role of inhibition, negative affect, and gender. *Personality and Individual Differences*, 101, 435-439
- 18-Rice, K. G., Richardson, C. M., & Clark, D. (2012). Perfectionism, procrastination, and psychological distress. *Journal of counseling psychology*, 59(2), 288
- 19-Rosario, P., Costa, M., Nunez, J. C., Gonzalez-pienda, J. Soloano, P., & Valle, A. (2009) Academic Procrastination: associations with personal, school and family variables. *Spanish journal of psychology*, 12(1), 118-127
- 20-Solomon, L. J. & Rothblum, E. D. (1984). Academic procrastination: frequency and cognitive behavioral correlates. *Journal of Counseling Psychology*, 31, 503-509
- 21-Sirin, E. F. (2011). Academic procrastination among undergraduates attending school of physical education and sports: Role of general procrastination, academic motivation and academic self-efficacy. *Educational Research and Reviews*, 6(5), 447
- 22-Solomon, L. J. & Rothblum, E. D. (1994). Procrastination Assessment Scale-Students (PASS). In J. Fischer and K. Corcoran (Eds.) *Measure for Clinical Practice (Volume 2, pp. 446-452)*. New York: The Free Press
- 23-Sirois, F., & Pychyl, T. (2013). Procrastination and the priority of short-term mood regulation: Consequences for future self. *Social and personality psychology compass*, 7(2), 115-127

- 24-Steel, P. (2007). The nature of procrastination: A meta-analytic and theoretical review of quintessential self-regulatory failure. *Psychological Bulletin*, 133, 65-94
- 25-Seo, E. H. (2008). Self-efficacy as a mediator in the relationship between self-oriented perfectionism and academic procrastination. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 36(6), 753-764
- 26-Won, S., & Shirley, L. Y. (2018). Relations of perceived parental autonomy support and control with adolescents' academic time management and procrastination. *Learning and Individual Differences*, 61, 205-215
- 27-Yildiz, B., & Iskender, M. (2019). The secure attachment style-oriented psycho-educational program for reducing intolerance of uncertainty and academic procrastination. *Current Psychology*, 1-14
- 28-Zhang, Y., Dong, S., Fang, W., Chai, X., Mei, J., & Fan, X. (2018). Self-efficacy for self-regulation and fear of failure as mediators between self-esteem and academic procrastination among undergraduates in health professions. *Advances in Health Sciences Education*, 23(4), 817-830

## ایماژ ازدواج از دیدگاه دانشجویان دانشگاه گیلان

محقق: فاطمه رحمتی فرمانی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

### چکیده

ازدواج و تشکیل خانواده از اهمیت ویژه‌ای در جوامع بشری برخوردار است. در ایران نیز با توجه به فرهنگ ایرانی- اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. همین امر باعث شده است که اندیشمندان و محققان جامعه در تلاش برای آشنایی و شناخت معیارها و ملاک‌های ازدواج و انتخاب همسر و همچنین موانع و مشکلات بر سر راه ازدواج جوانان برآیند، لذا به منظور تبیین موضوع به برخی از این نظریه‌ها اشاره می‌شود: نظریه مبادله‌ای هومنز، ارسطو، همسان همسری برگس و والین، مارکس، اجتماعی پارسونز و... و در این راستا محقق در این تحقیق به دنبال بررسی نظرها و ملاک‌های دانشجویان دانشگاه گیلان (احساس نسبت به ازدواج، ویژگی‌های همسر و...) و همچنین موانع و مشکلات ازدواج می‌باشد. روش اجرای این تحقیق توصیفی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: پس از استخراج داده‌های مصاحبه به وسیله تحلیل مضمون بررسی می‌شود و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان احساس مثبتی نسبت به ازدواج دارند و آن را وسیله‌ای برای بزرگ شدن، رسیدن به استقلال، تکامل و... می‌دانند و عده کمی از آنان نسبت به این امر احساس منفی دارند و عده‌ی بسیار اندکی نظریه‌های خنثی داشتند و همچنین در پاسخ به سؤالاتی مانند ویژگی‌های همسر و یا ازدواج ایده‌آل پاسخگویان مسائل اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی از اولویت بالایی برخوردار است و ویژگی‌های فردی و زیبایی و تحصیلی در رتبه‌های بعدی قرار دارند، همچنین در خصوص موانع ازدواج دانشجویان دغدغه خود را مسائل اقتصادی مانند مخارج سنگین ازدواج، بیکاری، مسکن و... و مسائل فرهنگی- اجتماعی مانند چشم و هم‌چشمی، مراسم تجملی، سطح توقعات بالا، نداشتن تفاهم و... می‌دانند.

## مقدمه

خانواده و ازدواج، ضمن برعهده داشتن کارکردها و وظایف خاص، همواره اهمیتی ویژه در جوامع بشری داشته و از پشتیبانی و حمایت ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی و مذهبی برخوردار بوده است. بررسی سیر تحولات جامعه نشان داده است که خانواده و ازدواج نیز به عنوان نهاد اجتماعی در جریان این تغییرات دچار دگرگونی شده و ساختی نوین پیدا کرده‌اند. برخی جامعه‌شناسان ازدواج را قراردادی اجتماعی، ضامن بقای نسل انسان و سبب آرامش و امنیت جامعه دانسته‌اند. از این رو هیچ یک از نهادهای اجتماعی نقشی را که خانواده در ساختار فکری، روحی، اخلاقی و اجتماعی انسان دارد نمی‌تواند ایفا کند. آن‌ها معتقدند بسیاری از ناهنجاری‌ها و کجروی‌های اجتماعی در بالا رفتن سن ازدواج و کم میلی جوانان به تشکیل خانواده و ازدواج روی می‌دهد. لذا سنجش معیارها و ملاک‌های ازدواج و همچنین شناخت موانع و مشکلات بر سر راه تشکیل خانواده نیازمند پژوهشی علمی است که محقق در تحقیق پیش رو، بر آن بوده است که اهداف مورد نظر تحقیق را عملی سازد.

## بیان مسئله

تابع عدم تعادل و هماهنگی بین عناصر درون خرده‌نظام اقتصادی است که شامل عدم توازن و تعادل بین بلوغ اقتصادی از یک سو و بلوغ جنسی از طرف دیگر می‌باشد. شرونک پاول و همکاران (۲۰۰۰) بر اساس یافته‌های پژوهشی خود به این نتیجه رسیدند که شباهت زوجین از نظر باورها و اعتقادات تأثیر مثبت بر رضامندی و سازگاری زناشویی آن‌ها دارد و تفاوت باورها و اعتقادات، سطح تحصیلات و ... می‌تواند از عوامل مهم اختلافات خانوادگی باشد. همچنین در پژوهشی که توسط گاسا کارل (۱۹۷۸) انجام گرفت، به این نتیجه رسیدند که بین شباهت زوجین و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. در این راستا محقق، آشنایی با نظرها و ملاک‌های دانشجویان دانشگاه گیلان در خصوص ازدواج و تشکیل خانواده و همچنین موانع و مشکلات ازدواج که باعث می‌شود جوانان رغبت کمتری به این امر داشته باشند را مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌طور خلاصه می‌توان مسئله تحقیق را بدین صورت عنوان کرد: حس جوانان (دانشجویان) نسبت به ازدواج و ملاک‌ها و معیارهای یک ازدواج ایده‌آل و اصیل و همچنین موانع و مشکلات بر سر راه تشکیل خانواده و ازدواج از دیدگاه آنان چیست؟

ازدواج و تشکیل خانواده از اهمیت ویژه‌ای در جوامع بشری برخوردار است و همین امر باعث شده است که اندیشمندان و محققان جامعه در تلاش برای آشنایی و شناخت معیارها و ملاک‌های ازدواج و انتخاب همسر و همچنین موانع و مشکلات بر سر راه ازدواج جوانان برآیند، لذا به‌منظور تبیین موضوع به برخی از این نظریه‌ها و تحقیقات انجام گرفته اشاره می‌شود:

آنتونی گیدنز می‌گوید نهادهای اجتماعی وسیله پیوند زندگی اجتماعی هستند. او معتقد است که خانواده گروهی از افراد است که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند و این پیوندها یا از طریق ازدواج و یا تبار به وجود آمده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۷).

نظریه مبادله‌ای: برخی معتقدند که ازدواج یک تبادل است، با وجود تغییر و تحولات اجتماعی، اصل مبادله اجتماعی تغییر نکرده و ازدواج همیشه و هم‌اکنون و احتمالاً در آینده مبادله اجتماعی خواهد بود. هر چند این نظریه به پاره‌ای از بخش‌ها و زوایای ازدواج می‌پردازد ولی از جامعیت برخوردار نیست.

مناسب‌ترین تئوری نظریه کارکردگرایی برای تبیین ازدواج، رویکردهای ساختی پارسونز و جانسون است که در آن مسئله بالا رفتن سن ازدواج

## هدف

هدف اصلی این مطالعه بررسی نگرش جوانان (دانشجویان دانشگاه گیلان) در خصوص امر ازدواج، ویژگی‌های انتخاب همسر و موانع ازدواج جوانان است.

## سؤالات تحقیق

۱- چه احساسی نسبت به ازدواج دارید؟

۲- ویژگی‌های یک ازدواج خوب و اصیل کدامند؟

۳- ویژگی‌های همسر ایده‌آل از نظر شما چیست؟

۴- موانع و مشکلات ازدواج از نظر شما چیست؟

نباشد در این صورت طلاق معنا می‌یابد.

نظریه مارکس: از نظر مارکس برابری جنسی برای ایجاد جامعه‌ای مساوات طلب و سوسیالیستی ضروری است. مبحث کارخانگی اساسی‌ترین ارکان توجه مارکسیست‌ها است، مارکسیست‌ها به واقع خانواده را حافظ سرمایه‌داری می‌دانند و زنان برای کار در خانواده استثمار می‌شوند.

نظریه اجتماعی پارسونز: از تئوری‌های مهمی که می‌توان در تحلیل موانع ساختاری ازدواج استفاده نمود، نظریه اجتماعی پارسونز است که اعتقاد دارد هسته‌ای شدن خانواده به بیان اهمیت شغل پرداخته و براساس متغیرهای الگویی خویش آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند. بدین ترتیب شغل در تعیین سن ازدواج مؤثر است. جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که از عهده تأمین معاش برآیند (۱۳۸۸).

وستوف (۱۹۷۸) بیان می‌کند که تحولات نهادهای ازدواج و خانواده نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند، زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق، عقلانیت، فردگرایی و ... است. کمبل معتقد است متغیرهایی چون ازدواج و سن بر رضایت از زندگی تأثیر دارد (عبدی، ۱۳۷۸).

راسل و ولز (۱۹۹۴) رابطه میان احساس شادکامی و خوشبختی را با ازدواج ثابت می‌کنند (نجاریان، ۱۳۷۶).

از آنجا که یکی از اهداف ازدواج تأمین نیازهای عاطفی است، لذا عدم دستیابی به این هدف احساس ناخوشایندی را برای فرد به همراه دارد (زاهدی، فر، ۱۳۸۷). با تغییر در نظام اقتصادی، اجتماعی خانواده و تحولات فرهنگی پدید آمده، قالب ازدواج از ازدواج مبتنی بر خویشاوندی به ازدواج‌های غیرخویشاوندی تبدیل شده است (مهدوی، ۱۳۷۷). ازدواج درون گروهی از نوع خویشاوندی ریشه در تاریخ ایران دارد و یکی از اشکال متداول ازدواج در ایران است (عباس شوازی، ۱۳۸۴). اینگهارت یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکاف نسل‌ها را جهانی شدن ارتباطات می‌داند (خالقی، ۱۳۸۱).

در ایران انتخاب همسر هنوز به شکل سنتی و تحت نظارت خانواده‌ها قرار دارد (اعزاز، ۱۳۸۰).

در دوران قبل، همسرگزینی تحت فشار اجتماعی بود و انتخاب همسر بر اساس جبر اجتماعی صورت می‌گرفت (محمودیان، ۱۳۸۳). امروزه میانگین سال‌های زندگی زناشویی زوجین روزبه‌روز کاسته می‌شود (ثناپی، ۱۳۸۲). متغیرهای درون فردی و بین فردی فراوانی وجود داد که می‌تواند پیش‌بینی کننده رضایت زندگی مشترک زوجین باشد (اردلان، ۱۳۸۱).

## پیشینه تجربی

در این باره پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که بیشتر جنبه کمی و پوزیتیویستی داشته است.

۱- پژوهشی با عنوان تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان به همت علی یعقوبی چوبری و مقدس جعفری انجام گرفته است که به بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج جوانان شهر رشت پرداخته است. روش تحقیق این پژوهش، اسنادی و پیمایشی، جامعه آماری در بخش پیمایشی کلیه پسران و دختران ازدواج نکرده در گروه سنی ۲۵ تا ۳۹ سال بوده است، در

## تعریف مفاهیم

**تعریف ازدواج:** به رابطه فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی گفته می‌شود که تلقی بین فرهنگ و طبیعت است (ساروخانی، ۱۳۷۳).

**تعریف خانواده:** مجموعه‌ای از افراد هستند که در یک گروه اجتماعی زندگی می‌کنند و کارکرد تجدید نسل، مناسبات جسمانی، اجتماعی و فرهنگی را دارند.

## پیشینه تحقیق

این فصل شامل دو بخش است:

الف- مبانی نظری

ب- پیشینه تجربی

## مبانی نظری

ازدواج در میان جوامع بشری سابقه‌ای طولانی دارد به گونه‌ای که هم‌زمان با پیدایش نخستین انسان در کره زمین ظهور آن را نیز شاهدیم. براساس گفته‌های صاحبان ادیان نخستین ازدواج بین آدم و حوا به وقوع پیوسته است. از سویی دیگر این امر مورد توجه علما و فلاسفه یونان باستان قرار داشته است چنان‌که به‌زعم افلاطون برای اینکه یک جمهوری خوب سازمان پیدا کند قوانین اصلی آن باید قوانینی باشد که زناشویی را سازمان بخشد (ساروخانی، ۱۳۷۳، ص ۳۲).

ارسطو نیز در زمینه ازدواج نظریاتی دارد. از نظر وی خانواده اولین سیر تحولی جامعه و عالی‌ترین مرحله تحولی آن است، وی بهترین سن ازدواج برای مردان ۳۷ سالگی و زنان را ۲۰ سالگی می‌داند.

برخی جامعه شناسان نظیر بودون و کروزیه معتقدند که نقش‌ها آن‌چنان با دقت و با صراحت تعریف نشده‌اند، بلکه از دامنه تغییرپذیری برخوردارند. انقلاب صنعتی در ازدواج و ساختار خانواده تحولات شگرفی را ایجاد کرد. صنعتی شدن و شهرنشینی به تغییر نظام فنودالی منجر شد و ملاک‌های ازدواج را با تغییرات و تحولات آشکاری روبرو ساخت. قوانین پدرسالارانه و مادرسالارانه به تدریج جای خود را به برابری نسلی میان زن و مرد داد.

**نظریه همسان همسری (برگس و والین):** بر مبنای این رویکرد، هر چه شباهت‌ها و همانندی‌ها بیشتر باشد، دو طرف رغبت بیشتری به هم پیدا می‌کنند و همانندی‌های فرهنگی، طبقه اجتماعی، مذهبی، تحصیلی و... پایه استواری برای زندگی مشترک می‌شود و همه نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان توجه دارند.

**ناهمسان همسری:** ما تمایل داریم کسی را انتخاب کنیم که دارای آن چیزی است که ما نداریم و مایل به داشتن آن هستیم. تحقیقات نشان می‌دهد در اکثر ازدواج‌های موفق دو طرف از بسیاری جهات شبیه هم هستند.

**نظریه مبادله هومنز:** اساس مبادله بر پاداش و مجازات است، مبادله بر اساس نظام هنجاری سامان می‌یابد. بر مبنای این نظریه می‌توان گفت اگر هزینه‌ای که طرفین برای مبادله ازدواج می‌پردازند، همسان

ازدواج رابطه وجود دارد. همچنین بین متغیرهای پایگاه اقتصادی، اجتماعی، دین داری، هزینه فرصت و کلیشه‌های نقش جنسیتی با نوع نگرش به ازدواج ارتباط وجود دارد. همچنین به لحاظ توصیف توزیع پاسخگویان نسبت به نوع نگرش به ازدواج، نتایج نشان دادند. بیشتر پاسخگویان نگرش سنتی به ازدواج داشتند.

## روش اجرای تحقیق:

این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی است. در این نوع تحقیقات محقق بر آن است تا توصیفی عینی، واقعی و منظم از یک موقعیت یا یک موضوع به دست آورد. جامعه آماری شامل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه گیلان که از طریق فرمول نمونه‌گیری انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری به شکل نمونه‌گیری هدفمند بوده است. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه بوده است. جهت توصیف اطلاعات در مقاله مذکور -پس از استخراج داده‌های مصاحبه- به وسیله تحلیل مضمون بررسی شده‌اند.

بخش اسنادی، از اسناد و مدارک ثانویه موجود در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان استفاده شده است. ابزار تحقیق، پرسشنامه باز و بسته بوده است.

نتایج به دست آمده از اطلاعات اسنادی و تجربی نشان می‌دهد که درصد ازدواج تحت تأثیر عوامل و پدیده‌های طبیعی و سیاسی کلان چون: زلزله، انقلاب و جنگ و نیز عوامل اجتماعی میانه و خرد مانند: نداشتن شغل مناسب، درآمد ناکافی، فقدان مسکن، مشکلات تحصیلی، نیافتن همسر دلخواه، بالا بودن هزینه‌های ازدواج مهریه و جهیزیه در تصمیم‌گیری برای ازدواج مؤثر بوده است.

۲- پژوهش دیگر با عنوان نگرش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن توسط مریم خانی انجام گرفته است: چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از رویکرد انتخاب عقلانی و نظام کارکردی پارسونز است. روش پژوهش در این مطالعه: پیمایشی، ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه، حجم نمونه: ۳۷۴ نفر در مقطع کارشناسی و ۱۱۰ نفر در مقطع کارشناسی ارشد تعیین شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند بین متغیرهای مدنظر با نوع نگرش به

## یافته‌های تحقیق:

۱- براساس یافته‌های تحقیق دانشجویان دانشگاه گیلان تصور و عقایدشان را در مورد این سؤال که چه احساسی نسبت به ازدواج دارند این گونه به طور خلاصه بیان می‌شود.

### جدول شماره-۱

ش صاحب‌شونده	نظر مصاحبه‌شونده
۱	نسرین دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: اگر در شرایط مناسب باشد احساس خوبی دارم چون یک حامی پیدا می‌کنم.
۲	سارا دانشجوی ۲۲ ساله: ازدواج باعث تکامل می‌شود و فرد مونس و همدم خوبی پیدا می‌کند. احساس من مثبت است.
۳	فاطمه: حس بزرگ شدن و جدا شدن از فردیت می‌شود.
۴	مونا: حس بزرگ شدن و مورد احترام قرار گرفتن
۵	زهرا دانشجوی ۲۰ ساله: نظر من منفی است ولی انسان نیاز به همدم دارد (مردد است)
۶	مطهره دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: احساس می‌کنم ازدواج قیدوبندهایی دارد.
۷	مریم دانشجوی ۲۱ ساله: به ازدواج فکر نمی‌کنم چون تحصیل برای من مهم است.
۸	زینب دانشجوی ۲۱ ساله مجرد: حس مثبتی دارم چون ازدواج باعث بلوغ می‌شود.
۹	سحر دانشجوی ۲۲ ساله مجرد: حس من مثبت است چون باعث تکامل می‌شود.
۱۰	محدثه دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: حس من مثبت است چون مستقل می‌شوم.
۱۱	دانشجوی ۲۰ ساله دختر: ازدواج باعث کامل شدن از نظر فکری و عاطفی می‌شود.



دانشجوی ۲۵ ساله پسر: احساس میکنم ازدواج باعث آرامش روح در کنار فرد مورد علاقه میشود.	۱۲
سارادانشجوی ۲۲ ساله: حس خوبی دارم چون با ازدواج کامل می شوم.	۱۳
هایده دانشجوی ۲۴ ساله مجرد: در حال حاضر هیچ حسی ندارم.	۱۴
فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله: احساس من منفی است چون با استرس همراه است.	۱۵
عاطفه دانشجوی ۲۲ ساله: احساس ترس و استرس از مسئولیت پذیری	۱۶
مریم دانشجوی ۲۴ ساله: هیچ حسی ندارم و آن را یک حماقت می دانم	۱۷
رضوان دانشجوی ۲۲ ساله مجرد: اگر با رضایت باشد مثبت است و اگر با اجبار خانواده باشد منفی است.	۱۸
دانشجوی ۲۰ ساله مجرد پسر: باعث رفع نیازهای عاطفی و همچنین ارضای سایر نیازهاست.	۱۹
فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: فرد با ازدواج به تکامل می رسد و ازدواج باعث خوشبختی می شود.	۲۰
مهتاب دانشجوی ۲۱ ساله: احساسم کاملاً منفی است ولی اگر با کسی که دوست داری ازدواج کنی لذت بخش است.	۲۱
دانشجوی پسر ۲۸ ساله متأهل: حس مثبت دارم چون باعث نشاط می شود.	۲۲
دانشجوی پسر مجرد: با توجه به مشکلات اقتصادی دید مثبتی ندارم.	۲۳
دانشجوی پسر مجرد: علاقه ای به ازدواج ندارم و حس من منفی است.	۲۴
دانشجوی ۳۰ ساله مجرد: خوشبین هستم چون باعث تکامل می شود.	۲۵

### جدول شماره ۲ - مقوله بندی

نظر مصاحبه شونده	تم
احساس خوب، به تکامل رسیدن، حس بزرگ شدن، مورد احترام قرار گرفتن، رسیدن به استقلال، آرامش روانی، رفع نیازهای عاطفی، خوشبختی، خوش بینی.	مثبت
قید و بند، حس منفی، ترس و استرس، حماقت.	منفی
به ازدواج فکر نمی کنم، هیچ حسی ندارم.	خنثی

با توجه به مطالب مندرج در جدول بالا احساس مصاحبه شوندهگان در مورد ازدواج: پس از استخراج مصاحبه ها این نظرها در سه آیتم مثبت، منفی و خنثی تم بندی شدند و پس از بررسی داده ها مشخص گردید که اکثریت دانشجویان احساس مثبتی نسبت به ازدواج دارند و آن را باعث تکامل، رسیدن به آرامش، استقلال و... می دانند. تعداد اندکی از مصاحبه شوندهگان نسبت به امر ازدواج احساس منفی داشتند و فقط دو نفر از آنان حس خنثی داشتند.

## جدول شماره-۱

ش مصاحبه‌شونده	نظر مصاحبه‌شونده
۱	نسرین دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: رضایت طرفین در آن باشد، درک متقابل، تکیه‌گاه خوبی باشند، در موقع مشکلات حامی هم باشند، احترام متقابل.
۲	سارا دانشجوی ۲۲ ساله: داشتن تفاهم، احترام متقابل، عشق و علاقه به همدیگر، مشورت در تصمیم‌گیری‌ها، حاشیه نداشته باشند.
۳	فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: صداقت، راستگویی، وضعیت مالی مناسب، متعهد بودن، مسئولیت‌پذیر باشد، وفاداری.
۴	مونا دانشجو، مجرد: تکیه‌گاه مناسب، مورد اعتماد، داشتن امکانات رفاهی، تحصیلات و شغل مناسب، تعادل روانی، ظاهر مناسبی داشته باشد.
۵	زهرا دانشجوی ۲۰ ساله: منطقی باشد. رضایت نسبی والدین، شناخت کافی از هم داشته باشند.
۶	مطهره دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: عشق و عقل با هم در آن باشد، شناخت کافی از هم داشته باشند.
۷	مریم دانشجوی ۲۱ ساله مجرد: هر دو پایبند به ارزش‌ها باشند، علاقه‌مند به یکدیگر باشند، سلیقه و علاقه مشترک داشته باشند، نداشتن اعتیاد، داشتن موقعیت اجتماعی.
۸	زینب دانشجوی ۲۱ ساله مجرد: عشق، علاقه، وضعیت مالی مناسب، درک متقابل، مقبولیت اجتماعی.
۹	سحر دانشجوی ۲۲ ساله مجرد: اخلاق خوش، شغل مناسب، مدیریت زندگی، صداقت طرفین.
۱۰	محدثه دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: احترام متقابل، محبت، اعتماد متقابل، عشق و محبت، خوش اخلاقی.
۱۱	دانشجوی ۲۰ ساله: علاقه دو طرف، حمایت خانواده، رضایت ۲ طرف، عمل تعهدات، اعتماد متقابل، مشورت در امور.
۱۲	دانشجوی ۲۵ ساله پسر: رضایت قلبی دو طرف، عمل به تعهدات، اعتماد متقابل، مشورت در امور
۱۳	سارا دانشجوی ۲۲ ساله: با شناخت کامل صورت می‌گیرد، هماهنگی در سلیقه و علایق، رعایت اصول همدیگر.
۱۴	هایده دانشجوی ۲۴ ساله مجرد: تناسب فردی و اجتماعی داشته باشند، از نظر اعتقادی هم نظر باشند، علاقه، احترام متقابل، عشق، مطابق با آداب و رسوم باشد.
۱۵	فاطمه ۲۰ ساله دانشجو مجرد: تشابه فرهنگی و خانوادگی، وضعیت مالی مناسب، پوشش مناسب
۱۶	عاطفه دانشجوی ۲۲ ساله: اخلاق مناسب داشته باشند، احترام متقابل، وضعیت مالی خوب، از لحاظ فرهنگی و تحصیلی به هم بیایند، شغل و قیافه ظاهری، صداقت
۱۷	مریم ۲۴ ساله دانشجو: شناخت کافی از هم داشته باشند، اخلاق، نزدیک بودن تفکر آن‌ها به هم.
۱۸	رضوان دانشجوی ۲۴ ساله مجرد: صداقت، خوشرویی، اعتماد طرفین، هم‌سطح باشند.
۱۹	دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: شناخت کافی، با اختیار طرفین باشد، درک متقابل، جایگاه اجتماعی فرهنگی مناسب.
۲۰	فاطمه ۲۰ ساله مجرد: اعتماد طرفین، صداقت، درک متقابل، شغل مناسب، قواعد شرعی.

مہتاب دانشجوی ۲۱ ساله مجرد: اعتماد، احترام متقابل، مسئولیت پذیری، اصالت خانوادگی داشته باشد.	۲۱
دانشجوی ۲۸ ساله پسر متأهل: ہم سطح باشند، ہمدل، درک متقابل، رفاه، آسایش و وضعیت مالی خوب.	۲۲
دانشجوی پسر مجرد: درک متقابل، تلاش مشترک، انسانیت و اخلاق	۲۳
دانشجوی پسر مجرد: درک متقابل، همکاری، تلاش مشترک، انسانیت و اخلاق.	۲۴
دانشجوی پسر مجرد ۳۰ ساله: علاقه مشترک، ہمدیگر را دوست داشته باشند، ہم عقیدہ باشند، تحصیلات عالی، وضعیت مالی خوب.	۲۵

#### جدول شماره ۴ - مقولہ بندی دادہ های جدول بالا

نظر مصاحبہ شونده	تم
صداقت، تعہد، وفاداری، اعتماد، پایبندی بہ ارزش‌ها، اخلاق خوش، رعایت موازین شرعی	اخلاقی
تحصیلات	آموزشی
ظاهر مناسب، قیافہ مناسب.	زیبایی
وضعیت مالی مناسب، امکانات رفاهی، شغل مناسب	اقتصادی
درک متقابل، احترام، تفاهم، مشورت، مسئولیت پذیری، موقعیت اجتماعی، ہم سطح بودن، تشابہ فرهنگی	اجتماعی
داشتن تکیہ گاہ، حامی، عشق و علاقه، تعادل روانی، نداشتن اعتیاد، محبت	فردی (روانی)

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول بالا پس از بررسی نظرهای مصاحبہ شوندهگان این پاسخ‌ها در شش تم اخلاقی، آموزشی و... قرار گرفتند و نتایج نشان می‌دهد کہ بیشتر دانشجویان بہ ترتیب اهمیت، مسائل اخلاقی و اقتصادی، فردی (روانی) را در اولویت قرار دادند و پس از آن مسائل آموزشی و زیبایی در درجات بعدی اهمیت می‌دانند.

#### جدول شماره ۵ - براساس یافته‌های تحقیق دانشجویان دانشگاه گیلان در مورد این سؤال کہ ویژگی‌های همسر آینده خود را ذکر کنید این گونه بیان داشته‌اند.

نظر مصاحبہ شونده	ش مصاحبہ شونده
نسرین دانشجوی ۲۰ ساله: تحصیلات مناسب، شغل مناسب، اخلاق حسنه، نظم و داشتن زیبایی ظاہری.	۱
سارا ۲۲ ساله: اجتماعی، گرم و صمیمی، نظم داشته باشد، وضعیت مالی مناسب، بہ طرفش احترام بگذارد.	۲

فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله: صداقت، عدم اعتماد، وضع اقتصادی مناسب، خانواده دوست، باشخصیت باشد.	۳
مونا دانشجوی دانشگاه گیلان: تحصیلات مناسب، شغل مناسب، اخلاق خوب، صبور، ظاهر زیبا، آراستگی، نظم.	۴
زهرا دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: با ایمان، سلامت جسمی و روانی ظاهر خوب، وضعیت مالی خوب، تحصیلات، اهل تفریح، همدلی، مستقل و اجتماعی باشد.	۵
مطهره دانشجوی ۲۰ ساله: مسئولیت پذیر، همراه و همدل و صادق باشد، شغل و درآمد مناسب.	۶
مریم دانشجوی ۲۱ ساله: اجتماعی باشد، اعتیاد نداشته باشد، احترام به شخصیت همسر بگذارد.	۷
زینب دانشجوی ۲۱ ساله مجرد: انسانیت داشته باشد، صادق و درستکار باشد، ساده پوش و با ایمان باشد.	۸
سحر دانشجوی ۲۲ ساله: اخلاق خوب، ظاهر مناسب، وضعیت مالی خوب، مسئولیت پذیر و باسواد، شغل مناسب.	۹
محدثه دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: مورد اعتماد باشد، متعادل، اصالت خانوادگی، با ادب و وفادار، ظاهر مناسب داشته باشد، پرخاشگر نباشد.	۱۰
دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: درآمد مناسب، تشابه فرهنگی و خانوادگی، احترام به عقاید متقابل، سلامت جسمی و روانی داشته باشد، دارای تحصیلات عالی باشد.	۱۱
دانشجوی ۲۵ ساله پسر و مجرد: اصالت خانوادگی، زیبایی ظاهری، وقار، اخلاق خوب، خوش اخلاقی.	۱۲
سارادانشجوی ۲۲ ساله: تفاهم، وضعیت اقتصادی مناسب، تحصیلات در یک سطح یا نزدیک به هم، عاشق زندگی و دوست داشتنی.	۱۳
هایده ۲۴ ساله دانشجوی: خوش اخلاق، صادق، شاغل، همراه و همدم، با منطق و وفادار و مسئولیت پذیر باشد.	۱۴
فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله و مجرد: اصالت خانوادگی، شغل مناسب، قdblند، سالم و با ایمان باشد.	۱۵
عاطفه دانشجوی ۲۲ ساله: وضعیت مالی خوب، از لحاظ فرهنگی، مالی و تحصیلی هم سطح باشند، ظاهر خوب، اخلاق خوش، و صداقت ویژگی های مدنظر من است.	۱۶
مریم دانشجوی ۲۴ ساله: منش و اخلاق بالا، شاغل، تحصیل کرده، با اصالت، با فرهنگ، خانواده دوست باشد.	۱۷
رضوان دانشجوی ۲۲ ساله مجرد: صداقت، خوشرویی، اعتماد متقابل، آرامش.	۱۸
دانشجوی مرد ۲۰ ساله مجرد: صداقت، بلوغ فکری، جایگاه اجتماعی مناسب.	۱۹
فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: وفادار، متعهد، مسئولیت پذیر، مشورت پذیر.	۲۰
مهتاب دانشجوی ۲۱ ساله: خوش تیپ، مهربان، خوش اخلاق، صبور، شغل مناسب، تحصیلات.	۲۱
دانشجوی پسر ۲۸ ساله: صداقت، تعقل، شغل مناسب.	۲۲
دانشجوی پسر مجرد: درک بالا، شغل مناسب، اندوخته خوب، خوش اخلاق.	۲۳
دانشجوی پسر: انسانیت، وضع مالی خوب، درک متقابل.	۲۴
دانشجوی پسر ۳۰ ساله: ایمان، تحصیلات عالی، وضع مالی مناسب.	۲۵

## جدول شماره ۶- مقوله‌بندی جدول صفحه قبل (ویژگی‌های همسر آینده)

تم	نظر مصاحبه‌شونده
اخلاقی	اخلاق حسنه، صداقت، ساده‌پوشی، وفاداری، ایمان
زیبایی	زیبایی ظاهری، داشتن قد بلند، خوش تیپ بودن
اقتصادی	شغل مناسب، وضع اقتصادی مناسب
اجتماعی	نظم، صمیمیت، احترام، تفریحات، مسئولیت‌پذیری، اصالت خانوادگی، داشتن جایگاه مناسب اجتماعی
فردی (روانی)	صبر، سلامت جسمی و روانی، همدلی، مورد اعتماد بودن، ادب و وقار، عشق و علاقه
آموزشی	تحصیلات مناسب

نظر مصاحبه‌شوندگان در خصوص ویژگی‌های همسر آینده خود در شش تم قرار گرفتند و همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود به ترتیب اهمیت موضوع، مسائل اخلاقی (اخلاق حسنه، صداقت و...)، اجتماعی (نظم، صمیمیت و...)، اقتصادی (شغل مناسب، وضع مالی خوب و...)، ویژگی‌های فردی مانند سلامت جسمی و روانی و...، زیبایی و آموزشی اشاره نمود، یعنی مسائل اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی از اهمیت زیادی برای پاسخ‌گویان برخوردار است.

## جدول شماره ۷- براساس یافته‌های تحقیق نظر دانشجویان دانشگاه گیلان (مصاحبه‌شوندگان) در خصوص موانع و مشکلات ازدواج را این‌گونه بیان داشته‌اند:

ش مصاحبه‌شونده	نظر مصاحبه‌شونده
۱	نسرین دانشجوی ۲۰ساله: سخت پسندی، فضای مجازی، سطح توقعات بالا.
۲	سارا ۲۲ساله: تجمل‌گرایی، زیاده‌خواهی، تنوع‌طلبی، بیکاری، مشکلات مالی.
۳	فاطمه دانشجوی ۲۰ساله: مشکلات مالی، ترس از مسئولیت‌پذیری، بیکاری، نداشتن تفاهم، تجمل‌گرایی.
۴	مونا دانشجوی مجرد: انتظارات بالا، سخت‌پسندی، بیکاری، زیاد شدن روابط مجازی.
۵	زهرا دانشجوی ۲۰ساله مجرد: بیکاری، مسکن، سربازی، مشکل مالی، سخت‌گیری خانواده‌ها، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم اطمینان.
۶	مطهره دانشجوی ۲۰ساله: بیکاری، مشکل مالی، سنگین بودن هزینه‌های ازدواج، عدم شناخت مناسب از همسر از موانع ازدواج است.
۷	مریم دانشجوی ۲۱ساله: توقعات زیاد، وضعیت اقتصادی نامناسب، سخت‌گیری والدین، مراسم تجملاتی، چشم‌وهم‌چشمی.
۸	زینب دانشجوی ۲۱ساله: توقعات بالا، مشکلات مالی، سخت‌گیری‌های خانواده‌ها.
۹	دانشجوی دختر ۲۳ ساله سحر: مشکل مالی، بیکاری، سطح توقعات بالا، سخت‌گیری خانواده‌ها.

۱۰	محدثه دانشجوی ۲۰ ساله مجرد: سخت‌گیری خانواده‌ها، چشم‌هم‌چشمی، تجمل‌گرایی، تحصیلات عالی، خود مشکل ازدواج است در بسیاری از مواقع.
۱۱	دانشجوی ۲۰ ساله: سخت‌گیری خانواده‌ها، سطح توقعات بالا، مشکلات اقتصادی، بیکاری، گرانی.
۱۲	دانشجوی پسر ۲۵ ساله: بیکاری، مسکن، نداشتن انگیزه،
۱۳	سارا دانشجوی ۲۲ ساله، وضعیت نامناسب مالی و بیکاری.
۱۴	هایده دانشجوی ۲۴ ساله: سخت‌گیری خانواده، چشم‌وهم‌چشمی، تجمل‌گرایی.
۱۵	فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله: مشکل اقتصادی، بیکاری.
۱۶	عاطفه دانشجوی ۲۲ ساله: بیکاری، مشکلات اقتصادی، تجمل‌گرایی.
۱۷	مریم دانشجوی ۲۴ ساله: مشکلات اقتصادی و اخلاقی در جامعه.
۱۸	رضوان دانشجوی ۲۲ ساله: دخالت خانواده‌ها، اعتماد نداشتن طرفین، مشکلات مالی.
۱۹	دانشجوی پسر ۲۰ ساله مجرد: تجمل‌گرایی، سنت‌های دست‌وپا گیر و مشکل مالی.
۲۰	فاطمه دانشجوی ۲۰ ساله: مشکل مالی، سخت‌گیری خانواده‌ها.
۲۱	مهتاب دانشجوی ۲۱ ساله: مشکل مالی، فضای مجازی، سخت‌گیری خانواده‌ها.
۲۲	پسر ۲۸ ساله: مشکل مالی، مسکن، بیکاری.
۲۳	دانشجوی پسر مجرد: بیکاری، مشکل اقتصادی، بالا رفتن توقعات.
۲۴	دانشجوی پسر مجرد: مشکل مالی، عدم درک متقابل.
۲۵	دانشجوی ۳۰ ساله پسر: مشکل مالی، نداشتن تفاهم.

### جدول شماره ۸- مقوله‌بندی براساس اطلاعات مندرج در جدول بالا.

تم	نظر مصاحبه‌شونده
اقتصادی	بیکاری، مشکلات مالی، سنگین بودن هزینه‌های ازدواج، مسکن
فرهنگی	سطح توقعات بالا، فضای مجازی، چشم‌وهم‌چشمی، سخت‌گیری خانواده، مراسم تجملاتی، مشکلات اخلاقی
اجتماعی	ترس از مسئولیت‌پذیری، نداشتن تفاهم، سخت‌پسندی، اعتماد

پس از بررسی نظر مصاحبه‌شوندگان (دانشجویان) همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود در بحث موانع ازدواج بیشترین دغدغه آنان مسائل اقتصادی و پس از آن موانع فرهنگی و مسائل اجتماعی می‌باشد.



## نتیجه‌گیری:

داشته و بعد از آن ویژگی‌های فردی و روانی، تحصیلی و مقوله زیبایی در اولویت آخر قرار گرفته است. پاسخ‌های ارائه شده در مورد موانع و مشکلات ازدواج ما را به نکات دقیق و با اهمیتی می‌رساند. همان‌طور که در جدول شماره ۸ به آن اشاره شده است؛ مهم‌ترین دغدغه دانشجویان به ترتیب اولویت مسائل اقتصادی (بیکاری، مسکن و ... ) و فرهنگی (سطح توقعات، چشم‌وهم-چشمی، تجملات و ...) و اجتماعی می‌باشد. با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان معروفی چون شرونک پاول، پارسونز، نظریه مبادله‌ای هومنز نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ازدواج از اهمیت فراوانی برخوردار است و همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش اظهار داشته‌اند بیکاری، نداشتن درآمد کافی، مشکلات اجتماعی و فرهنگی باعث می‌شود که سن ازدواج به تأخیر افتاده و جوانان برای تشکیل خانواده با مشکل مواجه شوند. نتایج این پژوهش با تئوری نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز و جانسون هماهنگی دارد که در آن بالا رفتن سن ازدواج تابع عدم تعادل و توازن بین بلوغ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه با بلوغ جنسی جوانان است. با توجه به نتایج این پژوهش و سایر پژوهش‌های انجام گرفته در جامعه کنونی ایران با عنایت به این که رشد صنعت و اقتصاد متناسب با رشد جمعیت نبوده و اکثر جوانان خصوصاً تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی نتوانسته‌اند شغل مناسبی را کسب کنند لذا توان اداره زندگی و تشکیل خانواده با توجه به موانع زیادی که در این زمینه وجود دارد مانند مخارج سنگین ازدواج، سطح توقعات بالا، کمبود مسکن و ... سن ازدواج روزبه‌روز در کشور بالا می‌رود.

ازدواج و تشکیل خانواده در جوامع بشری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همین امر سبب شده است که محققان و اندیشمندان جامعه در تلاش برای آشنایی و شناخت معیارها و ملاک‌های ازدواج و موانع آن از دیدگاه جوانان برآیند. در این راستا هدف اصلی این مطالعه و تحقیق بررسی نگرش جوانان (دانشجویان دانشگاه گیلان) در خصوص امر ازدواج، ویژگی‌های انتخاب همسر و موانع ازدواج بوده است. دانشجویان در پاسخ به این سؤال که چه احساسی نسبت به ازدواج دارید؟ چنانکه در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، اکثریت پاسخگویان نسبت به ازدواج احساس مثبت - حس بزرگ شدن، استقلال، آرامش و ... - و عده کمی از آنان ابراز داشتند که نسبت به ازدواج ترس و استرس و احساس منفی دارند و درصد ناچیزی از آنان احساس خستگی داشتند. پاسخ‌های دانشجویان به این سؤال که ویژگی‌های یک ازدواج خوب و اصیل را در چه چیزهایی می‌دانند، ما را به نکات دقیق و مهمی می‌رساند که همان‌طور که در جدول شماره ۴ به آن اشاره شده؛ مهم‌ترین این ویژگی‌ها از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان ویژگی‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد و بعد از این ملاک‌ها ویژگی‌های فردی و زیبایی و آموزشی در مراحل بعدی قرار می‌گیرند که این نتایج با نتایج تحقیقاتی که توسط آقایان علی یعقوبی، شرونک پاول و همکاران (۲۰۰۰) و همچنین تحقیق گاساکارل (۱۹۷۸) همخوانی دارد. همچنین پاسخ‌های ارائه شده در مورد این سؤال که ویژگی‌های همسر ایده‌آل از نظر شما چیست؟ مهم‌ترین این ویژگی‌ها همان‌طور که در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. مسائل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی بیشترین اهمیت را

## پیشنهادها:

- با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:
- ۱- با توجه به نتایج این پژوهش توصیه می‌گردد که مسئولان و برنامه‌ریزان کشور در حد امکان به رفع موانع ازدواج مانند مشکلات اقتصادی، مسکن و ... اقدام نمایند.
  - ۲- یکی از دغدغه‌های جوانان که باعث می‌شود کمتر به مسئله ازدواج فکر کنند، مسئله بیکاری است، لذا پیشنهاد می‌شود که در بحث ایجاد شغل برای جوانان چاره‌اندیشی شود.
  - ۳- تشکیل کلاس‌هایی در زمینه آگاهی‌بخشی به جوانان در زمینه ازدواج آسان توسط استادان مجرب علوم اجتماعی و روان‌شناسی.
  - ۴- انجام پژوهش‌های علمی در زمینه ازدواج در سطح کشور.

## تشکر و قدردانی:

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از زحمات ارزشمند استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی یعقوبی که در تمام مراحل این پژوهش بنده را یاری فرموده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

## منابع

اردلان، علی (۱۳۸۱) بررسی پدیده فرار دختران از منزل، طرح تحقیقی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوره معاصر، تهران: نشر و فنکاران و مطالعات زنان.

بودون، ریمون (۱۳۷۰) منطق اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات جاویدان.

ثنایی، باقر (۱۳۸۲) مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.

خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱) بررسی ارزش‌های مادی/فرامادی دانشجویان دانشگاه تهران - دانشگاه شهید بهشتی. زاهدی‌فر، شهین (۱۳۸۷) اثرات حفاظتی ازدواج بر سلامت، روزنامه همشهری، ۱۳۸۷/۱۰/۲۶.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۳) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.

عبدی، عباس، گودرزی، محسن (۱۳۷۸) تحولات فرهنگی پس از انقلاب، تهران: انتشارات سروش.

عباسی شوازی، محمد صادقی (۱۳۸۴) قومیت و ازدواج در ایران، پژوهش زنان، شماره ۱، ۲۵-۴۷.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶) بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی، پژوهش‌نامه علوم، ۵۳.

محسنی، منوچهر (۱۳۶۸) جامعه‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات طهوری.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳) سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی: شماره ۲۴، ۱۳۸۳.

مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۷) بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

نجاریان، فرزانه (۱۳۷۶) عوامل مؤثر در کارایی خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره دانشگاه آزاد رودهن.

نیک‌خواه، هدایت‌لله، فانی، مریم و اضغریپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان نگرش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۳.

Chronc , P. & Plhakova, A. (2000). Differences is marital satisfaction of men an Women. Ceska- a- Sbvenska- sychiatrie, 96-1

Weeks, J.R(2002). "Population: An Introduction to concepts and Eighth Edition, Wad

## نشست مجازی «رمزگشایی ابعاد اجتماعی، روانی و حقوقی قتل رومینا»

از آن ساختار خارج کنید و وارد ساختار شهری مدرن کنید، تعبیر او از شرافت و ناموس عوض خواهد شد. کما اینکه بسیاری از دختران در جوامع شهری با پسران ارتباط آزاد دارند و توسط پدران و جامعه شهری جرم انگاری نمی‌شود، بلکه جرم‌زدایی می‌شود. او با قتل رومینا خواسته مردانگی خود را ثابت کند و پیامی به «بهمن» (پسر این حادثه) دختر خود و دیگران منتقل کند که پدر بی‌غیرتی نیست. علاوه بر این، بین قتل و توسعه‌یافتگی ارتباط نزدیکی وجود دارد. در اجتماعات توسعه یافته ایران، به دلایل وضعیت آنومیک، هرچند میزان خشونت بالاست، اما شدت خشونت در مناطق مزبور پایین است. به قول نوربرت الیاس، افراد اعمال قدرت و مدیریت بیشتری بر احساسات خود دارند. بر مبنای آمارهای موجود، استان گیلان به دلیل وجه توسعه‌یافتگی شکل غالب خشونت وجه کلامی و واحد فیزیکی دارد، اما شدت خشونت آن همانند استان‌های توسعه‌نیافته ایران نیست. نکته مهم اینکه این تبیین در مورد همه مناطق استان یکدست نیست. این استان نیز مناطق توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته زیادی دارد. در مناطق توسعه‌یافته اغلب خشونت وجه کلامی یا فیزیکی دارد، ولی شدت خشونت پایین است حال آنکه در مناطق توسعه‌نیافته و سنتی شدت خشونت بالاست. روستای سفیدسنگان روستای سنتی است. این روستا به قول کانل-جامعه‌شناس استرالیایی- دارای سامان جنسیتی خاصی است که نوعی مردانگی و زنانگی خود را ساخته است و امور مهم آن روستا بر مبنای تعاملات اجتماعی خاص نظم پیدا می‌کند. در پرتو این تعاملات مردم بیشتر دعاوی خود را توسط نهادهای جمعی سنتی حل و فصل می‌کنند، اما فشار فراساختاری در پس خطر آبرو، شرافت خانوادگی سبب می‌شود که مردان سنتی در مناطق روستایی را دعوت به پرخاشگری کند تا مردانگی خود را در مقابل دیگران به تأیید و ثبوت برساند. فرار دختران در برخی خانواده‌ها، شدت خشونت در مناطق روستایی را طلب می‌کند.

نشست مجازی «رمزگشایی ابعاد اجتماعی، روانی و حقوقی قتل رومینا» با حضور جمعی از تحلیلگران منطقه‌ای (استان گیلان و شهرستان تالش) روز شنبه مورخ ۱۰ خردادماه ۹۹ به همت معاونت فرهنگی دانشگاه گیلان و دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران در دانشگاه گیلان برگزار شد.

**دکتر علی یعقوبی مدیر دفتر دانشگاهی انجمن جامعه‌شناسی در دانشگاه گیلان گفت:** قتل یک پدیده چند وجهی و دارای ابعاد روانی، اجتماعی، اقتصادی و... است. نکته مهم این است که قتل اخیر را باید در ساختار اجتماعی معنی کرد، چرا که افراد درون ساختارها اقدام به قتل می‌کنند و قتل با سرمایه فرهنگی و اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد. آنچه خون پدر مقتول را به غلیان در آورده، پدیده ناموس، شرافت و حفظ آبروست. البته پدیده شرافت، غیرت، شرمساری ارزش‌های مثبتی در جوامع شرقی است تا زمانی که وجهه ایدئولوژیک پیدا نکند و موجب حذف دیگری نشود و تابع قاعده و قانون باشد. شرافت برای جامعه شناسان غربی سوژه مطالعاتی نیست، بلکه بیشتر در جوامع سنتی از اهمیت زیادی برخوردار است. البته «پیر بوردیو» در مطالعه خود در الجزایر (قوم کابلیا) به این پدیده پرداخته است. به هر حال شرافت برای طبقات مختلف به اشکال مختلف بازنمایی می‌شود. به تعبیر «برگر و لاکمن» درک برخی افراد از موضوع ناموس ممکن است امری عینی و مسلم باشد. در مقابل، برخی دیگر ممکن است درکشان از واقعیتی همچون شرافت و ناموس «ذهنی»، «نسبی» باشد که وجهی برساخته پیدا می‌کند. در اجتماعات سنتی و در طبقات پایین بر امر عینی شرافت و ناموس تأکید می‌شود، اما طبقات متوسط و بالا خوانش دیگری از مردانگی و شرافت دارند و بر وجه برساختگی آن پرداخته می‌شود. در واقعه اخیر نیز پدر رومینا در ساختار سنتی زندگی می‌کند و تحت فشار شدید ساختار اجتماعی است. او تعبیر خاصی از ناموس، شرافت و مردانگی دارد. اگر او را

## دکتر علی یعقوبی

### مدیر دفتر دانشگاهی انجمن جامعه‌شناسی در دانشگاه گیلان



**دکتر یعقوبی** افزود: نکته مهم، آیینی یا مناسکی شدن پدیده فرار دختران است. دختران و پسران در یک آیینی اقدام به فرار می‌کنند. به عبارت دیگر، وقتی ساختار اجازه ازدواج به دختران و پسران نمی‌دهد یا باید کاملاً مطابق امیال والدین عمل می‌کردند و یا درون ساختار ازدواج جهت اقناع والدین خود اقدام به فرار می‌کنند و متعاقب آن ازدواج می‌کنند و مشکل تاحدی رفع، شرافت و آبروی طرفین حفظ می‌شد. روستاهای سنتی و عشیره‌ای گیلان از جوامع گذشته

پست‌مدرن‌ها رخدادهای کوچک در خلق رخداد بزرگ‌تر (قتل) نقش عمده‌ای دارند. علاوه بر این، در معنای «ماکس شلر» انسان دارای دو نیروی محبت و رزانه و کین توزانه است. پدر رومینا هم به فرزندش عشق می‌ورزیده و هم نسبت به او نفرت داشته؛ زیرا آبرو و هستی خانوادگی خود را بر باد رفته می‌بیند. وقتی مشاهده می‌کند که دخترش انسان دیگری را به او ترجیح داده است. این بستگی دارد به اینکه کدام ورق از احساسات او باتوجه به شرایطش (عشق / نفرت) رو شده باشد. این امر تداعی کننده دستگاه نظری «رنالد کالینز» است کنشگران با توجه به انرژی احساسی که از موقعیت‌های کنش متقابل نصیبشان می‌شود، برانگیخته شده و دست به کنش می‌زنند. متأسفانه در خانواده‌های ایرانی حتی در جوامع شهری نتایج تحقیق در طرح آموزش گفت‌وگوی خانواده نشان می‌دهد که افراد با مشکل کنترل احساسات، درک «دیگری» و فرهنگ گفت‌وگو مواجه‌اند و از عقلانیت ارتباطی کمتری برخوردار هستند. به طوری که در طرح مسئله‌یابی خانواده شهروندان رشت اغلب اظهار کرده‌اند که ما همدیگر را درک نمی‌کنیم و صمیمیت و صداقت در خانواده‌ها وجود ندارد. آموزش کنترل خشم و احساسات در مدارس و دانشگاه‌ها، نهادهای فرهنگی و فضاهای رسانه‌ای جدی نیست. همچنین درس آموزش خانواده به‌طور جدی در مدارس برگزار نمی‌شود تا دانش‌آموزان به عشق زود هنگام مبتلا نشوند و کنترل بیشتری بر احساسات خود داشته باشند و خود را در معرض بزه دیدگی قرار ندهند. نهادهای انتظامی و قضایی در قبال پدیده‌های جدید که وجه بی‌شکلی در معنای زیملی دارند، نیاز به بازاندیشی سازمانی و بوروکراتیک بسان سایر سازمان‌های اجتماعی دارند. خلاصه، در شرایط فعلی باید آموزش خانواده و مهارت‌های گفت‌وگو کردن را به زبان ساده، عینی و ملموس ارائه کرد تا عمومی و همگانی شود.

تا حال، به زعم «جرج زیمل» «جامعه‌رازند». در این جوامع بسیاری امور وجه اختفا و استتار دارد و مانند جوامع جدید خصلت نمایشی ندارد، اما با رسانه‌ای شدن جامعه، بسیاری از حریم خصوصی و امور راز آمیز، راز زدایی شده است. به نمایش درآوردن عکس‌های رومینا و عمومی کردن آن در فضاهای رسانه‌ای و اینستاگرام چیزی که قرار بود راز باشد، راز زدایی شده است و خون یک مرد سنتی را- که در اینجا پدر رومیناست- در مناطق روستایی را به جوش آورده است. در چنین وضعیتی وقتی فرد در موقعیت متعارضی قرار گیرد، شدت پرخاشگری بیشتری پیدا می‌کند. پدر رومینا در مقابل قلدری رسانه‌ای ناشی از مزاحمت تلفنی (بهمن) تصمیم به انتقام می‌گیرد. بنابراین اینجا شاهد نبرد مردان هستیم، نبرد بهمین و پدر رومینا. پدر رومینا تصور می‌کند که دخترش او را نادیده گرفته و شرف و آبرویش را بر باد داده و در مقابل یک مرد دیگر، شرافت و مردانگی او را به خطر انداخته است. شاید تفاوت در خرده فرهنگ‌های مذهبی نیز این امر را پیچیده‌تر کرده باشد. نکته مهم این است که همه پدران در وضعیت مشابه درون یک ساختار سنتی اقدام به قتل فرزند خود نمی‌کنند، بلکه به عاملیت افراد بستگی دارد. به لحاظ نظری در مکتب کنش متقابل نمادین، مردان در چنین وضعیتی اقدام مکانیکی در مقابل محرکات بیرونی ندارند، بلکه اوضاع را رصد، تفسیر و تعریف و یا کنش خود را به تأخیر می‌اندازند. در این تبیین انسان در تولید احساساتش نقش اساسی دارد. مردانی که مهارت‌های گفت‌وگویی پایین و از آستانه تحمل کمتری برخوردارند، بیشتر رفتارهای واکنشی دارند. مردانی که اقناع‌سازی آن‌ها کمتر زبانی و استدلالی است و بیشتر خشونت فیزیکی دارند، از این استراتژی بیشتر استفاده می‌کنند. آنچه ماشه خشونت‌های شدید در قالب قتل را می‌چکاند، ریز پرخاشگری است. عدم رعایت حریم دیگران و راز زدایی از امر پوشیده (زنگ زدن بهمین به پدرش و عکس‌های او در اینستاگرام) نوعی ریزپر خاشگری است و بقول

در ادامه این جلسه **خانم شیوا پروانی، دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تهران** که خود منشا تالشی است، گفت: فرار دختران از خانه به‌قصد اخذ مجوز ازدواج به وفور در روستاها و شهرهای تالش دیده می‌شود. فرار دختران در فرهنگ تالشی‌ها یک سنت دیرین است. فرار، یک پدیده فرانسلی است که طی چند دهه اخیر در نسل‌های مختلف تداوم داشته است؛ نه فقط در بین دختران نسل گذشته یعنی نسل مادر بزرگان، مادران و خواهران ما، بلکه حتی در بین دختران دهه هفتادی و امروز در بین رومیناهای دهه هشتادی نیز فرار از خانه به‌قصد ازدواج دیده می‌شود. اینکه چرا این سنت دیرین همچنان تداوم دارد، جای سؤال است! به نظر می‌رسد تداوم آن به کارکردهایش در یک جامعه و فرهنگ

سنتی برمی‌گردد. سالیان سال است که بخشی از دختران برای ازدواج، فرار را انتخاب می‌کنند و از این طریق در برابر قدرت و اقتدار پدر، مقاومت می‌کنند. درواقع فرار دختران به یکی از راهکارهای مهم ایجاد فشار اجتماعی و فرهنگی برای والدین مبدل گشته است. فرار دختران برای خودشان و خانواده‌هایشان یک بازی برد و باخت است. دختران با عمل فرار می‌توانند از اقتدار پدر و خانواده پدری بکهند و با ایجاد فشار به تصمیم فردی خود نائل شوند، اما نباید فراموش کرد که با این تصمیم، قدرت چانه‌زنی آن‌ها از همان اوایل شروع زندگی متأهلی کاهش می‌یابد. دختران و پسرنی که فرار می‌کنند درواقع از ناموس‌پرستی به نفع خود بهره می‌برند، چرا که سعی دارند با جریحه‌دار کردن آبرو و غیرت پدر و دیگر مردان خانواده به هدف خود برسند. در اقدام فرار، پدر اقتدار خود را از دست رفته می‌بیند و درنهایت به خاطر حفظ آبروی خانوادگی، مجوز ازدواج می‌دهد.

## دکتر شیوا پروائی

### دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



این جامعه‌شناس اضافه کرد: فرار دختران برای خانواده‌ها نیز دارای کارکرد است؛ باورش سخت است، اما هستند خانواده‌هایی که در این بحران‌های اقتصادی و تورم‌ها و ابرتورم‌ها از فرار دختران خود خوشحال می‌شوند! چرا که این سبک از ازدواج یکی از کم‌هزینه‌ترین و سهل‌گیرانه‌ترین نوع ازدواج است. در میان خانواده‌هایی که در کشاکش این تلاطم‌های اقتصادی، توان خرید جهیزیه، توانایی تأمین مسکن، قدرت برگزاری مراسم عروسی،

و بی‌غیرتی را از خود و خانواده‌اش بزداید، چرا که در این جامعه غیرت، ناموس و آبرو ستایش می‌شود و همین ناموس‌پرستی جوامع سنتی موجب می‌شود هر گونه هنجارشکنی از سوی فرد، مستوجب گناه و مجازات باشد.

سخنران این نشست با طرح این پرسش که «ریشه‌های قتل رومینا را کجاها می‌توان رصد کرد؟» گفت: می‌دانیم که قتل رومینا محصول عوامل چندگانه‌ای است. باید توجه داشت این قتل در چه بستری اتفاق افتاده است؛ فهم علل زمینه‌ای بستر ساز بسیار مهم است. ابتدا باید این جامعه را شناخت. علاوه بر این نمی‌توان تنها با یک لنز به این ماجرا نگاه کرد بلکه تحلیل دقیق‌تر این اتفاق دردناک نیازمند آن است که از زوایای مختلف به این ماجرا نگاه کرد. این گونه قتل‌ها یعنی قتل‌های ناموسی، یک پدیده فردی نیست، بلکه پدیده اجتماعی و فرهنگی است و شناسایی ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی این پدیده نیازمند تحلیل‌های چندبعدی است. اگر با لنز تحلیل فرهنگی به این موضوع توجه کنیم، عوامل فرهنگی در تحلیل ریشه‌های قتل رومینا بسیار مهم است. در این مناطق، کودک - همسری بسیار رایج است؛ دختران در سنین پایین ازدواج می‌کنند، تحصیل را رها می‌کنند و بلافاصله صاحب فرزند می‌شوند. برای خانواده‌ها امری رایج است که دختران خود را در سنین پایین به خانه بخت بفرستند. درباره فرار دختران از منزل به قصد ازدواج نیز که یک سنت و فرهنگ دیرین است، بسیار صحبت شد. تحقیقات میدانی حکایت‌گر آن است که در این جامعه، فرار دختران به قصد ازدواج و کودک همسری، پدیده‌ای رایج و مسئله‌ای تقریباً حل شده است، اما در این میان، چیزی که قتل رومینا را آفریده، جریحه‌دار شدن غیرت مردانگی پدر زیر فشارهای فرهنگی و اجتماعی است؛ یعنی ورود عکس‌ها و فیلم‌های رومینا در شبکه‌های اجتماعی

خرید طلا و دیگر انتظارات مرتبط با ازدواج را ندارند، این سبک از ازدواج‌ها همچنان طرفداران زیادی دارد. جامعه‌ای که اقتصاد بخش زیادی از خانواده‌های آن بر کارگری روزمزد متکی است؛ یعنی شغلی بدون هرگونه امنیت شغلی و تضمین سال‌های پیری یعنی بیمه بازنشستگی. اگر در گذشته به دامداری و کشاورزی می‌پرداختند، امروز کم‌آبی به آنجا هم رسیده و کارگری غلبه یافته است. برخی دام‌های خود را فروخته‌اند، از جنگل‌ها و بیابان‌ها به روستاهای اطراف شهر آمده‌اند و در باغ‌های کیوی که روزی شالیزارهای برنج بود، کار می‌کنند. در انبارها و سردخانه‌هایی که به‌تازگی تأسیس شده است، مشغول شده‌اند و به‌صورت روزمزد، کسب معاش می‌کنند. در چنین جامعه‌ای، این سبک از ازدواج‌ها همچنان دارای کارکرد است. بنابراین کارکردها و مزایای فرار به قصد ازدواج است که تداوم این سنت را موجب می‌شود. فرار هم برای پسر و خانواده پسر و هم برای دختر و خانواده او دارای کارکرد است، اما در این میان به نظر می‌رسد که در یک جامعه سنتی و توأم با ایدئولوژی‌های جنسیتی و فرهنگ مردسالاری، باخت‌های آن برای دختران و خانواده‌هایشان بیشتر است، چرا که دختران با عمل فرار، غیرت و آبروی خانوادگی خود را نشانه می‌روند که پیامدهای آن می‌تواند تا سالیان سال در مسیر زندگی‌شان حضور داشته باشد.

پروائی ادامه داد: در فاجعه قتل رومینا، رابطه‌ای شکل گرفته و فراری به قصد ازدواج رخ داده، درحالی که پدر خانواده، مخالف این ازدواج است. پدر از سوئی، قدرت و اقتدار خود را از دست رفته می‌بیند، اما از سوی دیگر از جانب اقوام نزدیک و دور و حتی همسایگان، برچسب بی‌آبرویی و بی‌غیرتی می‌خورد. او از این برچسب‌ها می‌هراسد و تلاش می‌کند تا از آبروی خانوادگی خود پاسداری کند. او با سربریدن دختر می‌خواهد داغ ننگ آبروریزی



کند. توان اقناع فرزند خود را نداشت چون خود آموزش ندیده و بی‌مهارت است. او در جامعه‌ای زیسته است که از روابط پیش از ازدواج و از بین رفتن بکارت دختر به شدت می‌هراسد و آن را ننگی تمام‌عیار می‌داند به حدی که دختر را مستحق مرگ می‌داند. او در جامعه‌ای زیسته است که همیشه سنگ آبرو را به سینه می‌زند. در این اجتماعات آبرو است که حرف اول را می‌زند به نحوی که حتی پدر قتل دختر را بر گزینه‌های دیگر ترجیح می‌دهد. به نظر می‌رسد پدر با سربریدن دختر می‌خواهد داغ ننگ آبروریزی را از خود و خانواده‌اش بزداید. چرا که یکی از مهم‌ترین ترس‌ها در این جوامع، ترس از نگاه‌ها، حرف‌ها و برچسب‌های مردم است. حرف‌های مردم از جان فرزندشان هم مهم‌تر است. آن‌ها تاب تحمل حرف‌های دیگران را ندارند. در پایان باید گفت رومینا، پدر رومینا و بهمن، همگی محصول نظام فکری و فرهنگی جامعه و فرهنگی هستند که در آن زیسته‌اند. علاوه بر همه این‌ها نباید از نقش و اهمیت نظام حقوقی و قانونی به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده غفلت کرد؛ جامعه‌ای که از فقر سواد حقوقی رنج می‌برد، تصور می‌کند نظام حقوقی و قانونی کشور سرنوشت و مالکیت فرزندان را به او سپرده است و او می‌تواند به‌راحتی قاتل فرزندش شود. این جامعه با چنین مختصات فرهنگی به حقوق انسانی کودک آشنا نیست. در چنین جامعه‌ای باید بسترهای حقوقی به‌منظور حمایت و مراقبت از کودکان ایجاد کرد. به این جامعه باید نکات حقوقی و قانونی را آموزش داد.

بنابراین در تحلیل ریشه‌های قتل رومینا، فراتر از بحث درباره زمینه‌های فرهنگی، باید به خلأهای قانونی و حقوقی نیز توجه داشت. نمی‌توان قتل رومینا را صرفاً به عوامل فرهنگی تقلیل داد و از نقش و اهمیت نظام حقوقی و قانونی کشور به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده مهم غفلت کرد. نباید نقش نظام حقوقی و قوانین تبعیض‌آمیز مردسالارانه را فراموش کرد. حاکمیت باید متوجه خلأها و نقصان‌هایی که در ساختار حقوقی و قانونی جامعه ایران وجود دارد باشد و اصلاحاتی را در نظام حقوقی ایران ایجاد کند.

آیا قتل رومینا می‌تواند زمینه‌ای برای تغییر سبک ازدواج دختران تالشی فراهم کند؟

این جامعه‌شناس گفت: شواهد میدانی حکایت‌گر آن است که اتفاقات اخیر ترس و نگرانی عظیمی را در بین مردم محلی ایجاد کرده است. این نگرانی‌ها از یک‌سو زمینه‌ای فراهم می‌کند تا برخی از خانواده‌ها از ترس آبرو و ناموس، سهل‌گیری بیشتری در ازدواج دختران حتی در سنین پایین اعمال کنند؛ به این شکل که ازدواج دختران برایشان به کابوسی تبدیل می‌شود که می‌خواهند زود از آن گذر کنند. در ازدواج دختران بیشتر تعجیل می‌کنند و در صورت وجود خواستگار مناسب حتی در سنین پایین به‌راحتی به ازدواج دختران رضایت می‌دهند. بنابراین این اتفاق می‌تواند تقویت‌کننده کودک همسری نیز باشد، اما این‌همه ماجرا نیست؛ بلکه این اتفاق از سوی دیگر می‌تواند زمینه‌های سخت‌گیری بیشتر در ادامه تحصیل دختران، ورود دختران به دانشگاه، ممانعت از مهاجرت دختران به‌قصد تحصیل و اعمال محدودیت‌های بیشتر برای دختران را فراهم کند.

چه باید کرد؟

سخنران این نشست مجازی ادامه داد: قتل رومینا زمانی می‌تواند

مجازی و واکنش جامعه محلی و فشارهای خانوادگی و اجتماعی تحمیلی بر پدر خانواده؛ اقدامی که گفته می‌شود از سوی بهمن صورت گرفته است. پدر توان تصور حضور عکس‌ها و فیلم‌های ناموس خود در معرض تماشای عمومی را ندارد. بهمن با این اقدام می‌خواسته پدر را مجدداً تحت فشار قرار دهد تا مجوز ازدواجشان صادر شود. چرا که در این دیار، آبرو و ناموس، تکنیک برجسته‌ای برای ایجاد فشار است که گاه پسران به مثابه حربه فشار از آن بهره می‌برند. بهمن به تکنیک ناموس‌پرستی توسل می‌کند، بلکه موفق شود، اما پدر تصمیم می‌گیرد ناموسش را حذف کند چون احساس می‌کند توان مراقبت از ناموسش را ندارد و تنها با حذف او می‌تواند از ناموس خود پاسداری کند.

او افزود: باید اشاره کرد که در ماجرای فرار رومینا و بهمن به نظر می‌رسد اقتضائات و آداب یک جامعه سنتی نیز رعایت نشده است، بلکه سنت فرار با مظاهری مدرن در هم آمیخته شده است که می‌تواند در یک جامعه سنتی روستایی، پدیده قابل‌تأملی باشد. به نظر می‌رسد نسل جدید با ابزارهای مدرنی که در اختیار داشته، تلاش کرده است از همه مرزها و خط قرمزها گذر کند. اما در این میان باید جهل فرهنگی را هم اضافه کرد که در فقر فرهنگی، فقدان سواد ارتباطی، عدم برخورداری از سواد جنسی و سواد حقوقی، حضور تعصبات جنسیتی، قومیتی و مذهبی، عدم توانایی مدیریت خشم، نبود فرهنگ استفاده از مشاوره و مواردی از این قبیل دیده می‌شود. مظاهر جهل فرهنگی در این مناطق با شدت بالایی در جریان است و افراد راه‌های مواجهه با چالش‌ها، تفاوت‌ها و تعصبات را نیاموخته‌اند. به نظر می‌رسد نظام آموزشی و حتی دانشگاهی نیز در این منطقه بی‌کارکرد شده است و قادر به رقم زدن تغییرات فرهنگی نیست. در این دیار، تغییرات فرهنگی، بسیار کند پیش می‌رود و تنها رنگ و بوی ظواهری از این فرهنگ و سبک زندگی مدرن را می‌توان در نوع پوشش و آرایش زنان این دیار، سبک چیدمان منزل، مصرف ماهواره‌ای و استفاده از شبکه‌های اجتماعی دید که پیامدهای مخربی را در جامعه محلی بر جای گذاشته است. ظاهر رومینا به نظر می‌رسد مدرن است، اما او همچنان اسیر فرهنگ سنتی است. او همچنان می‌خواهد مثل مادر بزرگان و مادران این دیار در سن پایین ازدواج کند؛ از تکنیک‌های آن‌ها هم استفاده می‌کند یعنی فرار. این جامعه اسیر جهل فرهنگی است؛ جامعه‌ای که در آن همچنان تولد فرزند پسر ستایش و تولد فرزند دختر نکوهش می‌شود. جامعه‌ای که در آن پسر ۲۹ ساله هنوز معنای رابطه عاطفی را نمی‌داند؛ او از یک‌سو از رابطه تلفنی‌اش با رومینا صحبت می‌کند، اما از سوی دیگر اظهار می‌کند با رومینا رابطه عاطفی نداشته است. جالب است که در جایی دیگر از حرف‌هایش می‌گوید ما عاشق هم بودیم. همه این‌ها سطح سواد فرهنگی و ارتباطی او را نشان می‌دهد؛ اما نباید فراموش کرد که بهمن یک نکته را خوب یاد گرفته است؛ او در گفته‌هایش می‌گوید که فرار دختران و فراری دادن دختران و ازدواج در سن پایین در این دیار یک امر عادی است. یک سنت دیرین است که در خانواده‌ها نسل اندر نسل رواج دارد.

دکتر پروائی گفت: حرکت پدر رومینا حتی اگر نشانه‌ای از مقاومت در برابر کودک همسری باشد اما او دانش، روش و شیوه مقاومت را نمی‌داند. او نمی‌دانست با دختر کودک خود چگونه باید رفتار



موجب تغییرات فرهنگی در این منطقه شود که در سطح ساختاری، الزامات حقوقی و قانونی مناسبی اتخاذ شود تا نه تنها تسهیل کننده ای برای وقوع چنین رخدادهایی فراهم نباشد، بلکه بازدارنده های حقوقی و قانونی محکمی نیز وجود داشته باشد تا جلوی قتل های ناموسی، خشونت های خانگی، فرار دختران، ازدواج زودهنگام و کودک همسری گرفته شود. علاوه بر این تغییرات ساختاری، والدین نیز باید دانش و مهارت خود و فرزندان و همچنین شیوه های مقاومت خود را در برابر تصمیمات فرزندان ارتقاء دهند. در این زمینه، آموزش و پرورش و نظام دانشگاهی یکی از نهادهای مهمی هستند که اقدامات آنها می تواند در راستای ارتقاء فرهنگی نوجوانان، جوانان و خانواده هایشان مؤثر باشد. لازم است نهاد آموزش و پرورش در کنار بحث آموزش، مقوله پرورش را نیز مورد توجه قرار دهد. برخی از اهدافی که نهادهای حقوقی، آموزشی و فرهنگی می توانند دنبال کنند به شرح زیر است:

بازاندیشی در نظام حقوقی و قوانین تبعیض آمیز و مردسالارانه و اعمال اصلاحاتی در نظام حقوقی کشور؛

ایجاد بازدارنده های حقوقی و قانونی در راستای ممانعت از قتل های ناموسی؛

ایجاد بازدارنده های حقوقی و قانونی در راستای ممانعت از ازدواج زودهنگام دختران و پسران کمتر از ۱۸ سال؛

ایجاد بازدارنده های حقوقی و قانونی در راستای ممانعت از ترک تحصیل دختران و پسران؛

ایجاد بازدارنده های حقوقی و قانونی در راستای ممانعت از خشونت های خانگی؛

تلاش برای بازاندیشی در ازدواج زودهنگام، کودک همسری و فرار دختران به قصد ازدواج از طریق نظام های آموزشی و دانشگاهی؛

تلاش نظام آموزشی بر ایجاد هویت یابی در دانش آموزان از طریق نخبگان استانی و محلی؛

شناسایی نخبگان و افراد تأثیرگذار در راستای فرهنگ سازی و توسعه فرهنگی؛

تشکیل کارگروه هایی از نخبگان محلی برای مشارکت در حل و فصل مشکلات و مسائل اجتماعی محلی؛

آگاهی بخشی به والدین در راستای مواجهه درست با دوره بلوغ فرزندان دختر و پسر؛

تلاش برای بازاندیشی درباره تعصب های مذهبی؛

تلاش برای ارتقای سواد عاطفی و ارتباطی و همچنین سواد جنسی خانواده ها، کودکان، نوجوانان و جوانان؛

ارتقای سواد حقوقی شهروندان و روستاییان؛

ارتقای سواد رسانه ای ساکنان روستا و شهرهای کوچک با آموزش نحوه استفاده از رسانه ها و تکنولوژی های نوین و آگاهی از پیامدهای آن؛

ایجاد کارگاه های آموزشی مهارت های زندگی، حل مسئله، مدیریت خشم و ... برای والدین در سطح روستا و شهر از طریق آموزش و پرورش؛

تقویت دانش دبیران پرورشی، مشاوره و راهنمایی در راستای شناسایی و حل مسائل عاطفی، روان شناختی و بهبود مهارت های زندگی دانش آموزان و خانواده هایشان؛

در پایان این تذکر را نباید فراموش کرد که در پژوهش های اجتماعی و فرهنگی باید پارا از تهران و کلان شهرها فراتر گذاشت تا بتوان داستان هایی چون رومینا را کشف کرد. این مناطق حرف های نابی برای گفتن دارند، در حالی که مطالعات روستایی مورد نادیده انگاری واقع می شوند. بنابراین ضرورت انجام پژوهش های کیفی ژرف در روستاها و شهرهای کوچک برای کشف مسائل اجتماعی و فرهنگی محلی و بومی بسیار حیاتی است.

## خانم پریوش روحانی

مدیر دبیرستان دخترانه و دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی



در بخش دیگری از این نشست خانم روحانی، مدیر یک دبیرستان دخترانه و دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی از تالش با طرح دیدگاه‌های خود گفت: متأسفانه در قتل‌های ناموسی قربانیان معمولاً دختران و زنان هستند. ناموس از جمله مفاهیمی هست که در جوامع سنتی ارزش خاصی دارد. اعضای جامعه خدشه‌دار شدن آبرو و شرف خود را دردناک‌تر از مرگ یک عزیز یا از دست دادن مال تلقی می‌کنند. در چنین جوامعی پاکدامنی زن تنها به خودش تعلق

با تمام خواسته‌ها، آرزوها و احساسات خود ناخواسته خداحافظی می‌کند، ولی پدر می‌شود قاتل، مادر داغ‌دیده. همچنین، رومینا علی‌رغم داشتن یک خانواده سنتی، نوجوانی امروزی است که متأسفانه در شرایط خاص کرونایی جامعه به‌راحتی و به مدت‌زمان بیشتری از گوشی همراه استفاده می‌کرد، جذابیت‌های فضای مجازی و نفوذ آن در زندگی اقشار جامعه آسیب‌های متعددی را با خود به همراه داشته و دارد از جمله؛ تغییر سبک زندگی و شکستن مرز باورها و ارزش‌ها، تأثیر بر روابط اجتماعی افراد جامعه و از بین بردن قبح حدود روابط جنس مؤنث و مذکر. گرایش نوجوانان و جوانان به استفاده از اینترنت و فضای مجازی هویت فردی و گروهی آن‌ها را تغییر داده و گرایش به ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی نیز دچار تغییر می‌شود. در اینجا به‌نوعی هم دچار تأخر فرهنگی هستیم هم تضاد فرهنگی (فرهنگ سنتی با فرهنگ مدرن). وی در خاتمه تأکید کرد: مشارکت جامعه شناسان، روان شناسان و کارشناسان آسیب‌های اجتماعی در کنار نهاد خانواده و نهادهای دیگر همچون آموزش و پرورش، قوه قضائیه و... می‌تواند در پیشگیری و کاهش این چنین قتل‌هایی مؤثر باشد

ندارد، بلکه سرمایه مشترک اعضای خانواده و فامیل است. در این جوامع مجازات به خاطر انجام جرمی مانند برقراری رابطه جنسی، صحبت کردن با نامحرم و بی‌عفتی نیست بلکه چون باعث ناراحتی و عصبانیت جمعی شده و وجدان جمعی را جریحه‌دار کرده و بقای فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها را تهدید کرده مجازات می‌شود، با انجام قتل احساس راحتی به جامعه دست می‌دهد و خلاص شدن از جسم ناپاکی را تأیید می‌کند (در معنای دورکیمی). پدر رومینا بعد از ارتکاب قتل با دست خونین و تکه‌ای از موی دختر اعلام می‌کند که من لکه ناپاک را نابود کردم، حفظ آبرو کردم، شما راحت باشید. علل و عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی و قانونی را می‌توان در بروز چنین قتل‌هایی مؤثر دانست. از طرفی رومینا در سن کشف استقلال خود و حس کردن خود است (بحران هویت)، در این راستا رفتارها، باورها و دل‌بستگی‌های گوناگونی را آزمایش می‌کند، خانواده سنتی، کم‌سوادی والدین و عدم آگاهی به نیازها و احساسات یک دختر بچه ۱۳ ساله، مردسالاری، وجود و ابراز علاقه فردی که انگ بزه‌کاری را یدک می‌کشد، ولی ابراز عشق و محبت می‌کند و سبب فرار دختر بچه و بی‌آبرویی خانواده می‌شود. رومیناها

## آقای محمد عظیمی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و رئیس آموزش و پرورش از حویق تالش



عظیمی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و رئیس آموزش و پرورش از حویق تالش نیز با ارائه دیدگاه‌های خود در این نشست مجازی گفت: قتل رومینا اشرفی توسط پدرش، تالش و تالشان و منطقه حویق را در شوک فرو برد و باعث اندوه بسیاری از مردم شد. در این میان نظرات بسیاری از افراد را در محافل و شبکه‌های اجتماعی شاهد بودیم. نقش جامعه شناسان و روان شناسان در بررسی این واقعه تلخ ضروری است. اگر بخواهیم از دیدگاه جامعه‌شناسی تفسیری و با تحقیقات

میدانی به جمع‌بندی برسیم، باید در این تحقیق زندگی گذشته پدر رومینا، شرایط اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار در این واقعه و به قول ویلفردو پارتو، تأثیر ته‌مانده سنت، باید با روش‌های جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

## خانم سونیا صادقی

### روانشناس بالینی



**سپس خانم سونیا صادقی روانشناس بالینی** به تحلیل ابعاد روانی - اجتماعی قتل رومینا اشرفی دختر ۱۴ ساله گیلانی پرداخت و گفت: این دختر و پدر قربانی جامعه، مقررات اخلاقی و حقوقی و نظام آموزشی هستند. پیشگیری از وقوع چنین حوادثی با آموزش و اطلاع‌رسانی به اقشار مختلف علی‌الخصوص جامعه روستانشین و سنت‌گرا مستلزم تدوین برنامه و تصویب قوانینی است که امکان وقوع آن‌ها را کاهش دهد. افزایش سواد سلامت

مستقل، نوجوان باید از سمت خانواده، جامعه و مدرسه آموزش مهارت‌ها و حمایت‌های لازم را دریافت نماید. از سوی دیگر خانواده به‌عنوان امن‌ترین جایگاه حمایت برای فرزندان می‌بایست آموزش در جهت کسب مهارت‌های اساسی در زمینه حل بحران دوران بلوغ و پیامدهای آن دریافت نماید. در واقع والدین خصوصیات مرحله بلوغ را باید درک کنند و مهارت‌های زندگی مانند کنترل خشم و استرس، حل مسئله و همدلی را بدانند تا زمینه مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس نوجوان را فراهم آورند. با توجه به اینکه رومینا ۱۴ ساله بود و در مقابل، فرد مورد علاقه وی که برای به دست آوردن او راهکار فرار را انتخاب می‌کند، حدود ۱۶ سال بزرگ‌تر از او است. به‌راستی چه عواملی منجر به وابستگی کودک به آن فرد بزرگ‌سال شده است؟ می‌توان گفت به دنبال رابطه غلط پدر و فرزندی، رومینا ناخودآگاه پدر گمشده خود را در بهمن یافته است تا با جلب حمایت‌های او، خودش، زندگی و رابطه ویرانگر پدر دختری را که در گذشته اتفاق افتاده است (مهم‌ترین دوران رشدی کودک)، با این فرد تجربه کند. با تأکید بر این موضوع که دختر مهم‌ترین و نخستین ارتباط با جنس مخالف را با پدر تجربه می‌کند و تمایل به دریافت عشق بی‌قید و شرط از سوی او دارد که در مقابل پدر در راستای تأمین این نیاز باید برای وی وقت کافی گذاشته و مهارت‌های لازم و مناسب را در برخورد با فرزند خود کسب کند که متأسفانه بسیاری از پدران علی‌الخصوص جامعه روستانشین که گرفتار سنت‌های قدیمی و به‌تبع رفتارهای قالبی هستند، نمی‌دانند چگونه به فرزندشان به‌عنوان جنس مخالف عشق بی‌قید و شرط دهند که همین مهارت‌های کسب نشده منجر به تشکیل خانواده نایمن و آسیب‌زنده می‌شود. باید دریافت که در خانواده رومینا چه گذشته است که حتی مادر به‌عنوان نزدیک‌ترین فرد از لحاظ جنسیت و بروز احساسات نتوانسته با فرزند خود ارتباط صمیمانه و حمایت‌گرانه برقرار کند.

این روانشناس بالینی افزود: در مورد وابستگی رومینا به جوان حدوداً ۳۰ ساله طبق بررسی‌های انجام شده می‌توان گفت این موضوع ناشی از روابط سرد و شکننده پدر دختری از دوران کودکی تا مرحله بلوغ است. در واقع وجود ترس‌هایی ناشی از اشتباه همسر یا دختر، ترس از آسیب دیدن آنان، قضاوت‌های دیگران و بی‌آبرویی تلقی کردن او از سوی دیگران در قالب تعصب، فرد را

روان مجریان و مردم، خود مراقبتی و دگرمراقبتی، سبک‌های زندگی مثبت، مهارت‌های کنترل خشم و استرس، کنترل هیجانات، مهارت‌های زندگی و سبک فرزند پروری و ارتقاء سلامت روان و... عوامل دخیل در پیشگیری و کاهش آسیب‌های روانی - اجتماعی هستند. برقراری رابطه صحیح و به‌نحارج مرتبط با واقعیت‌های جامعه (اقتصادی و فرهنگی و...) و شرایط نسل جوان که پدیده شکاف نسل را بسط می‌دهد مستلزم آموزش‌های گام‌به‌گام و به دنبال آن به‌روزرسانی نظام خانواده و اهداف مشترک اعضای آن است. امروزه علی‌رغم بسط تغییرات فرهنگی و به دنبال آن تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مشکلات و مسائل زندگی فاقد توانایی‌های لازم هستند که این امر آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات روزافزون زندگی آسیب‌پذیر کرده است. پژوهش‌ها و مطالعات متعدد بیانگر این موضوع است که ارتقای مهارت‌های مقابله‌ای و توانایی‌های روانی - اجتماعی در بهبود کیفیت زندگی بسیار مؤثر است. توانایی‌های روانی اجتماعی مجموعه‌ای از توانایی‌هایی است که فرد را برای مقابله مؤثر با تعارضات و کشمکش‌ها در موقعیت‌های زندگی یاری می‌دهد. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازد تا در ارتباط با سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و سنت و محیط خود سازگارانه عمل کرده و سلامت روانی خود را تأمین کند. در واقع عدم داشتن توانایی و مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر، زمینه مشکلاتی همچون اضطراب، افسردگی، تعارض در روابط بین فردی، شکست و فقدان، طردشدگی، تنهایی، کمرویی و خشم را که از جمله مشکلات بهداشت روانی هستند و به‌نوعی ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی (بزهکاری، خودکشی، فرار از منزل، اعتیاد، انحرافات جنسی و رفتارهای تکانشی و پرخطر) محسوب می‌شوند، را فراهم می‌کند.

او اضافه کرد: پدر در ابتدای امر نقشه خود را با خفه کردن دخترش آغاز می‌کند که به دلیل عدم موفقیت، به‌وسیله داس تمام عزم خود را در جهت خاتمه دادن به زندگی فرزندش جزم می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که جرم در امن‌ترین و گرم‌ترین مکان زندگی، کانون خانواده رخ می‌دهد. عدم آگاهی خانواده به اهمیت دوران بلوغ یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل در اتفاق پیش آمده است. دوران بلوغ مرحله بحرانی است. در این دوران زیربنای زندگی بزرگ‌سالی فرد پی‌ریزی می‌شود که برای رسیدن به هویت سالم و

گرفتار خشم درونی می‌کند که این امر به افزایش خشونت‌های خانوادگی دامن می‌زند. از طرفی این اتفاق می‌تواند ریشه در یادگیری‌های غلط پدر و عدم وجود ارتباط عمیق عاطفی با والدین خود در گذشته داشته باشد. به این نکته باید توجه نمود که بسیاری از افراد که درگیر خشونت‌های خانگی می‌شوند ممکن است از اختلالات روحی و روانی رنج ببرند که خشونت را به تعصب و قدرت ربط دهند و تصور کنند که اگر پدری علیه فرزندش خشونت دارد فردی قدرتمند و متعصب است. با توجه به رویکرد پاتولوژیک به مسئله قتل رومینا بسیاری از افرادی که دست به قتل‌های ناموسی می‌زنند افرادی دارای اختلالات روانشناختی از جمله اختلالات شخصیت، اختلال دوقطبی، اختلالات هذیانی، پارانویا و افراد سایکوپات با مشکل در کنترل تکانه هستند که این حالت‌های هیجانی شدید به‌خصوص در مردان منجر به بروز رفتارهای پرخطری می‌شود که حتی فرد بعد از ارتکاب جرم پشیمان خواهد شد.

سخنران این نشست گفت: سیستم آموزشی در قالب مدرسه که به‌عنوان خانواده دوم مسئولیت ویژه‌ای در تربیت و پرورش نوجوانان دارد می‌بایست به‌طور علمی و جدی‌تری نقش‌آفرینی کند. وجود مشاورین متبحر در مدرسه موجب غربالگری درست و بجایی در خصوص رفع مشکلات و نیازهای هر نوجوان به‌صورت گروهی و مجزا می‌شود. از طرفی مستقر شدن پایگاه‌های سلامت روان در جامعه روستایی که با پدیده نسل جدید مواجه هستند، می‌تواند نقش بسزایی در آگاه‌سازی خانواده و بسط آموزش مهارت‌های اساسی در مواجهه با این پدیده داشته باشد.

او بحث خود را با طرح یک سؤال پایان داد: برای برادر شش ساله رومینا بعد از وقوع این قتل چه اتفاقی خواهد افتاد؟ او که در دوران کودکی شاهد این‌گونه خشونت‌های حاد بوده که به‌تبع در حال حاضر دچار اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) است. این اختلال می‌تواند پس از هر حادثه تلخی آغاز گردد. حادثه‌ای که فرد در آن احساس خطر می‌کند. در واقع زندگی فرد در معرض تهدید است که درمان مؤثر و به‌موقع می‌تواند آسیب دیدگان را برای مقابله‌های مؤثرتری در زندگی یاری و نشانه‌های آن را ضعیف‌تر و توانایی فرد جهت مدیریت احساسات و هیجانات مربوط به واقعه فاجعه‌بار را افزایش دهد.

## آقای حسین زره کارگر

### از متخصصان امر حقوقی در تالش

که این تبعیضات به نام شرع در متون قانونی گنجانده شده در حالی که مبنای شرعی و فقهی مستحکمی ندارد. مثلاً درباره محتوای ماده فوق باید عرض کنم که اولاً خلاف اصل مسلم فقهی عدم ولایت است زیرا در فقه اسلام، ولایت در اعمال حقوقی بر انسان عاقل و بالغ و رشید خلاف اصل است و ثانیاً فقه‌های بزرگی چون شهید اول که کمتر کسی در دنیای اسلام هست که او را نشناسد و اثر ارزشمندش «لمعه دمشقیه» قرن‌های متمادی و مستمر منبع تدریس فقه شیعه در حوزه‌های علمیه بوده و همچنان هست در صفحه ۱۶۱ همان کتاب در این باره می‌نویسد: «ولا ولایه فی النکاح..... وولا علی الرشیده فی الاصح» یعنی صحیح‌ترین قول این است که در نکاح دختر رشید و باکره، نیازی به اذن ولی (پدر و جد پدری) نیست و در کتاب تحریرالوسیله امام خمینی (ره) صفحه ۴۵۲ جلد سوم هم مورد تأکید قرار گرفته است. امید است نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی این ماده و دیگر مواد قانون که چنین تبعیض بی‌مبنایی را که به نام حمایت از دختران و زنان در حق آنان روا داشته شده است، منطبق برفقه مترقی اسلام اصلاح نمایند. اگر دختران امثال رومینا بدانند که بعد از رسیدن به سن بلوغ و رشد، استقلال آنان در مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌شان مثل پسران از طرف قانون به رسمیت شناخته می‌شود، قطعاً اقدام به فرار نکرده و چنین فجایی اتفاق نخواهد افتاد.

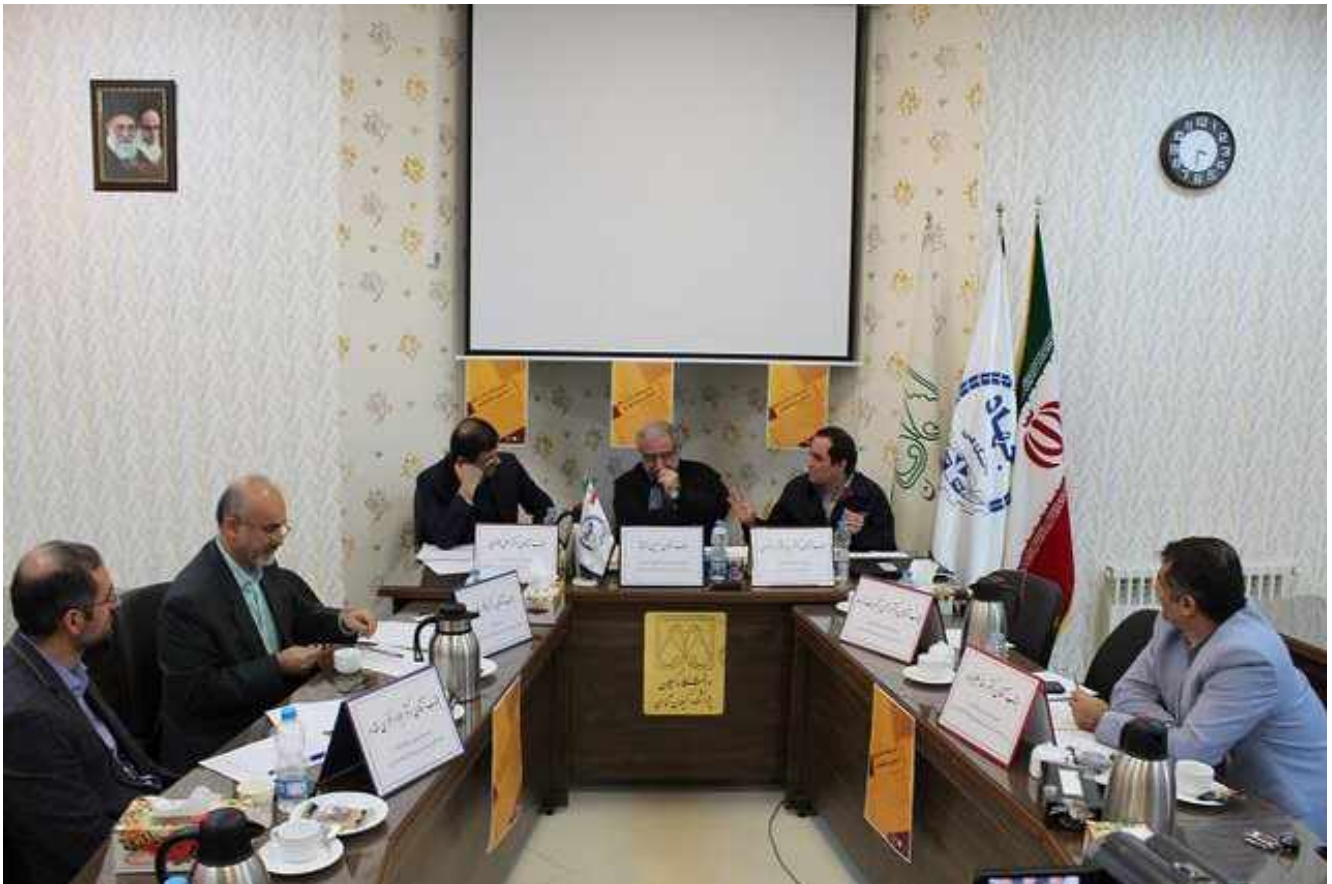
آخرین سخنران این نشست «حسین زره کارگر» از متخصصان امر حقوقی در تالش به ابعاد حقوقی این پدیده پرداخت و گفت: در خبرها در مصاحبه با بعضی از اهالی همان روستا آمده بود که پدر رومینا برای اینکه غیرتش را به رخ اهالی بکشد و خود را انسان غیرتمندی نشان دهد چنین اقدام زشتی را انجام داده است، چرا در فرهنگ عمومی غیرت را فقط در حفظ دختران خود از روابط با نامحرم خلاصه کردیم؟ در حالی که احکام شرع مقدس اسلام در باره مرتکب روابط نامشروع یکسان است. خواه زن باشد یا مرد، یعنی مجازات زنای محصنه و زنای غیر محصنه و روابط نامشروع بدون زنا برای زن و مرد یکسان است. فلذا متولیان فرهنگ عمومی جامعه از جمله استادان، معلمان در مدارس و دانشگاه‌ها، خطیبان، واعظان در منابر و مساجد تبیین درستی از غیرت و دیگر مفاهیم اخلاقی را ارائه داده و در اصلاح این فرهنگ غلط نهایت اهتمام را داشته باشند.

وی گفت: اما متأسفانه همین فرهنگ غلط در قانون نیز رسوخ پیدا کرده است قانون مدنی ایران در ماده ۱۰۴۳ اشعار می‌دارد که «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر و یا جد پدری است...» یعنی اگر دختر باکره چهل‌ساله‌ای که استاد تمام، دانشگاه است، بخواهد ازدواج کند یا باید پدر و جد پدری وی اجازه دهند و یا مسیر پر پیچ و خم دادگاه و شکایت علیه آن‌ها را پشت سر بگذارد، اما در همان حال یک پسر پانزده‌ساله‌ای که حتی سواد خواندن و نوشتن را هم ندارد، می‌تواند مستقلاً و بدون اجازه هیچ‌کس و هیچ مرجعی ازدواج کند. چنین تبعیضی و تبعیض‌های دیگری در متون قانونی کم نیست، اما نکته غم‌انگیز ماجرا اینجاست



## میزگرد آسیب‌های اجتماعی دانشگاهی

میزگرد آسیب‌های اجتماعی به همت معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، پژوهشکده گیلان‌شناسی و دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران در پژوهشکده گیلان‌شناسی با حضور تنی چند از استادان دانشگاه برگزار گردید. در این نشست آقای حسین فرختار معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی، دکتر سید هاشم موسوی عضو هیأت علمی دانشگاه و رئیس پژوهشکده گیلان‌شناسی، دکتر علی یعقوبی عضو هیأت علمی و مدیر فرهنگی دانشگاه گیلان، دکتر جواد نظری مقدم عضو هیأت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی و دکتر کاظم فلاحتی از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر رضا علیزاده عضو هیأت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی به بحث و تبادل نظر پرداختند. نخست دبیر علمی نشست علمی دکتر رضا علیزاده عضو هیأت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی به طرح این سؤال پرداخت که چه تفاوتی بین آسیب‌های اجتماعی و مسئله اجتماعی وجود دارد؟ و مسائل اجتماعی درون و بیرون از دانشگاه کدامند؟



## آقای حسین فرختار معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی استان گیلان:

نظر من این است که اصلاً آسیب نیست، بلکه بلوغ است و این یک فرایند طبیعی است. به نظر آسیب تلقی می‌شود اما آن چیزی است که دارد اتفاق می‌افتد، مگر اینکه شما بحث ایدئولوژیک داشته باشید، اما اگر واقع بین باشید، امر واقع همین است که دارد اتفاق می‌افتد. در یک دوره تاریخی زندگی می‌کنیم و این واقعیت‌های اصلی جامعه ماست.

## دکتر کاظم فلاحی معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان:

دیدگاه من مشترکاتی با دیدگاه استاد فرختار دارد و آن اینکه هر چند واژه آسیب‌های اجتماعی در حوزه رویکرد جامعه‌شناختی است، ولی واژه آسیب در قالب بحث معروف پاتولوژی است. بیشتر مختص حوزه پزشکی است. در حوزه جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و فرهنگی اگر بخواهیم صحبت کنیم، بهتر است در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی صحبت کنیم. بنابراین بجای آسیب بهتر است در خصوص مسائل اجتماعی بحث نماییم.

## دکتر جواد نظری مقدم عضو هیأت علمی گروه پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه گیلان:

از نظر من دانشگاه موتور محرکه جامعه است. وقتی که دانشگاه را از گذشته مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم شرایط امروز از لحاظ آموزشی اوضاعش خیلی خوب نیست. از حیث فرهنگی هم آمارهایی را دارم که دوستان شنیده‌اند و نیازی نیست که منتشر شود مانند سیگار، قلیان، مشروب، حشیش، گل و استقبال دانشجویان مهاجرت به خارج از کشور. طی آمارهایی که دارم که به نظرم نیاز نیست درصدهای آن را بیان کنم. جامعه به نسبت وضعیتش خوب نیست. مثلاً در فضای سنتی ما در روستا خیلی از آسیب‌ها وجود ندارد. هر چقدر سنت پررنگ‌تر باشد، می‌بینیم در جوامع روستایی آسیب‌ها کمتر است. در نقطه مقابلش خیلی از کسانی که از روستا می‌آیند به شهر یا دانشگاه رفتارهای متفاوتی انجام می‌دهند. یا همان دختر دانشجویی که در شهر خودش به گونه خاصی رفتار می‌کند وقتی که به دانشگاه می‌آید به گونه دیگر رفتار می‌کند. به نظر می‌رسد که دانشگاه دارد مسیر جامعه را تغییر می‌دهد. جامعه دارد کار خودش را می‌کند و مردم زندگی خودشان را می‌کنند، اما دانشگاه از جامعه جداست و دارد مسیرش را از جامعه جدا می‌کند.

## دکتر سید هاشم موسوی عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان:

برای من خیلی جالب بود تفکیکی که آقای فرختار و آقای دکتر فلاحی از این مسئله داشتند که از آسیب برویم به سمت مسائل اجتماعی. این خیلی مهم است چون مسئله اجتماعی تعریف دم‌دستی آن این است که هر چیزی که رسیدن به هدف را مانع بشود مسئله اجتماعی می‌شود. از این طرف که کم و کاستی‌ها ذیل مسئله اجتماعی که دیده بشود یا آسیب که از مفهوم و با ارزش خاصی را مطرح می‌کند می‌تواند کمک کند.

## عضو هیأت علمی گروه پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه گیلان:

من هم موافقم که این امر را بهتر است به صورت مسئله ببینیم تا آسیب. یک سطح‌بندی در دانشگاه قائل هستیم و آن اینکه دانشگاه را از حیث ساختاری و نهادی و هم به صورت خرد می‌توان تحلیل کرد. اگر بگوییم مدرک‌گرایی درست است که جامعه تشنه‌اش است و می‌خواهد، ولی چه کسی دامن زده؟ یا در حوزه تربیت نیروی انسانی این شکافی که وجود دارد بین جامعه، دانشگاه و صنعت، این شکاف را که خود دانشگاه نباید پر کند. درست است خیلی از جاها دانشگاه غیرکاربردی و به درد نخور است. یا حس مهاجرت، در دانشگاه شکل نمی‌گیرد، بلکه در ناکارآمدی ساختاری شکل می‌گیرد. سه کشور در دنیا هستند (چین، هند و ایران) بیشترین فرستنده اهالی علم و دانش را به غرب دارند. آن دو تا کشور بیشترین برگشت را دارند و ما کمترین برگشت نیروی انسانی را داریم. خوب آن هم از همین نهاد استفاده می‌کند و یاد می‌گیرد. آن ساختاری تر است یعنی ما دانشگاه را ایزوله کنیم خطاست من مفهوم مسئله اجتماعی در دانشگاه‌ها را قبول دارم. چه در سطح دانشجویی و چه در سطح ساختاری و نهادی. اعتقاد دارم که عوامل ساختاری و نهادی است که تحمیل می‌کند بر عوامل خرد و اینکه تفاوتش با آسیب‌های موجود در جامعه چه هست. بلکه در جاهایی مسائل هم‌پوشی دارد با جامعه. مثلاً مفهوم بی‌انگیزگی و عدم امید به آینده. گاهی جاهایی در دانشگاه به نظرم عمیق‌تر هم از جامعه شده است. دانشگاه بحران ناکارآمدی را شدیدتر از جامعه می‌بیند. یعنی در تحلیل ساختاری دانشگاه در برخی از مسائل در آنجا ناظر است و مسائل خرد را در خود جای می‌دهد (من این‌ها را مسئله می‌دانم مسئله فقط در اعتیاد و شرب خمر و قلیان نمی‌بینم)

## دکتر علی یعقوبی عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان:

به نظر می‌رسد آسیب با مسئله قدری متفاوت است. مسئله امری کلی و عام است و آسیب‌های اجتماعی جزئی از مسئله اجتماعی هستند. مسائل اجتماعی می‌تواند موجد آسیب اجتماعی شوند برای مثال بیکاری مسئله اجتماعی است اما می‌تواند منجر به آسیب‌های اجتماعی شود. آنچه در دانشگاه شاهدش هستیم مسئله اجتماعی و فرهنگی است تا آسیب اجتماعی. مسئله اجتماعی به وضعیت عینی و ذهنی گفته می‌شود که بخشی از اعضای جامعه آن را نگران کننده تلقی می‌کنند و خواهان رفع و اصلاح آن هستند. آنچه در بیرون دانشگاه مشاهده می‌شود آسیب‌هایی از قبیل اعتیاد، ضرب و جرح، توهین، تهدید، کلاهبرداری، مالکیت مواد، خیانت در امانت، مهاجرپذیری و... هستیم که دستگاه‌های انتظامی و قضایی با آن درگیرند، اما در دانشگاه از بین آسیب‌های موجود با پدیده اعتیاد و مصرف گل درگیر هستیم. البته مصرف آن با بیرون از دانشگاه به مراتب پایین است.

## دکتر رضا علیزاده عضو هیأت علمی گروه پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه گیلان به عنوان مجری این سؤال را مطرح نمود:

سؤال دوم آقای فرختر مهمترین مسائل فرهنگی اجتماعی دانشگاه‌های استان چیست؟

من اعتقاد این هست که انسان موجودی است که ماهیتش بعد از وجود است هر موجودی را ببینیم می‌توانیم ماهیتش را حدس بزنیم، گاو گاو است، سگ سگ است، درخت درخت است، اما آدم معلوم نیست چه هست و در چه دوره تاریخی دارد زندگی می‌کند تحت آموزش که هست در آن دوره از چه رسانه‌هایی سرویس می‌گیرد. عرض بنده این هست که این نوع نگاه و نگرش نسبت به انسان بسیار مهم است. یعنی انسان را object می‌کنیم، subject می‌کنیم یا project می‌کنیم ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که این دو تا جواب نمی‌دهد انسان‌ها دارند project می‌شوند؛ یعنی سطح آموزش دارد می‌رود بالا. وقتی در یک دوره تاریخی که انفجار اطلاعات هست و انحصار آموزش از معلم و والدین خارج شده است. بنابراین باید دقت کنیم انتخاب بیشتری داشته باشیم. از کجا که این مسئله است؟ اولاً من در بحث قبلی خودم عرض کردم که این مسائل را خودمان ایجاد کردیم بعد تنبیه می‌کنیم که چرا شما این مسئله را دارید؟ الان این مثال بارز اقتصادی. موسسات مالی را تاسیس می‌کنیم، مردم را تشویق می‌کنیم که بیایند پس انداز کنند، اسامی مقدس هم رویش می‌گذاریم، آن موسسه پول را برداشت می‌کند اختلاس





می‌کند بعد می‌آییم مردم را می‌زنیم و می‌گوییم چرا شما در خیابانها افتادید و می‌گویید ما پناه به تو آورده ایم و به تو اعتماد کردیم چرا من باید چوب بخورم؟ نوع نگاه چه خواهیم چه نخواهیم دارد تغییر می‌کند. فاصله نسلیها دارد شکل می‌گیرد. اگر من با پدر بزرگم ۲ سانت فاصله داشتم و با پدرم ۱۰ سانت فاصله داشته باشم، با پسر ۵۰ سانت فاصله دارم و مطمئن باش با نوه ام کیلومترها فاصله دارم. تحولات پرشتاب دارد شکل می‌گیرد. این امر یک امر اصلی است و از دو طریق قابل حل است. من اعتقاد این است که اگر نوع نگاه ها تغییر نکند شیوه ارائه کار هم تغییر می‌کند. اگر نوع نگاهتان انسان را شی ببیند یک امکان قطاری ایجاد می‌کنید ولی اگر انسان را یک موجود ذهنی تلقی بکنید وسیله‌ای که به خدمت می‌گیرید اتوبوسی است و بخش به بخش به آدمها خدمت می‌دهید.

## دکتر سید هاشم موسوی عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان:

من در دانشگاه گیلان از سال ۱۳۷۳ بودم که برای اولین بار کلاس رفتم و این عدد ۷۳ برایم خیلی جالب است. حالا من در کلاس می‌نشینم و می‌بینم که این دانشجویان می‌آیند و فقط مترصد این هستند که پریزهای برق خالی بشود که موبایل هایشان را شارژ بکنند. دانشجویان اغلب متولد ۷۳ تا ۷۹ هستند، مگر تحصیلات تکمیلی، به آن‌ها می‌گویم که اگر متولد ۷۳ هستید، می‌دانید در آن سال اولین بار موبایل در ایران توزیع شد. من خودم در دوران جنگ درس خواندم، در کلاس غالباً همدیگر را نمی‌شناختیم، اسم دخترها را در حاضر و غایب می‌شنیدیم، اما قیافه آن‌ها را دقت نمی‌کردیم. یاد می‌آید رفته بودم همدان تا کسی سوار شدم چند تا خانم اسم من را بردند من نگاه کردم او هم فهمید که من نمی‌شناختمش، اسمش را گفت چون با یکی از بچه‌ها می‌خواست ازدواج کند من شناختمش. خیلی تغییر و تحولات مهم است و این تغییر و تحولات را در نظر داشته باشیم. من یاد می‌آید در این دانشکده علوم انسانی روزی دکتر آزاد را برای سخنرانی دعوت کرده بودیم او که از پرواز آمده بودند و حالش خوب نبود به من گفت فلانی یک کم برویم بیرون و برگردیم. گفت شما را به خدا دو تا نیمکت بگذارید. یعنی در آن زمان دو تا نیمکت نمی‌گذاشتند که دانشجو با هم حرف بزنند. حرف من این است که همین امروز که می‌خواستیم چیزی را به اطلاع بچه‌های کلاس برسایم، به یکی از بچه‌ها گفتم به من گفت استاد تو اصلاً نگران نباش تلفن‌های تمام همکلاسی‌ها از دختر و پسر را دارم و به همه اطلاع می‌دهم. می‌خواهم بگویم که همین چند روز پیش یکی از دوستان درباره دو دانشجو که خیلی در حالت نزدیک با هم صحبت می‌کردند، اما من در خصوص صحبت آن‌ها و رابطه آن‌ها هیچ چیز بدی در مخیله‌ام نگنجید و در کمال سلامت با هم حرف می‌زنند و واقعاً از این حیث است که آقای نظری مقدم اعتقاد دارم که واقعاً در دانشگاه‌های ایران نسبت به فضای جامعه سالم‌ترند. رفتم کلاس دیدم که آیا از این بهتر می‌شود؟ در کمال نجابت و سلامت من که معلم آن‌ها هستم آن‌ها را صمیمانه دوست دارم. به من احترام می‌گذارند. هیچ چیزی که خارج از نزاکت باشد، آنجا ندیدم. نکته بسیار مهمی که فکر می‌کنم خیلی همان ابتدای این بحث اتفاق افتاد و گفتیم از آسیب برویم و به سمت مسئله اجتماعی آقای دکتر یعقوبی حتماً بهتر از من می‌دانند که مسائل اجتماعی تاریخ و جامعه‌شناسی دارد. یعنی همین. در سال ۱۳۶۳ در اوج جنگ نحوه احترام ما آن طوری بوده و الآن در دهه ۹۰ طوری دیگر. یک نفر به من گفت که فلانی امروز در فلان اداره مهمترین بحث این بود که یکی از همکاران مرد ما جوراب قرمز پوشیده بود. ما اگر در دانشگاه آن اصالت، سلامت و اخلاق مورد توجه باشد. در آن موقع خیلی از این‌ها در گذر زمان معنی خاص خودشان را از دست خواهند داد. ما در دانشگاه‌ها دنبال مدرک‌گرایی رفتیم و کمیت را به کیفیت ترجیح دادیم. یعنی اگر ما کیفی کار می‌کردیم، شاید یک آدم متفکر می‌تواند یک قاره را تکان بدهد چه برسد به استان، شهر و کشور را.

## دکتر علی یعقوبی عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان:

من با بقیه دوستان از جهاتی هم داستان هستم، الآن این آماری که دستگاه قضایی و انتظامی می‌دهند، آسیب‌های اجتماعی استانی را در پدیده‌هایی از قبیل: اعتیاد، ضرب و جرح، توهین، تهدید، کلاهبرداری، مالکیت مواد، خیانت در امانت مطرح می‌کنند، اما اگر شما وقتی از مردم به شیوه کیفی مسئله بایی کنید، آن‌ها بر این باورند که عمده‌ترین مسائل جامعه این است که کار و شغل ندارند، به همدیگر اعتماد ندارند. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی ندارند. در جامعه صداقت و صمیمیت نیست، رفتارهای کین‌توزانه افزایش یافته، توقعات و چشم و هم‌چشمی زیاد شده به‌طور کلی اخلاق تضعیف شده و افراد فاقد مهارت‌های لازمند. بنابراین می‌شود درک کرد بین آسیب‌های اجتماعی و اخلاق اجتماعی ارتباط تنگاتنگ وجود دارد. با فرسایش اجتماعی و اخلاقی آسیب‌های اجتماعی نیز متعاقباً خواهند آمد. نتایج تحقیقات - به لحاظ کمی یا کیفی - نشان می‌دهد که مسائل دانشگاهی عبارتند از: نگرش مثبت به همبستگی، افزایش مصرف دخانیات، افزایش اعتیاد و مصرف گل، نگرش مثبت به مهاجرت از کشور، ارتباطات جنسی نامتعارف و کاهش ارجاعات دینی است. همچنین افزایش لذت‌طلبی و فرهنگ «دم را غنیمت دار» و متعاقب آن «مصرف مشروبات الکلی» است. یک نکته دیگر در دانشگاه‌ها پدیده «ملال» است. دانشجویها دچار مسئله ملال یا دلزدگی هستند. آنچه زیمال از آن به بیماری بلاس یا «یکنواختی» تعبیر می‌کند. پدیده ملال امری مکانمند و زمانمند است. شما وقتی در یک روز خاص و در یک مکان خاص هستید و می‌بینید دوز ملال بالا است. مثلاً ۵شنبه و جمعه‌ها بچه‌ها را حس غربتی در دانشگاه فرا می‌گیرد و این موقعیت ملال، زمان‌مند و مکان‌مند است. بچه‌ها به نحوی جمعه برایشان ملال‌آور است و این، آن چیزی است که دکتر فاضلی از آن به «جمعه‌کشی» تعبیر کرده است. در این روزها پدیده زمان به لحاظ ذهنی برای دانشجویها به کندی پیش می‌رود. به نظر می‌رسد در این موارد افراد احساس می‌کنند که شادی و نشاط ندارند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که نیمی از دانشجویان معتقدند که آن‌ها



در میدان دانشگاهی شادی و نشاط ندارند. به نظر می‌رسد که در دانشگاه‌های ما این کالا خیلی کم یاب است. هر جا که موسیقی است همه مشارکت می‌کنند، اما سخنرانی‌ها و مجالس علمی خلوت هست. هر جا اروس هست همه شرکت می‌کنند هر جا لوگوس هست عدم مشارکت است. بنابراین انرژی زیادی در جامعه متراکم شده و مجال کمتری برای آزاد شدن آن وجود دارد. به نظر می‌رسد در سیاست‌های فرهنگی خودمان تعادل اروس و لوگوس را رعایت نکردیم. باید سعی شود بین این دو بالانس ایجاد شود تا تعادل حفظ شود. از اقلان سازی موسیقی در جهت نشاط و شادابی در جامعه استفاده کنیم. بسیاری از کنش‌های جوانان وجه «ابرازی و اظهاری» دارد، اما ما کد مشکلاتشان را درک نمی‌کنیم و به سئوالات صنفی آن‌ها پاسخ غیرفرهنگی می‌دهیم. مشکل دیگری، که در بین دانشجویها مشاهده می‌شود، این است که به آینده امیدوار نیستند. پدیده زمان برای آن‌ها خطی نیست، بلکه در معنای گیدنزی حلقوی و دور باطل است. یعنی؛ زندگی آن‌ها در یک امتداد و خط مستقیم تحصیل، کار و تشکیل زندگی ختم نمی‌شود، بلکه وضعیت مبهم و تناقض آمیزی دارد.

نکته مهم در فهم تبیین مسائل اجتماعی است. ما پدیده‌ها را ساده فرض می‌کنیم، اما آن‌ها پیچیده‌تر از آنند که به نظر می‌آیند. دانیل لیتل در کتاب تبیین در علوم اجتماعی معتقد است که بین متغیرها یا پدیده‌ها رابطه علی وجود ندارد بلکه مکانیسم علی وجود دارد. به عبارت دیگر، مسئله یا آسیب در یک فرایندی رخ می‌دهد که به زعم کمی-گرایان باید رفت مسیرش را شناخت. ما در فهم پدیده‌های اجتماعی همچنان عاجزیم. باید برویم روش‌مان را تغییر دهیم. برمن در مقدمه کتاب خویش «تجربه مدرنیته» از زبان مارکس، مدرنیسم را زیستن در جهانی تلقی می‌کند که در آن هر چه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود. بنابراین با آمدن مدرنیته، شهری شدن، صنعتی شدن، رسانه‌ای شدن و افزایش تحصیلات ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های موجود مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. با تغییر در سنت‌های اجتماعی به نحوی در جامعه انومی اجتماعی رخ می‌دهد و به قول ویکتور ترنر، جامعه حالت «آستانگی» پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی، ارجاعات دینی هم کاهش پیدا می‌کند و انسان‌ها در موقعیت تعارض آمیزی قرار می‌گیرند. بنابراین، این وضعیت‌ها و ساختارها در زمان گذشته نبود، متعاقب آن مسائل اجتماعی با این شدت و تنوع نیز.

## در ادامه آقای دکتر رضا علیزاده عضو هیأت علمی گروه پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه

### گیلان به عنوان مجری برنامه با این سؤال ادامه داد:

### چه راهکارهایی برای رفع آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؟

#### « آقای حسین فرختار:

بعد از جنگ جهانی دوم در یک رستورانی ژنرال‌های ارتش جمع شده بودند و یک هنرمند نقاش که فجایع جنگ را کشیده بود و بعد حضار یکی از ژنرال‌ها را به این هنرمند معرفی کرد و آن ژنرال سؤال کرد که این اثر مال شماست؟ هنرمند پاسخ گفت: خیر این اثر کار شماست. بپذیریم که اگر مسئله است، اگر آسیب است کار ماست. ما بزرگ‌ترها مقصریم. بچه‌ها اصلاً مقصر نیستند و ما در یک وضعیت دیالکتیک تضاد هستیم و باید سعی کنیم این تضاد به تناقض هدایت نشود و برای پیشگیری از این واقعه باید به یک فهم مشترک و یک کنش مشترک برسیم و راهکار فهم مشترک و کنش مشترک این هست که اولاً جامعه باید سعی کند تاب داشته باشد و قدرت ترمیم خودش را داشته باشد و همان طوری که داشته ادامه بدهد و دولت و نظام هم این هوشمندی را داشته باشد که سعی کند شکاف‌ها را پر کند. برای اینکه این امر تحقق پیدا کند، ما هیچ راهی نداریم جز اینکه با هم گفت‌وگو کنیم، همکاری کنیم، مدارا کنیم، رواداری داشته باشیم، صبر داشته باشیم و گذشت.

#### « دکتر سید هاشم موسوی:

من اعتقاد را اول عرض کردم و الآن هم تأکید می‌کنم فرهنگ راه نجات مشکلات کشور ماست. آدم فرهنگی کار فرهنگی حرمت فرهنگ را نگه داریم. توجه به معلمان و استادان راستین تأثیرگذارند. مسئولیت اجتماعی که فرمودید که دانشگاه‌ها باید داشته باشند و آن بحث امید که همه‌جا می‌گویند جهان بدون امید مثل دوزخ است. زمانی که دانشجو بودم تمام آن مدت خودم کار کردم هرگز دغدغه اینکه کار نباشد، نداشتم. من قبل از فوق لیسانس وقتی در آموزش پرورش درس می‌دادم، می‌گفتم نمی‌خواهم بمانم یعنی کاملاً با اعتماد به نفس حرف می‌زدم. الآن خیلی از بچه‌ها نگرانی دارند. بحث افسردگی معرفتی و عملی دارند. دانشجو به آینده امیدوار نیست، ما به آن‌ها می‌گوییم بچه‌ها فعلاً که اینجا هستید، وظیفه شما این است که خوب درس بخوانید، ولی وزارت علوم هم بایستی این نگاهی که به دانش به مثابه کالا هست، تجدیدنظر اساسی بکند؛ بالاخره مهم‌ترین مسئله در مملکت ما بحث ابتدال هست و راه حلش بازگشت به اصالت و خروج از ابتدال در همه زمینه‌ها و بالاخره راه نجات آزادی و عدالت هست.

#### « دکتر علی یعقوبی:

آسیب‌ها و مسایل اجتماعی درست است که برای بسیاری از جامعه‌شناسان و روانشناسان ایجاد اشتغال ایجاد کرده- همانطور که بیماری برای

پزشک، شغل پزشکی فراهم کرده- و به‌مثابه سوپاپ اطمینان در جامعه نیز است، ولی سوییۀ دیگرش خسارت‌های عظیم مادی و معنوی هم در جامعه ایجاد کرده است. ما باید هم به کارکردهای مثبتش نگاه کنیم و هم به کارکردهای منفی‌اش. این خسارت‌های مادی و معنوی‌اش است که الآن جامعه را نگران کرده است، اما اینکه باید چه کار کنیم، ظاهراً دو روش الآن وجود دارد. روش تاب‌آوری را روان‌شناسان باب کرده‌اند که آدم‌ها بتوانند تاب بیاورند، در مقابل حوادث و مشکلاتی که وجود دارد و مقاومت کنند. راهکاری دیگری که جامعه‌شناسان مطرح می‌کنند، خصوصاً انجمن جامعه‌شناسی ایران کارگاه‌های متعددی در خصوص مسئله‌یابی و راهبردهای گفت‌وگو محور مطرح کرده‌اند. جامعه‌شناسان معتقدند که ما از طریق گفت‌وگو می‌توانیم مشکلات خودمان را حل کنیم و باید با هم گفت‌وگو و با استفاده از استراتژی جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌توان مسائل اجتماعی موجود را تا اندازه‌ای تعدیل کرد. در این استراتژی جامعه‌شناس فیلسوف نیست، بلکه به‌عنوان انسان تسهیل‌گر است. مرحوم فاضلی راد در کتاب اخیرش «زوال پدرسالاری» به نکته دقیقی اشاره می‌کند که جامعه ما از پدرسالاری گذر کرده، اما وارد عصر پس‌پدرسالاری نشده، یعنی داخل عصر گفت‌وگو نشده است. مشکلی که داریم این است که نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم. الآن آمار زیادی که در عرصه خانواده وجود دارد، این است که نمی‌توانیم در خانه با هم حرف بزنیم. در طرح مسئله‌یابی خانواده شهروندان رشت اظهار کرده‌اند که ما همدیگر را درک نمی‌کنیم. صمیمیت و صداقت در خانه‌ها وجود ندارد. به نظر می‌رسد در کنار شرایط اقتصادی، باید گفت که هسته اصلی مشکلات فرهنگی «عدم توان گفت‌وگوست. بنابراین، در معنای آلتوسری باید دیگران را صدا زد، اصحاب قدرت را صدا زد، مردم را خطاب کرد که بیایید با هم صحبت کنیم.

## دکتر کاظم فلاحی:

من از جایی ملموس‌تر شروع می‌کنم. عوامل سه‌گانه فردی، خانواده و جامعه که هر کدام بحث خودش را دارد. آن چیزی که کاراکتر و شخصیت یک دانشجو را در دانشگاه متأثر می‌کند. عوامل فردی و خانوادگی است که دارد محصولاتش را از جامعه کسب می‌کند. من احساس می‌کنم که بحث دینی بودن که شما مطرح کردید، نکته بسیار مهمی است. مهاتمیر محمد هم در طی ۳۰ سال، توسعه اقتصاد و توسعه فرهنگی خودش را تعریف کرده و به واقعیت نزدیک کرده است. اما نکته‌ای دارم و آن این که چرا این قدر دنبال تقابل سنت و مدرنیته هستیم؟ من در خارج از کشور تحصیل کردم. حقیقتش من در دورانی بودم که تحولات خیلی شدیدی در کشور بوده از لحاظ فرهنگی. این قدر تقابل سنت و مدرنیته مطرح نبود. انرژی فراوانی در ایران در سال‌های اخیر به خاطر این تقابل صورت گرفته است. راهکارهای زیادی هست که این تقابل صورت نگیرد و آن این است که یک دانشجو از یک فرد مطالبه‌گر به یک فرد مشارکت‌کننده تبدیل شود. مشکل این است که ما اصلاً تفکر سیستمی نداریم و به آن اهمیت ندادیم. ما چارچوب‌های ذهنی خودمان را به‌عنوان یک‌بخشی از وجود خودمان در نظر گرفته و بعد با همین چارچوب‌ها زندگی کردیم و آن‌ها را وارد ذهن دانشجویان کرده‌ایم و مطالبه‌گری‌های بی‌موردی را به جای خلاقیت و نوآوری جایگزین کرده‌ایم. در این باره، بازآفرینی‌هایی وجود دارد که با شگردهای مختلف می‌توانیم انسان‌ها را وارد گود و چالش کنیم؛ حتی در شرایط ناامیدی این چالش‌ها و اتفاقات در مراکز دانشگاهی ما نیست و متولیان خودشان هم ناامید و مأیوس هستند و این مشکل اساسی جامعه ماست.

## دکتر جواد نظری مقدم:

ما باید جامعه را مبنا قرار دهیم. جامعه با انسجام اجتماعی معنا پیدا می‌کند پس سعی کنیم از هر آنچه که به انسجام اجتماعی ضربه می‌زند پرهیز کنیم و همدیگر را درک کنیم. باید ببینیم که در جامعه ما ارزشها و چیزهایی که در دل تاریخ و سنت ما وجود دارد، آن‌ها را زنده کنیم و گزینش کنیم و بازآفرینی کنیم. اصل گزینش را ما نیاز داریم و اقتضائات امروز را در نظر بگیریم. عناصر موجود در هویت و تاریخمان را اگر کارکرد دارد زنده کنیم چون خیلی از اینها گاهی اوقات به ما مدد می‌رسانند کمک می‌کنند کارکرد دارند. سعی کنیم تا رابطه تعریف مسائل و حل و برون رفت از آنها به درک مشترک برسیم. مثلاً در باب مسائل حوزه خانواده باید گفتگو کنیم تا به درک مشترکی برسیم. در این حوزه‌ها وقت صرف کنیم هزینه کنیم سیاستگذاری کنیم. ببینیم از دل سنت چه چیزهایی در جامعه کارکرد دارد و خوب است آن را دوباره به کار بگیریم. مرز میان سنت‌گرایی و نژاد پرستی و تعصبهای قومی قبیله‌ای و احساسات شوونیستی ناسیونالیستی را مشخص کنیم. اینها دو راهه‌هایی است که جامعه به آن دچار هست و خیلی از آسیب‌ها ناشی از دوره‌های مختلف است. مثل دوره‌ها میان اسلامیت و ایرانیت، ملیت و مذهب. ناسیونالیسم و اسلام‌گرایی. دعوایی که از پهلوی شروع شده و در انقلاب اسلامی هم همان ادامه پیدا کرده. در پهلوی پررنگ کردن هویت باستان‌گرا و ناسیونالیسم ایرانی را داشتیم و جامعه واکنش نشان داد و واکنش آن شد انقلاب اسلامی. از آن طرف در جمهوری اسلامی پررنگ کردن اسلام‌گرایی و به قهقرا رفتن و فراموشی سپردن یا کمرنگ کردن هویت باستانی و عناصر ملی را داریم در نتیجه بخشی از جامعه با باستان‌گرایی و بزرگداشت روز کوروش یا برجسته‌سازی عناصر هویت باستانی در معماری یا انتخاب اسامی ایرانی از خود واکنش نشان می‌دهد باید اینها را مدیریت کنیم. باید گفت و گو کرد تا به درک مشترکی برسیم. سعی کنیم همدیگر را تحمل کنیم و به هم برسیم. باید ببینیم چه چیزی موجب شده برخی مفاهیم یا عناصر اجتماعی یا نهادها در طول تاریخ ما حفظ شوند و تداوم داشته باشند. در دل سنت چه مکانیزمی وجود داشته که مثلاً خانواده پابرجا مانده چه مکانیزمی طراحی شده که خانواده محکم و استوار مانده است. آسیبها و مسائل جامعه ریشه‌یابی درست و دقیق و منطقی بشود.

## کرسی آزاداندیشی

### نوشتن به مثابه پژوهش (نقدی بر سیستم پژوهش دانشگاهی)

#### دکتر نعمت... فاضلی

دانشگاهی را بحث کنم، هر چند این موضوع هم در جامعه ما اهمیت دارد و لازم است درباره آن گفت‌وگویی شکل بگیرد. هر روز انبوهی از کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌های دانشگاهی خلق می‌شوند و کمتر کسی میل و رغبت برای خواندن آن‌ها را دارد. باید در این باره هم صحبت شود، اما موضوع سخن من در این گفتار معطوف به واقعیت دیگری است. این که نوشتن در فرهنگ دانشگاهی و آموزشی ما «تشویق» نمی‌شود. ما در فرهنگ دانشگاهی که داریم دانشجویان و دانشگاهیان را به نوشتن به‌ویژه نوشتن خلاقه ترغیب نمی‌کنیم. این کار به تعبیر خانم جولیا کامرون در کتاب «حق نوشتن» بسیار خطرناک‌تر از «ممنوع کردن» نوشتن است. تکیه و تأکید من در این گفتار در زمینه نوشتن دانشگاهی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است، زیرا این حوزه‌ای است که در آن فعالیت و تنفس می‌کنم. در این حوزه که نوشتن کار اصلی آن است، نوشتن تشویق نمی‌شود. این موضوع از مباحث بنیادی علوم انسانی و اجتماعی ماست که کمتر

با تلاش دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران در دانشگاه گیلان و همکاری انجمن علمی - دانشجویی علوم اجتماعی و معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی این کرسی در تالار حکمت دانشگاه با سخنرانی دکتر نعمت... فاضلی عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شد که از تلاش‌های همه دوستان سپاسگزاریم.

اجازه دهید بحثم را با بیان مقدمه‌ای کلی در زمینه علوم انسانی و اجتماعی در ایران معاصر آغاز کنم؛ زیرا موضوع سخنم در اینجا «نوشتن دانشگاهی» در علوم انسانی و اجتماعی است. نوشتن دانشگاهی در سال‌های اخیر با مناقشات زیادی روبروست. گاهی نثر خشک و بی‌روح و عاری از شخصیت و شور و حرارت آن نه تنها مخاطبان و مردم عادی، بلکه همه حتی دانشگاهیان و دانشجویان را هم آزار می‌دهد. به بیان دیگر ماهیت و چیستی نوشتن دانشگاهی مناقشه‌انگیز است، اما من نمی‌خواهم در اینجا از این زاویه، نوشتن



درباره آن اندیشیده‌ایم. حال اجازه دهید اندکی درباره علوم انسانی صحبت کنم.

یکی از تحولات عمده فکری در فرایند تجدید و امروزی شدن ما، شکل‌گیری و گسترش علوم انسانی و اجتماعی است. شکل‌گیری و گسترش این علوم همراه با تحول در سایر ساختارها و ساحت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ما رخ داده است. وظیفه این علوم این است که آیینی‌ای در برابر انسان باشند تا خود و جامعه را در آن و از طریق آن ببینند؛ آیینی‌ای که وظیفه دارد به‌ویژه کژی‌ها و کژتابی‌های انسان و جامعه معاصر را بازتاباند. رسالت انتقادی این علوم همین است. از این‌رو، یکی از لوازم پیشرفت در جامعه معاصر این است که علوم انسانی و اجتماعی بتوانند رسالت آیینی خود را خوب ایفا کنند و یکی از لوازم ایفای این رسالت هم این است که از آینه علم انسانی و اجتماعی به‌طور دائم غبار و زنگار زدایی کنیم و وضعیت آن‌ها را با محک نقد بسنجیم. در دهه‌های اخیر تلاش‌های بسیاری برای تحقق این مهم از جانب محققان ایرانی انجام شده است. یکی از حوزه‌هایی که من در مجموعه مطالعاتم تاکنون دنبال کرده‌ام، همین مهم بوده است.<sup>۱</sup> براساس مطالعاتی که تاکنون منتشر کرده‌ام، نشان داده‌ام یکی از چالش‌هایی که در مسیر رشد «توان آیینی» این علوم در ایران وجود دارد، «چالش نوشتاری» آن است.<sup>۲</sup> نوشتار، رسانه علم انسانی و اجتماعی است. علم انسانی و اجتماعی ماهیتاً «علم مفهومی»<sup>۳</sup> است. یعنی ما تنها از طریق «خلق مفاهیم» می‌توانیم شکلی از دانش انسانی را ممکن سازیم. مفاهیم و به‌طور کلی زبان، درون‌مایه علم انسانی و اجتماعی را شکل می‌دهند و «زبان نوشتار»<sup>۴</sup> بیش از «زبان گفتار»<sup>۵</sup> در این علوم اهمیت دارد. ما در این علوم از طریق نوشتار می‌اندیشیم و به اندیشه‌مان نظم و انسجام می‌دهیم. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین موضوعات برای گسترش و کارآمدی علم انسانی و اجتماعی که باید به آن توجه داشت، تلاش برای شناسایی و بهبود رسانه نوشتاری در این علوم است. در اینجا موضوع این نیست که زبان فارسی را چگونه پاس بداریم و از غلط نویسی پرهیز کنیم، بلکه موضوع این است که چگونه از زبان و زبان فارسی به بهترین نحو ممکن برای خلق و گسترش علم انسانی و اجتماعی استفاده کنیم. در این زمینه طی دهه‌های گذشته فعالیت‌های مختلفی انجام شده است و هر کدام نیز در پیشرفت این علوم در ایران تأثیرات و دستاوردهایی داشته‌اند. مجموعه این فعالیت‌ها را فهرست‌وار می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

۱. ترجمه متون لاتین (عمدتاً انگلیسی و فرانسه) به زبان فارسی

۲. معادل‌گزینی برای مفاهیم کلیدی علمی

۳. آموزش نوشتار گزارشی تحقیقاتی در تمام رشته‌های دانشگاهی

۴. تهیه فرهنگ‌های دوی یا چندزبانه

۵. ترویج و بحث در زمینه زبان علم و نقش آن در پیشرفت و تحول دانش‌ها از طریق برگزاری همایش‌ها و انجام تحقیقات علی‌رغم فعالیت‌های مذکور، ما همچنان در زمینه شناسایی و اهمیت نقش زبان و به‌ویژه زبان نوشتاری در حوزه علم انسانی و اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه هستیم. انگاره معرفتی<sup>۶</sup> حاکم بر علم انسانی و اجتماعی ایران در دانشگاه‌ها انگاره‌ای است که نقش نوشتار را صرفاً محدود به گزارش کردن نتایج تحقیق می‌داند و به نقش و سهم نوشتن در شکل دادن ایده‌ها و بروز و ظهور خلاقیت محقق و نویسنده آگاه نیستیم. علاوه بر آن، نسبت به ابعاد زیبایی‌شناختی معرفت و متن دانشگاهی یا علمی ناآگاه و غافلیم. همچنین سبک «نوشتار تحصیلی»<sup>۷</sup> موجود به محققان و دانشجویان ما اجازه نمی‌دهد تا بتوانند به شیوه آزادانه، خلاقانه و تفسیری بنویسند و ببینند. این چالش‌ها نه تنها مانع بهبود کیفیت متن‌های نوشتاری علوم انسانی و اجتماعی در ایران می‌شوند، بلکه مانع بزرگی در مسیر توسعه کیفی این علوم هستند. آموزش علم انسانی و اجتماعی در ایران امروز از نظر نهادی و کمی گسترش چشمگیر و حتی بیش از اندازه برخوردار شده‌اند. اما میزان «سواد دانشگاهی»<sup>۸</sup> دانشجویان و دانش‌آموختگان ما نه تنها بیشتر و بهتر نشده است، بلکه با چالش‌های جدی روبرو است. این چالش‌ها ما را بر آن می‌دارد تا در زمینه «زبان نوشتاری» و وضعیت نوشتار دانشگاهی ببینیم و آن را یکی از دستورکارهای مهم برای اعتلای این علوم بدانیم. گفتاری که در اینجا ارائه می‌کنم، بازنویسی یکی از سخنرانی‌هایم در این زمینه است. مسلماً این گفتار نمی‌تواند تمام ابعاد موضوع را بحث کند. هدف این گفتار عمدتاً طرح برخی وجوه مسئله‌مند<sup>۹</sup> نوشتن دانشگاهی است. بخش اول این گفتار بحثی مقدماتی درباره تشریح نوشتار دانشگاهی همچون مسئله فرهنگی است. در این بخش رویکرد نظری یا چارچوبی که در آن نوشتار دانشگاهی را تحلیل کرده‌ام، توضیح می‌دهم. بخش دوم این گفتار به تشریح گسست‌های معنایی در نوشتن در ایران معاصر اختصاص دارد. هدف این بخش تشریح تحول معنای نوشتن در ایران معاصر است. بخش سوم و پایانی این گفتار شرحی دقیق‌تر از مسئله نوشتن دانشگاهی در ایران امروز است.

مسئله‌شناسی فرهنگی<sup>۱۰</sup>: یک چارچوب تحلیلی

قرار است در این گفتار در زمینه نوشتار و «نوشتن دانشگاهی» در ایران امروز یا معاصر ببینیم و سخن بگوییم. همین‌جا باید پرسید مگر اتفاقی برای نوشتن دانشگاهی در جامعه ما رخ داده که اکنون نیازمند اندیشیدن یا چاره‌اندیشی برایش شده‌ایم؟ پاسخ این است: بله. نوشتن دانشگاهی یکی از «مسئله‌های فرهنگی» ماست. این موضوعی است که می‌خواهم ابعاد مختلف آن را در اینجا تشریح کنم. این گفتار صرفاً تلاشی برای فهم نوشتن دانشگاهی همچون

(۱) فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۴) فرهنگ و دانشگاه. تهران: نشر ثالث، چاپ دوم

(۲) فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۴) تشویش نوشتن: مسئله‌مندی علوم انسانی و اجتماعی در ایران. فصلنامه پژوهش و نگارش دانشگاهی. شماره ۳۷ صص ۱-۲۴

- 3) Conceptual science
- 4) Writing language
- 5) Oral language
- 6) episteme
- 7) Positivist writing
- 8) Academic literacy
- 9) problematic
- 10) Cultural problematology





تأثیرگذارند و باید به آن‌ها اندیشید و درباره‌شان سخن گفت. در عین حال مسئله‌های فرهنگی پیچیده و تا حدودی انتزاعی‌اند. از این‌رو، پی بردن و تشخیص آن‌ها دشوار و نیازمند تأملات دقیق و عمیق است. معتمد نوشتن و فرهنگ آن، در شرایط کنونی جامعه ما وضعیت پرابلماتیک یا مسئله‌مندی دارد. در این گفتار می‌خواهم در زمینه نوشتن همچون مسئله‌ای فرهنگی در ایران معاصر صحبت کنم، اما چه وجهی از نوشتن مسئله مند است؟ تمام گفتار حاضر تشریح همین موضوع است. در همین ابتدا خلاصه آن را بیان می‌کنم.

نوشتن، این روزها و سال‌ها در مملکت ما با چالش‌های جدی معرفتی، سیاسی و اجتماعی روبروست. این چالش‌ها را در تمام وجوه زندگی‌مان می‌توان مشاهده کرد. اگرچه بر این چالش‌ها، نقابی کشیده شده و این نقاب مانع دیدن آن‌ها می‌شود. این نقاب چیزی نیست جز حجم عظیم کتاب‌ها و مقالات به‌علاوه مطالب انبوه و بی‌شماری که در فضای مجازی تولید و تکثیر می‌شود. در اینجا می‌خواهم از این چالش‌ها «آشنایی‌زدایی»<sup>۲</sup> کنم.

وقتی دعوت شدم که در اینجا به مناسبت «هفته پژوهش» صحبت کنم، بدون تأمل و درنگ این عنوان را برای سخنرانی پیشنهاد دادم: «نوشتن همچون پژوهش». اکنون که می‌اندیشم این عنوان چندان هم فی‌البداهه به ذهنم راه نیافته بود، زیرا در شرایطی زندگی می‌کنیم که علی‌رغم انتشار حجم پرشمار و انبوه کتاب‌ها و مقالات و انجام

مسئله فرهنگی است. همچنین همه ابعاد مسئله را نیز تشریح نمی‌کنم. برای فهم تمام ابعاد مسئله نوشتن دانشگاهی می‌توان رویکردهای مختلفی داشت. برای مثال در رشته‌های مطالعات برنامه درسی، مطالعات آموزش عالی، جامعه‌شناسی علم، علوم تربیتی، تکنولوژی‌های آموزشی و رشته‌های دیگر، هر کدام به شیوه خاص خود موضوع نوشتن دانشگاهی را توضیح می‌دهند. در این گفتار من از رویکرد خاصی به نوشتن دانشگاهی در ایران نگاه می‌کنم. از این رو، قبل از این که مسئله نوشتن دانشگاهی را تشریح کنم، اجازه دهید رویکرد یا چارچوب تحلیلی‌ام به موضوع را شرح دهم.

«مسئله‌شناسی فرهنگی»<sup>۱</sup> چارچوب تحلیلی من برای توضیح و تشریح نوشتن یا فرهنگ نوشتن در جامعه معاصر ایران است. در اینجا مجال تشریح مسئله‌شناسی فرهنگی نیست، اما کلیت آن را به نحو فشرده بیان می‌کنم. در فضای کنونی جامعه ما اغلب از محققان علوم اجتماعی انتظار دارند در زمینه «آسیب‌های اجتماعی»<sup>۲</sup> مانند اعتیاد، طلاق، فقر، خشونت، دزدی، تبعیض، نابرابری و فساد را آسیب‌شناسی کنند، ولی «مسئله‌های فرهنگی» را کمتر می‌شناسیم. مسئله‌های فرهنگی برخلاف آسیب‌های اجتماعی، اختلالی آشکار و ویرانگری‌آنی در زندگی روزمره مردم و حیات جمعی ما ایجاد نمی‌کنند؛ از این‌رو، از دید عموم مردم دور و پنهان هستند. اما این نوع مسائل در فرایند کلی حرکت جامعه و زندگی همه شهروندان

(۱) فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۴) مسئله چیست؟ مسئله‌شناسی از دیدگاه مطالعات فرهنگی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

2) Social pathology

3) defamiliarization

شکل داده و متحول ساخته است. این فرهنگ، مانند دیگر فرهنگ‌ها، نوعی برساخت اجتماعی است که در نتیجه ظهور فناوری‌ها، تحولات سیاسی، دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، در طول زمان به‌طور مدام تغییر می‌کند و امری ثابت و ذاتی ابدی ندارد. ما سه فرهنگ نوشتاری را در تاریخ باستانی و طولانی جامعه‌مان شکل داده‌ایم: فرهنگ نوشتاری قدسی یا سنتی، فرهنگ نوشتاری جدید یا مدرن و فرهنگ نوشتاری در حال ظهور کنونی. شکل‌گیری و تحول این سه فرهنگ نوشتاری را می‌توان سه صورت‌بندی در نظام دانایی ایرانی دانست و برای شکل‌گیری هر یک از آن‌ها نوعی گسست معنایی در تجربه ایرانی رخ داده است.

من صورت‌بندی پیشامعاصر را در چارچوب «نظام دانایی سنتی» می‌فهمم. ما در ساختار معرفتی یا «نظام دانایی سنتی» مان نوشتن را عملی خلّاقه و «کاری کمیاب» اما جدی می‌دانستیم و برای آن ارزش و «اعتبار قُدسی» قائل بودیم. به همین دلیل در فرهنگ شیعی گفته می‌شود که «مُرکب قلم عالمان، شأن و مرتبتی برتر از خون شهیدان دارد»<sup>۱</sup>. این سخن که در بحارالانوار به نقل از امام صادق علیه‌السلام بیان شده، بیان‌کننده اهمیت نوشتن در خلق و شکل دادن فرهنگ است. یا این‌که ما هم چون مسعود سعد سلمان شاعر قرن پنجم همواره تذکر می‌دادیم که «نبشتن ز گفتن مهم‌تر شمار / به گاه نبشتن به جای آرهوش»، اهمیت نوشتن در نظام دانایی سنتی برای ما فارسی‌زبانان چنان بوده است که نظامی عروضی سمرقندی دانشمند قرن ششم در کتاب مشهور چهارمقاله خود، از نویسندگی یا به تعبیر او «دبیری» هم چون شکلی از دانش نام می‌برد و «دانش دبیری» را در کنار طب، نجوم و شاعری قرار داده و «دبیری» را یکی از مهم‌ترین دانش‌ها می‌شمارد. به اعتقاد نظامی عروضی دبیری از «خواص پادشاه» است و به اعتقاد او «قوام مُلک به دبیر است». از نظر نظامی عروضی نوشتن «ارزش وجودی» دارد و این‌که نوشتن را از «خواص پادشاه» می‌داند، صرفاً به دلیل کارکردهای سیاسی نوشتن نیست، بلکه نوشتن از نظر او یکی از کمالات و صفات متعالی انسان و انسان کامل است. نظامی عروضی به این دلیل نوشتن را از خواص پادشاه می‌داند که او «پادشاه را بعد از پیامبری غایت مرتبه انسان» می‌شمارد.

این تلقی استعلایی و قُدسی از معنای نوشتن در تمام طول تاریخ ایران اسلامی تا دوره مدرن بر ذهن و اندیشه ایرانی حاکم بوده است. به همین دلیل در این دوره، نوشتن فعالیت نخبه‌گرایانه‌ای است که همگان به آن دسترسی و توفیق ندارند.

ولی با شکل‌گیری جامعه معاصر ایران، یعنی جامعه‌ای که از انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵) به بعد خود را آشکار کرد، ما کم‌کم وارد نظام دانایی جدیدی شدیم و برداشت پیشامعاصر نوشتن تحول پیدا کرد. از این زمان به بعد نوشتن به‌صورت حق همگانی و عموم مردم تعریف شد و نوشتن دیگر صرفاً فعالیت استعلایی فهم‌نشد. در دوره جدید، نوشتن یکی از ارکان جامعه مدرن یا متجدد دانسته شد و رسالت مهم «آموزش نوشتن به همگان» بر عهده نظام آموزش عمومی و آموزش

تحقیقات گسترده، باید گفت جا برای «نوشتن» و «مؤلف» تنگ‌شده و هر روز تنگ‌تر هم می‌شود. طوری که حتی گاهی احساس می‌شود که نوشتن در مخاطره است. به‌ویژه این‌که ما سرمایه‌های مادی و انسانی بی‌شمار و بزرگی را برای «توسعه نوشتن» هزینه کرده و می‌کنیم. طبیعی است که در این شرایط به ذهنم این ایده خطور کند که چه رابطه‌ای میان نوشتن و پژوهش کردن وجود دارد؟ به‌ویژه این‌که سرنوشت اندیشه و اندیشیدن به کیفیت و وضعیت نوشتن بستگی دارد. علم و دانش ماهیت «متنی» دارد و میزان پیشرفت علم و دانش بهره‌مندی از آن به کیفیت نوشتن در هر جامعه وابسته است. به همین دلیل وقتی از وضعیت نوشتن پرسش می‌کنیم، پرسش ما معطوف به وضعیت علم و دانش در جامعه است. این دورا می‌توان تا حدودی یکی دانست. درعین حال، پرسش از وضعیت علم و دانش در جامعه امروز، پرسش از وضعیت پیشرفت‌ها و تحولات جامعه در کلیت آن نیز هست؛ زیرا جامعه معاصر، جامعه‌ای دانش‌محور است. حداقل از قرن بیستم به بعد، برای رسیدن به توسعه، راهی جز توسعه علمی و معرفتی وجود ندارد. از این رو، پرسش از نوشتن و رابطه‌اش با پژوهش، پرسش از کلیت جامعه یا جامعه در کلیت آن است. مقصود این است که پرسش از نوشتن، پرسشی صرفاً مربوط به کار و حرفه دانشگاهی نیست که بخواهیم آن را نوعی بحث صرفاً دانشگاهی بدانیم، بلکه این پرسش کاملاً با سرشت کنونی جامعه امروزی تنیده شده است.

در این گفتار می‌خواهم از «صورت‌بندی جدید نوشتن» در جامعه‌مان در اینجا صحبت کنم. از این رو، اجازه دهید در همین ابتدای سخنم به نحو فشرده‌ای موضوع تحول یا گسست در صورت‌بندی معنای نوشتن را بیان کنم. هر چند این موضوع خود نیازمند گفتاری مستقل است. بعد از این بحث، به سراغ موضوع اصلی بحثم که همان چالش‌های نوشتن در نظام دانایی و دانشگاهی امروز ماست، خواهیم رفت.

### ● گسست‌های معنایی نوشتن

ما در تاریخ معاصرمان با انواع «گسست»‌های فرهنگی<sup>۱</sup> و تاریخی روبرو هستیم. از جمله این گسست‌ها، «گسست در معنای نوشتن» است. ما ابتدا در دهه‌های نخست قرن چهاردهم شمسی یعنی قرن حاضر از یک «صورت‌بندی پیشامعاصر»<sup>۲</sup> که نوشتن را امری مقدس می‌داند و دارای رسالتی معنوی است، به‌صورت بندی مدرن تحول یافتیم. یعنی هم‌زمان با گسترش نظام مدرسه‌ای جدید و شکل‌گیری نظام دانشگاهی جدید در ایران، ما شاهد تحولی معنایی در زمینه «فرهنگ نوشتن»<sup>۳</sup> هستیم. منظورم از فرهنگ نوشتن، مجموعه معنایی است که ذهن و ضمیر جمعی ما را تسخیر کرده و به کمک یا در پرتو آن ما نوشتن و کارکردها و کاربردهایش و حتی شیوه‌های یادگیری و یاددهی آن را فهم و فهم‌پذیر می‌کنیم. فرهنگ نوشتن، شیوه‌های ما برای توجیه کنش نوشتاری است. فرهنگ نوشتن یا نوشتاری در هر جامعه‌ای براساس تجربه تاریخی خاص و یگانه آن جامعه شکل می‌گیرد و تحول می‌یابد. انسان و جامعه ایرانی نیز مانند دیگر جوامع تاریخی و باستانی، تجربه تاریخی و فرهنگ نوشتاری خاص خودش را

۱) Cultural discontinuity

۲) Pre-contemporary formation

۳) Writing culture

۴) چون روز قیامت فرا رسد، خداوند اولین و آخرین مخلوقات را در یک سرزمین گرد می‌آورد و ترازوها برقرار می‌گردد، سپس خون شهیدان با مرکب قلم عالمان سنجیده می‌شود و این نتیجه به دست می‌آید که مداد عالمان از خون شهیدان سنگین‌تر است. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴، حدیث ۲۶.

از ده میلیون نفر است. این جمعیت دانشگاهی طبیعتاً انگیزه‌های گوناگونی برای ورود به دانشگاه دارند. اکثریت آن‌ها به دنبال گرفتن مدرک تحصیلی به‌عنوان مجوزی برای ورود به بازار کار هستند. در نتیجه دانشگاه توده «کارگاه مدرک‌سازی» است نه محل شکوفایی استعدادها و پرورش قوه خلاقه افراد. با گسترش روز افزون دانشگاه توده در سال‌های اخیر، نوعی صورت‌بندی دانایی تازه‌ای را در ایران شکل گرفته و همه‌چیز از جمله نوشتار هم منطبق فرهنگی تازه به دست آورده است، نوعی نوشتار توده‌گرا که لزوماً نه‌تنها با منطق پیشامعاصر نوشتار سازگار نیست، بلکه اساساً بیان‌کننده خلاقیت و استعداد خاص نویسنده نیز نیست. از همین جاست که مسئله نوشتن در فضای امروزی ما زاده می‌شود. در ادامه این گفتار برخی از ابعاد این موضوع را تشریح می‌کنم و مرادم از مسئله نوشتن در این گفتار همین جنبه است.

### ● مسئله نوشتن و نوشتار دانشگاهی

البته نباید پرسش از نوشتن ما را سریعاً به مجادلات فلسفی یا مباحث نقد ادبی در زمینه نوشتن و جایگاه مؤلف و رابطه میان خواننده و متن پرتاب کند، اگرچه با این مباحث نیز پیوند وثیق دارد. ولی در این سرزمین که ما زندگی می‌کنیم، «مسئله نوشتن» و «مسئله مؤلف» همان معما یا «مسئله فلسفی» غامضی نیست که در دهه هفتاد میلادی به بعد روشنفکران و فیلسوفان پسا‌ساختارگرا<sup>۱</sup> به شیوه‌های مختلف با عبارت «مرگ مؤلف» - رولان بارت- یا «مؤلف چیست؟» - میشل فوکو- از آن سخن گفتند، بلکه مسئله ما- ما ایرانی- در شرایط کنونی، کم‌مایه شدن و سقوط ارزش نوشتن و جایگزین شدن «نوشتن اصیل» با «نوشتن کاذب» یا «شبه نوشتن» است. در اینجا ما با «مسئله‌ای فلسفی» سروکار نداریم، بلکه با «پدیده‌ای اجتماعی» روبرو هستیم. این که در دهه‌های اخیر سالانه هزاران کتاب و مقاله به بازار می‌آید، اما در عین حال تعداد مؤلفان و مصنفان اصیل از تعداد انگشتان دست هم بیشتر نمی‌شوند، این که لزوماً کتاب‌ها و مقالات منتشرشده واجد معنای مشخصی نیستند، این که ترجمه متون شأن و منزلتی بیش از تألیف متون در نزد خواننده ایرانی به دست آورده، این که می‌توان بدون داشتن دیدگاه و اندیشه‌ای مشخص کتاب و مقاله نوشت. این که چاپ کتاب و مقاله کمکی به شکل‌گیری شخصیت فکری و خلاقیت نویسندگان آن‌ها نمی‌کند و موضوعات دیگر، همه ما را می‌دارد تا به نوشتن و سرنوشت آن ببیندیشیم و آن را در شرایط اجتماعی امروز بفهمیم.

در عین حال باید این نکته را هم یادآوری کنم که در اینجا نمی‌خواهم دستاوردهایی که در نتیجه توسعه نظام آموزشی و آموزش عالی داشته‌ایم، کلاً نفی و انکار کنم یا سهم کسانی که همواره به نحو اصیل اندیشیده و در حال نوشتن‌اند، نادیده بگیرم. بدون تردید سرمایه‌گذاری‌های عظیم مادی و انسانی ما برای آموزش، نتایجی داشته است، اما موضوع، نسبت میان سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه با دستاوردهاست. نسبت میان میزان نیاز ما به دانش اصیل و وضع موجود است. سخن من در اینجا تحولی است که در صورت‌بندی معنای نوشتن ایجاد شده و ممکن است ما را با بحران روبرو سازد.

ما در نتیجه توسعه نظام آموزشی و آموزش عالی در ایران، با صورت‌بندی تازه‌ای از معنا و موقعیت نوشتن روبرو شده‌ایم.

عالی قرار گرفت. در جامعه جدید، یا ایران جدید، همه حق دسترسی به خواندن و نوشتن دارند و لازمه زندگی در این جامعه داشتن توانایی خواندن و نوشتن است. وظیفه نظام آموزشی جدید، خوانا و نویسا کردن همه مردم است. در این جامعه جدید، خواندن و نوشتن دیگر امری مقدس یا استعلایی نیست، بلکه ضرورت و نیاز زندگی فردی و اجتماعی است. در جامعه جدید نوشتن نه‌تنها برای ترویج دین بلکه برای «تدبیر منزل» و گذران امور زمینی و مادی اجتناب‌ناپذیر است. علم نیز در این فضای جدید، معنایی زمینی و متعارف دارد. از این دیدگاه، «دبیری» دیگر تنها از خواص پادشاه نیست، بلکه از «خواص شهروندی و شهروند» است. همه آحاد مردم در این نظام جدید باید بتوانند با «الگوی ارتباط نوشتاری» تعاملات خود را سامان دهند و پیش ببرند. خلق دانش، در این جامعه جدید و رو به تحول مبتنی بر «دانش دبیری» است. با تأسیس و گسترش نهاد دانشگاه در ایران که با تأسیس دارالفنون شروع شد و با تأسیس دانشگاه تهران تکامل یافت، صورت‌بندی جدید دانش و به پیروی از آن دانش دبیری نیز تحول یافت و رشته‌های دانشگاهی جایگزین اشکال پیشامعاصر دانش شدند. این امر نظم جدیدی از دانایی را در ایران ایجاد کرد. از جمله این که نوشتار اهمیت و گستردگی بیشتری یافت. معنای نوشتن در نظام آموزشی و دانشگاهی جدید به پیروی از انگاره دانایی تحصیل‌گرا در جهان غرب یا جوامعی که امروزه آن‌ها را جوامع مدرن می‌نامیم، عبارت بود از نوعی رسانه ارتباطی که تنها وظیفه یا کارکرد آن عبارت است از انتقال پیام. همه تحصیل‌کردگان جدید توانایی نوشتن را کسب می‌کنند تا بتوانند ایده‌های خود را مکتوب و منتشر کنند. در این «انگاره» نوشتن امری عرفی است و «ارزش‌ابزاری» دارد که در چارچوب برنامه درسی مدارس و دانشگاه‌ها به افراد آموخته می‌شود. در عین حال «منطق فرهنگی نوشتار جدید» دیگر نسبتی با منطق فرهنگی نوشتار در دوره‌های پیشین ندارد. ارزش هر متن نوشتاری را نه پیوند آن به میراث و سنت‌ها بلکه تأیید آن توسط نظام اداری دانشگاه تعیین می‌کند. این تلقی از نوشتار آشکارا متفاوت از تلقی سنتی یا پیشامعاصر آن است.

بنابراین، در دوره معاصر سرنوشت و سرشت نوشتار به سرنوشت و سرشت نهادهای آموزشی و آموزش عالی گره خورد. از این رو، با شکل‌گیری و تحول نهادهای آموزشی، معنای نوشتار و منطق فرهنگی آن نیز تغییر می‌کند. ما در ایران معاصر حداقل با دو صورت‌بندی از نهاد دانشگاه روبرو هستیم. نخست، «دانشگاه نخبه‌گرا» که از ابتدای شکل‌گیری دانشگاه در ایران از دارالفنون تا سال‌های ۱۳۷۰ است؛ دوم «دانشگاه توده‌گرا» که از ۱۳۷۰ به این‌سو شکل گرفته و گسترش یافته است. دانشگاه توده، دانشگاهی است که همه مردم با هر میزان و درجه‌ای از دانش و آمادگی‌های شناختی و عاطفی و با هدف‌های کاملاً متفاوت می‌توانند در آن حضور پیدا کنند. به همین دلیل نهاد آموزش عالی متناسب با این نوع دانشگاه اقدام به افزایش و گسترش دانشگاه‌ها و رشته‌های دانشگاهی در سراسر کشور می‌کند. دانشگاه توده دیگر لزوماً هدفش توسعه مرزهای دانش یا تربیت افراد نخبه و دانشمند یا محقق نیست، بلکه هدفش فراهم کردن فرصت برابر برای همه متقاضیان تحصیلات عالی است. نتیجه این امر، رشد تعداد دانشجویان تا مرز پنج میلیون نفر و تعداد دانش‌آموختگان به بیش



که مطبوعات و رسانه‌ها آن‌ها را مطرح می‌کنند. این‌ها دغدغه‌های جدی است که در آگاهی جامعه امروز ما ظاهر شده است. شاید صدسال پیش هرگز این گمان شکل نمی‌گرفت که رسانه‌ها را رقیب یا مانع نوشتار و فرهنگ مکتوب تصور کنیم. اما امروزه می‌بینیم که این دغدغه‌ها گسترش یافته‌اند.

مسئله‌مندی نوشتن را می‌توان در گفتمان دانشگاه نیز مشاهده کرد. این بخش از موضوع، چیزی است که می‌خواهم سراسر صحبت‌م را به آن اختصاص دهم. اگر مختصر جست‌وجویی در اینترنت با عبارت‌هایی مانند مقاله‌نویسی، سرقت علمی و ادبی، تولید مقاله، تولید علم و مفاهیم مشابه آن بکنیم، می‌بینیم که تعداد قابل‌توجهی مطالب رسانه‌ای، مطبوعاتی و تحقیقاتی در اختیار ما قرار می‌گیرد. تقریباً تمام آن‌ها در ده سال اخیر منتشر شده‌اند. داستان سرقت علمی و رسوایی‌های آن به‌ویژه رسوایی‌های بین‌المللی و موضوع خرید و فروش مقاله، پایان‌نامه و رساله و شکل‌گیری بازار اقتصادی برای انجام فعالیت‌های نوشتاری دانشگاهی، حساسیت جامعه، حکومت و دانشگاهیان در سال‌های اخیر را برانگیخته است.

در این سال‌ها - کم و بیش - همه دانشگاهیان درگیر این مباحث شده و هستند. دانشجویان ناگزیر شده‌اند برای دریافت مدرک تحصیلی‌شان «تولید مقاله» کنند، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نیز بیش از هر زمانی در گذشته ملزم به «تولید مقاله» هستند تا بتوانند امتیازات شغلی‌شان را کسب کنند. نه تنها افراد بلکه مؤسسات آموزشی و پژوهشی نیز براساس میزان تولید مقاله، رتبه‌بندی و ارزیابی می‌شوند. در جامعه نیز برای کسب فرصت‌های شغلی به کارنامه و «رزومه» افراد توجه می‌کنند، رزومه‌ای پذیرفته‌تر است که تعداد بیشتری مقاله چاپ‌شده یا پذیرفته‌شده در آن درج شده باشد. می‌بینیم که موضوع تولید مقاله، دیگر بحث فکری و خودشکوفایی و خلاقیت نیست، بلکه موضوعی اقتصادی و سیاسی است. به همین دلیل تولید مقاله مانند «تولید کالا» منجر به شکل‌گیری بازار خاص خود شده است. در اینجا نیز مثل سایر کالاها یک «بازار زیرزمینی» و قاچاق و یک «بازار رسمی» به وجود آمده است.

داستان تولید مقاله، در بنیادش همان داستان نوشتن است. اما این بار ما به زبان و شیوه‌ای دیگر درباره آن سخن می‌گوییم. این «شیوه سخن گفتن» درباره نوشتن پدیده‌ای تازه در ایران ماست. ما در سال‌های اخیر با زبان خاصی درباره اندیشه و اندیشیدن سخن می‌گوییم: با «زبان بازاری». به واژه‌های این زبان نگاه کنیم: تولید مقاله، تجاری‌سازی علم، امتیازات علمی، رزومه، سرقت علمی و حق‌التألیف، خرید مقاله، خرید رساله و پایان‌نامه، و امثال این‌ها. «دال مرکزی»<sup>۱</sup> این گفتمان عبارت است از تولید علم، یعنی علم همچون «کالایی تولیدی». این کالای تولیدی در «خط تولید انبوه» کارخانه مقاله‌نویسی انجام می‌شود. در اینجا ما از علم همچون نوعی «خلاقیت و ابتکار» یا شکلی خاص و منحصر به فرد از «اندیشه» صحبت نمی‌کنیم، بلکه از نوعی «کالا» که به صورت انبوه در کارخانه‌ای تولید می‌شود، صحبت می‌کنیم. در اینجا کالاها به صورت انبوه، استاندارد شده، همسان و قابل‌تکثیر و شمرده شده و در بازار به فروش می‌رسند. نویسندگان هم دیگر در اینجا «فرد خلاق» و «دارای سبک» و اندیشمند یا دانشمند نیست، دانشمندی که از روی عشق و برای

صورت‌بندی تازه نوعی «گسست در معنای نوشتن» است. فرهنگ نوشتن در حال دگرگونی است. نوشتن نه تنها در معنای سنتی آن نیست، بلکه معنای مدرن آن نیز توسعه نمی‌یابد. در معنای شناخته آن ما نوشتن را پاره‌ای از فرهنگ خلاقیت و نوآوری می‌دانیم. نوشتن یکی از مهم‌ترین راهبردهای اندیشیدن است. نوشتن راهبرد و ستون فقرات «طبقه خلاق» جامعه است. اما در حال حاضر شاهد ظهور اشکال تازه‌ای از نوشتن هستیم. نوشتن دیگر شکلی از اندیشیدن و نوآوری و خلاقیت نیست، بلکه چیز دیگری است. نوشتن در حال شکل دادن روابط قدرت و مناسبات اجتماعی تازه‌ای است. در این صورت‌بندی جدید که هنوز ویژگی‌های آن را به خوبی نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم، لاجرم باید بپرسیم که نوشتن چیست؟ نوشتن چه کارکردهایی دارد؟ چگونه نوشته‌ها نوشته می‌شوند؟ - البته اگر کلاً چیزی نوشته شود! - چگونه نوشته‌ها خوانده می‌شوند؟ - اگر کلاً نوشته‌ای از جمله همین سخنان من درباره نوشتن خوانده شود! - آیا نوشتن برای خواندن انجام می‌شود یا برای هدف‌های دیگر؟ - اگر کلاً هدفی از نوشتن در کار باشد! - چه کسانی می‌نویسند؟ - اگر نویسنده یا مؤلفی باشد - و نهایتاً این که نوشتن چه رابطه‌ای با بسیاری از چیزها از جمله پژوهش دارد.

باری، ما با «مسئله نوشتن» مواجه هستیم. این مسئله هم در «گفت‌وگوهای روزمره» و هم در «گفت‌وگوهای عمومی» رسانه‌ای و هم در «گفت‌وگوهای دانشگاهی» بروز کرده است. هدف من در اینجا تشریح تمام ابعاد این مسئله نیست. اما برای روشن شدن وضعیت مسئله‌مندی، تنها به صورت اشاره نکاتی را می‌گویم. در زمینه مسئله‌مند نوشتن در زندگی روزمره تنها به یک مورد اشاره می‌کنم، آن هم شیوه یاد دادن نوشتن به کودکان است. کودکان ما ناگزیرند برای انجام تکالیف درسی و مدرسه‌شان بنویسند. این امر، اما یکی از وظایف والدین و به‌ویژه مادری در جامعه امروز ما شده است. مادران و گاهی حتی پدران درگیر دروس فرزندان‌شان و نوشتن مشق‌های آن‌ها شده‌اند. در عین حال، والدین می‌پرسند این همه مشق نوشتن برای چیست؟ این مشق‌ها آیا به فرزندان ما واقعاً کمک می‌کند؟ آیا درست است که والدین برای بچه‌ها بنویسند؟ آیا سیاست‌های مدرسه در زمینه آموزش و تکالیف درسی، درست و واقع بینانه و کارآمد است؟ چرا بچه‌ها علی‌رغم این همه تأکید بر انجام تکالیف دشوار به مدرسه علاقه‌مند نمی‌شوند؟ چرا این نوشتن‌ها به خلاقیت کودکان کمک نمی‌کند؟ چرا مهارت‌های خواندن و نوشتن بچه‌ها رشد نمی‌کند؟ چرا دست خط بچه‌ها بهتر نمی‌شود؟ چرا عادت به خواندن و نوشتن در کودکان شکل نمی‌گیرد؟ این‌ها و پرسش‌های بسیار دیگر در میان خانواده‌ها سال‌هاست که مطرح است. این پرسش‌ها، بخشی از مسئله‌مندی نوشتن در زندگی روزمره امروزی را نشان می‌دهد.

مسئله‌مندی نوشتن را در حوزه عمومی و رسانه‌ها هم می‌توان دید. آیا رسانه‌ها به رشد خلاقیت‌های نوشتاری مردم کمک می‌کنند یا مانع آن می‌شوند؟ آیا گسترش رسانه‌های تصویری مانع گسترش فرهنگ مکتوب نمی‌شوند؟ آیا رسانه‌ها باعث کاهش مطالعه و مراجعه مردم به کتاب‌ها و متون نمی‌شوند؟ آیا رسانه‌ها به «زبان معیار» لطمه نمی‌زنند؟ با رشد روزافزون رسانه‌های مجازی، آیا جایی برای کتاب و مجله باقی می‌ماند؟ این‌ها و پرسش‌های دیگر، از جمله مباحثی است

رقابت با دیگران ارتقا یافته است. از این امر با عنوان رشد جایگاه ایران در زمینه تولید علم در جهان یاد می‌شود. در اینجا گفتمان تولید علم «راهبرد موجه سازی» خود را صورت‌بندی کرده است. اما این راهبرد چندان متقاعدکننده نیست؛ زیرا انتظار نهایی از رشد وضعیت تولید علم در ایران این است که ما توانایی بهره‌برداری مناسب برای ارتقای کاربردها و کارکردهای علم در جامعه را مشاهده کنیم.

این تصویری است که «گفتمان تولید علم» آن را ایجاد کرده است. این بازار و کالای آن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و معرفتی دارد. در اینجا می‌خواهم به یکی از ابعاد آن یعنی مقوله نگارش یا نوشتن بپردازم. معتقدم یکی از محورهای مهم تولید علم در جامعه امروز ما همین شکل خاص نوشتن دانشگاهی است. قبل از این که بحث را ادامه دهم یادآوری می‌کنم که بدون هیچ تردیدی ما نیازمند گسترش اندیشه، پژوهش و مشارکت در فرایندهای جهانی دانش هستیم. همچنین هیچ نقدی بر این که انسان‌های خلاق و بارور و اندیشمند تربیت کنیم، ندارم و نمی‌توان داشت. از این رو، نقد سیاست‌های نظام آموزشی در اینجا به معنای نفی ارزش اندیشه و پژوهش نیست، بلکه سخن بر سر این است که آیا سیاست گسترش تولید مقاله و تولید علم، در عمل منجر به تربیت انسان خلاق و خلق اندیشه‌های اصیل شده است یا خیر؟ بررسی این پرسش ابعاد گسترده‌ای دارد و در اینجا تنها به یکی از این ابعاد توجه دارم این که این سیاست نظام آموزشی منجر به شکل‌گیری نوعی گفتمان نوشتن شده است و این گفتمان بیش از این که خلاقیت را تقویت کند، «خلاقیت‌کش» شده است. گفتمان نوشتن که اکنون در نظام برنامه‌ریزی آموزشی سیطره یافته است، نوشتن خلاق را تضعیف و موجب تقویت نوشتن مکانیکی و بازاری شده است. اجازه دهید درباره این گفتمان بیشتر صحبت کنیم.

اگر گفتمان را شیوه‌ای خاص از سخن گفتن بدانیم که مجموعه‌ای از ایده‌ها و گزاره‌ها حول یک موضوع را سامان می‌دهد و آن را به «نظام قدرت» پیوند می‌زند، تولید مقاله نوعی «گفتمان نوشتن ۲» است. در برداشت فوکویی، گفتمان نوعی «نظام دانایی» در پیوند با نظام قدرت است. گفتمان‌ها در بستر تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرند و نوعی تصمیم و حادثه ناگهانی نیستند. در عین حال گفتمان‌ها با کلیت جامعه و فرهنگ در پیوند و تعامل هستند. گفتمان‌ها هم وضعیت جامعه را نشان می‌دهند و هم همزمان به شکل گرفتن جامعه و واقعیت‌ها می‌پردازند. اگر از این زاویه نگاه کنیم ما با پرسش‌های زیر درباره گفتمان نوشتن در ایران امروز مواجه هستیم:

- چگونه و چرا در بستر تاریخ دانشگاه معاصر ما، چنین گفتمانی از نوشتن شکل گرفت؟
  - گفتمان نوشتن در کجا و چگونه با نظام قدرت پیوند یا گره خورده است؟
  - نظام دانایی که گفتمان نوشتن را شکل می‌دهد چه ویژگی‌هایی دارد؟
  - دستاوردها و پیامدهای این گفتمان نوشتن معاصر برای توسعه علمی و فرهنگی ایران چه بوده است؟
- برای مواجهه با این گفتمان، نیازمند طرح این پرسش‌ها و مطالعه دقیق آن‌ها هستیم. یکی از ابعاد این موضوع توجه به نوشتن به‌عنوان

پیشبرد هدف‌های خاص مطابق «برنامه پژوهشی»<sup>۱</sup> اش می‌نویسد، بلکه «کارگر ماهری» است که در سیستم تولیدی به نام «سیستم تولید علم» مشغول به کار است و مهارت‌های کاری معینی را می‌داند، به کار می‌بندد و دستمزد می‌گیرد. مهمترین دستاورد کارخانه تولید علم به‌صورت کالایی به نام «مقاله علمی-پژوهشی» تولید و آن هم در قالب مجلات علمی - پژوهشی و متناسب بازار به شیوه‌ای خاص «بسته‌بندی» می‌شود. البته کتاب، رساله و گزارش هم اشکال دیگر بسته‌بندی «کالای علمی» در این بازار است، اما مهم‌ترین شکل بسته‌بندی این کالا، همان مقاله علمی-پژوهشی است.

گفتمان تولید علم نه‌تنها «زبان ویژه‌ای» را خلق کرده، بلکه مؤسسات و نهادهای خاصی را به وجود آورده است. مهمترین نهاد درگیر گفتمان تولید علم، نظام آموزشی ماست. در دو دهه اخیر هم آموزش و پرورش و هم نظام آموزش عالی درگیر این گفتمان شده‌اند. چندین سال هست که در مدارس سراسر کشور برنامه‌های متعدد با نام گسترش روحیه تحقیق و پژوهش اجرا می‌کنند. ایده‌هایی مانند «مدرسه پژوهش محور»، «زنگ پژوهش در مدارس»، «برنامه معلم پژوهنده»، تأسیس «پژوهش‌سرای دانش‌آموزی»، ارائه و گنجاندن «درس مطالعات پژوهشی»، برگزاری برنامه سراسری «مسابقه مقاله‌نویسی» در کلیه مدارس کشور در برنامه درسی دوره دبیرستان و برنامه‌های دیگر اقدامات وزارت آموزش و پرورش برای «پژوهش محور» کردن نظام آموزشی کشور بوده است. در تمام این برنامه‌ها، تلاش سیاست آموزشی کشور این بوده است که دانش‌آموزان و معلمان را با فنون و فرهنگ «مقاله‌نویسی» آشنا و ترغیب کنند.

نظام آموزش عالی نیز مهمترین هدف خود را پژوهش محور کردن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی قرار داده است. برای مثال «کمسیون نشریات آموزش عالی» در سال‌های اخیر به طور فعال به اعطای مجوز به مجلات مشغول شده است. همچنین اصلاح «آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی» یکی دیگر از اقدام‌های نهادی است که آموزش عالی آن را با هدف افزایش تعداد مقالات علمی استفاده کرده است. به‌علاوه دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز ملزم شده‌اند، علاوه بر نوشتن پایان‌نامه و رساله، مقالاتی نیز منتشر کنند تا بتوانند دانش آموخته شوند. همچنین جشنواره‌های متعدد مانند جشنواره فارابی و خوارزمی برای اعطای جایزه به نویسندگان گزارش‌های تحقیقاتی براساس معیارهای استاندارد شده تأسیس شده است. این اقدام‌ها بخشی از کنش‌های غیرکلامی و نهادی برای تقویت و تحقق گفتمان تولید علم است که در سال‌های اخیر انجام شده است.

در کل، نظام آموزشی کشور برای گسترش گفتمان تولید علم از طریق رواج مقاله‌نویسی تمام منابع مادی و انسانی جامعه ایران را بسیج کرده است. محصول این سیاستگذاری این بوده که نوعی «بازار مقاله» شکل داده و موجب تولید انبوه «مقالات بازاری» شده است. ناتوانی سیاست و گفتمان تولید علم و مقاله‌نویسی در ارتقای ظرفیت خلاقه جامعه و هدایت نظام آموزشی و آموزش عالی به‌سوی بهبود وضعیت جامعه، باعث شده است که برای موجه سازی این سیاست تنها به یک جنبه ظاهراً سازنده و توجیه‌گر این سیاست استناد شود. این که میزان یا «تعداد مقالات» تولیدی ایران در سال‌های اخیر در پایگاه‌های استنادی مجلات علمی جهانی نسبت به گذشته و در

راه نوشتن به سراغ ما می‌آیند.» کامرون با بیانی ساده و روشن راه‌های مختلفی که موجب خلق اندیشه از راه نوشتن می‌شود، تشریح می‌کند. به اعتقاد او «ما می‌توانیم همان‌طور از نوشتن استفاده کنیم که فیلم‌ساز از لنزها برای آوردن تمرکز و برای قرار دادن چیزها در چشم‌انداز متفاوت استفاده می‌کند» (ص ۵۷). ممکن است بگویید خانم کامرون درباره نوشتن ادبی صحبت می‌کند، حق باشماست، اما در زمینه علوم انسانی هم این دیدگاه صادق است. «محمدی» در مطالعه‌ای تجربی و دقیق کارکردهای متعدد نوشتن در فرایند تحقیق را شرح داده است و نیازی به بیان مجدد آن در اینجا نیست.<sup>۳</sup> محمدی نشان می‌دهد که نوشتن در تمام فرایند تحقیق نقش مؤلف و سازنده ایده‌ها را ایفا می‌کند و در «به راه انداختن جریان فکر» «تغییر محمل فکر»، «کسب ایده‌های نو»، «خودشناسی»، «تبدیل احساس به فکر»، «عینیت یافتن فکر به هنگام نوشتن»، «ایجاد تنوع در ارائه گزارش تحقیق»، و دیگر ابعاد پژوهش نقش کلیدی دارد. در اینجا نمی‌خواهم این کارکردها را باز کنم. پیش‌تر در مقاله‌ای با عنوان «تأملات مردم نگارانه درباره نوشتن»<sup>۴</sup> برخی از کارکردهای نوشتن در فرایند تحقیق را توضیح داده‌ام. مسئله این است که ما در آموزش و پژوهش دانشگاهی این کارکردهای نوشتن را نمی‌شناسیم و آمادگی برای پذیرش و شناسایی آن‌ها را هم نداریم.

با شکل‌گیری و گسترش پوزیتیویسم یا دقیق‌تر بگوییم «شبه پوزیتیویسم» در نظام دانشگاهی، این‌گونه تصور شد که ما در نظام دانشگاهی و دانش مدرن، نوشتن را صرفاً برای «گزارش کردن» نتایج تحقیقات نیاز داریم. از این منظر، نوشتن در تولید ایده‌ها جایی ندارد. ایده‌ها محصول تحقیقات‌اند و نوشتن در آن سهمی ندارد. ما در فرایند توسعه علم جدید، تلقی خاصی را از روش تحقیق<sup>۵</sup> شکل دادیم و آن را جایگزین نوشتن کردیم یا در مقابل آن قرار دادیم. در حالی که روش اگرچه می‌تواند به ما در فرایند اندیشیدن کمک کند و وجود آن نیز ضروری است، اما نمی‌تواند اهمیت نوشتن را بکاهد یا روش را جایگزین نوشتن کند. اجازه دهید نقل‌قولی از رولان بارت را برایتان بخوانم:

بعضی‌ها با اشتیاق و توقع زائدالوصفی از روش سخن می‌گویند؛ آن‌ها در هر اثری خواهان روش هستند و البته ذائقه‌شان هرگز نمی‌تواند روش‌های بسیار دقیق و بسیار منطقی را تحمل کند. روش، تبدیل به قانون می‌شود، اما چون این قانون بیرون از خویش هیچ نیرو و تأثیری ندارد (هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید در علوم انسانی نتیجه چیست) دلسردی و یأس بی‌پایان به دنبال می‌آورد؛ با تعریف کردن روش به‌منزله فرازبان محض، باد نخوت و غرور همه فرازبان‌ها، گریبانگیرش می‌شود. واقعیت محتمل این است که اثری که بی‌وقفه به روش‌هایش می‌بالد و از روش‌هایش سخن می‌گوید، در نهایت سترون و بی‌ثمر از آب درمی‌آید: همه‌چیز تابع روش شده است و چیزی برای نوشتن باقی نمانده است؛ پژوهشگر پی در پی تأکید می‌کند که متن وی روشمند خواهد بود، اما هرگز نوبت به متن نمی‌رسد. برای قتل یک تحقیق و در انداختن آن به زباله‌دان عظیم پروژه‌های متروکه، راهی

مهم‌ترین راهبرد اندیشه خلاق و رسانه شکل دهنده و انتقال دهنده پیام‌های اندیشگی در نظام فکری امروز جهان است. اما گفتمان تولید علم مسلط امروزی ما برای نوشتن هم «قواعد گفتمانی»<sup>۱</sup> خاص خودش را خلق کرده است. در این گفتمان، نوشتن نوعی «ابزار یا فن» است. نوشتن دانشگاهی دارای نثر خاص و سبک ویژه‌ای است، نثر و سبکی که وابسته به نویسندگی نیست و این‌گونه نوشته‌ها «مؤلف» ندارند، بلکه «مؤلف» دارند. مؤلف کسی است که میان اندیشه‌ها و متن‌های مختلف «روابط بینامتنی»<sup>۲</sup> برقرار می‌کند و از طریق ایجاد آلفت میان مجموعه ایده‌ها، خالق ایده‌ای تازه و بدیع می‌شود. مؤلف در عین حال طبع ویژه خود را دارد و از طریق خلق متن خود را نیز خلق می‌کند و امکان گفت‌وگویی میان خود و دیگران را فراهم می‌سازد. مؤلف، فرد خلاق است که نسبت به موقعیتی که در آن زیست می‌کند، «احساس» و «دید» ویژه‌ای دارد و تلاش می‌کند تا از طریق نوشتن، این احساس و دید را شکل داده و با دیگران در میان بگذارد. مؤلف «باورها» و «ارزش‌ها» ویژه خود را دارد و نسبت به جهان بی‌طرف نیست. مؤلف، کسی است که خود را مسئول می‌داند و می‌خواهد از طریق نوشتن، این احساس مسئولیت را تحقق ببخشد. مؤلف، انسان مسئله‌دار است، کسی که در «گفت‌وگویی عمومی» جامعه‌اش برای شناخت و حل مسئله‌ها شرکت فعال دارد. مؤلف، چیزی را سرهم‌بندی یا تولید نمی‌کند، بلکه می‌آفریند و خلق می‌کند. «فرایند خلق کردن» و «آفریدن متمایز از «فرایند تولید کردن» است. در فرایند خلق کردن، موجودیتی یکتا و تکین از درون نیروی خلاقه، احساس و اندیشه مؤلف می‌جوشد و به بیرون می‌ریزد. در اینجا روش‌ها و فنون در خدمت مؤلف هستند تا او را برای تسهیل و آسان کردن مسیر کمک کنند. اما نقش تعیین‌کننده در فرایند خلاقیت، همان شخصیت و قابلیت‌های مؤلف است. مؤلف سبک بیانی و عبارت‌پردازی خاص خودش را دارد. برای همین او را نویسنده می‌نامیم، یعنی کسی که به «سبک خاصی» می‌نویسد. مؤلف، مخاطب دارد. او در همان لحظه نوشتن به مخاطبانش می‌اندیشد و با آن‌ها گفت‌وگویی درونی دارد.

اما در مقابل مؤلف، مؤلف علم قرار دارد. مؤلف کسی است که در چارچوب قواعد گفتمانی کارخانه، نقش تولیدی خود را ایفا می‌کند. مؤلف باید کالایی تولید که متناسب با ذائقه بازار باشد، زیرا هدف نهایی تولید خدمت در بازار است نه در اجتماع علمی.

### ● نوشتن همچون اندیشیدن

ما در نهاد دانشگاه، نوشتن را از فرایند پژوهش و اندیشیدن تا حدودی حذف کرده‌ایم. در حالی که نوشتن نقش و سهمی مهم در شکل دادن به ایده‌ها و یافتن و ساختن اندیشه‌ها دارد. خانم کامرون در همان کتاب «حق نوشتن» (ص ۵۲) که در ابتدا از آن صحبتی کردم می‌نویسد: «نوشتن پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که «من» فکرش را نکرده بودم. نوشتن دیدگاه متفاوتی به «من» عرضه می‌کند، طرز متفاوت و جالب‌تری از نگریستن به چیزها عرضه می‌کند. ... چیزها از

1) Discursive rules  
2) Intertextual relations

۳) محمدی، بیوک (۱۳۹۵) نوشتن همچون تحقیق. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۸۷. صص ۸۷-۱۰۶.

۴) فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱) تأملات مردم نگارانه درباره نوشتن. در کتاب مردم‌نگاری هنر. تهران: انتشارات فخری کیا.

5) Research method

«تحقق بخشیدن خود.»

«مسئله نوشتن» در دانشگاه ایرانی به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران شروع شد. سال‌های ۱۳۱۳ به بعد اولین مواجهه ما با علم جدید و مدرن به شکل تمامیت یافته آن است. مسئله نوشتن از همین زمان شروع شد. ما از همان ابتدای تأسیس نهاد دانشگاه و حتی نهاد آموزش مدرن یکی از مهمترین وظایف این نهاد یعنی خوانا و نویسا کردن جامعه را جدی نگرفتیم. اجازه دهید به نحو اجمال این داستان را توضیح دهم.

«ارتباط شفاهی»، الگوی همیشگی ارتباط در تمام جوامع بوده است، اما «ارتباط کتبی» علی‌رغم پیشینه دیرین آن تنها در دوره مدرن است که به‌صورت الگوی ارتباط همگانی می‌شود یا باید بشود. این امر، یعنی «نویسا کردن جامعه» یکی از رسالت‌های نظام آموزشی و آموزش عالی جدید است. ابتدا مدارس جدید تشکیل شدند که جامعه را به «جامعه خوانا» و «جامعه نویسا» تبدیل کنند؛ بعد دانشگاه و نظام آموزش عالی است که وظیفه دارد توانایی و قابلیت خوانایی و نویسایی را به قول آگامبن «توانش بالقوه وجودی انسان» به «خواست نوشتن» در افراد و جامعه تبدیل نموده، به‌طوری که جامعه، قابلیت اندیشیدن از طریق نوشتن را پیدا کند. بخشی از فرایند تحول جوامع انسانی در دوره معاصر عبارت است از رسیدن به مرحله‌ای که همگان آمادگی و توانایی خوانایی و نویسایی پیدا کنند و این امر بخشی از فرایند بهبود، اصلاح، آسایش و رفاه جامعه است. خوانایی و نویسایی در جوامع معاصر، «کالای لوکس» نیست، بلکه بخشی از ساختار نهادی جامعه مدرن و «نهاد فرهنگی بنیادین» آن است. باری، نوشتن «نهاد فرهنگی» است. امر نوشتن مانند هر نهاد دیگری به نیازهای ضروری جامعه پاسخ می‌دهد، الگو دار و سازمان یافته، همگانی و جمعی و پذیرفته شده است، چیزی مانند نهاد خانواده، نهاد مالکیت، نهاد دین، نهاد هنر و غیره. نوشتن در جامعه جدید، نهاد فرهنگی جدید است. نوشتن با سیاست و اقتصاد، جامعه و سازمان زندگی ما ارتباط دارد. نوشتن، نهاد فرهنگی است که به نیازهای ضروری جامعه معاصر پاسخ می‌دهد. نوشتن یعنی به‌جای شمشیر از قلم برای جابجایی قدرت و تأمین منافع و پاسخگویی به نیازها فردی و اجتماعی استفاده کنیم. دموکراسی، صلح، رفاه و هم‌زیستی و تحمل دیگری، همه مستلزم خواندن و نوشتن است. از این رو، نوشتن نهاد فرهنگی جامعه مدرن است و نباید آن را صرفاً به‌نوعی تکنیک یا «مهارت فنی» تقلیل داد. جامعه معاصر ایران با جامعه جهانی پیوند خورده و یکی از الزام‌های وجودی این جامعه، گسترش نهاد نوشتن و نهاد خواندن است. نوشتن است که به اندیشه نظم می‌دهد و آن را سیستماتیک می‌کند. نوشتن، بایگانی فرهنگ معاصر مدرن است و انسان معاصر، بودن خودش را از طریق نوشتن و خواندن، «بودن بازاندیشانه» می‌کند و هم به خودش اجازه بازاندیشی می‌دهد و هم به دیگران اجازه می‌دهد که به او کمک کنند. نوشتن، غیرشخصی کردن

بهتر از روش وجود ندارد.<sup>۱</sup>»

آنچه رولان بارت به آن نقد می‌کند، یکی از بنیان‌های شناختی ما از مقوله علم جدید در ایران معاصر و امروزی شده است. این باورداشت موجب شد که ما در نظام آموزش عالی، بهای کافی به نوشتن ندهیم. دانشجویان ما در زمینه روش تحقیق، آموزش‌های متعددی می‌بینند، اما در زمینه نگارش و اهمیت و جایگاه آن در پژوهیدن و اندیشیدن، هیچ نمی‌گوییم. مسئله در اینجا نفی روش و اهمیت آن در تحقیق نیست. اگرچه به اعتقاد برخی، ما با وضعیتی روبرو شده‌ایم که ذهنمان در اسارت روش درآمده است.<sup>۲</sup>

نوشتن خلق معرفت است، چیزی شبیه خلق یک اثر هنری. مسئله نوشتن در نظام دانشگاهی، همین تبدیل شدن نوشتن از «متن هنری» به «کالای تجاری» و صنعتی است. ما نیازمند «تأمل انتقادی» در این زمینه هستیم. زیرا با تبدیل شدن نوشتن به کالا، «نوشته اصیل» کمیاب شده است، علی‌رغم این که حجم انبوهی از «نوشته‌های پژوهشی» هر روز تولید و تکثیر می‌شود.

یکی از دغدغه‌هایم در سال‌های اخیر تلاش برای گسترش دادن توجه به «نوشته اصیل»<sup>۳</sup> و خلّاق بوده است. در نظام دانشگاهی ما «نوشته پژوهشی»<sup>۴</sup> جایگزین نوشته اصیل شده است. نوشته پژوهشی نوعی تکثیر مکانیکی و انبوه است، اما نوشته اصیل، ریشه در خلّاقیت، تجربه و فردیت مؤلف یا محقق دارد. نوشته پژوهشی، «شبه نوشته» است، زیرا ظاهراً شبیه متن اصیل است، اما به‌واقع این‌گونه نیست. در مقاله «تکثیر مکانیکی دانش در عصر تکنولوژی»<sup>۵</sup> ویژگی‌های نوشته‌های پژوهشی و ناصیل را با اقتباس از ایده معروف والتر بنیامین «تکثیر مکانیکی هنر» تشریح کرده‌ام. به اعتقاد بنیامین «تولید مکانیکی آثار هنری» مثل موسیقی، مجسمه‌سازی، نقاشی و .. باعث از بین رفتن اثر «هاله‌ای هنر» می‌شود. اثر هاله‌ای، مزیتی است که به اثر هنری ویژگی «خاص بودگی» می‌دهد و آن را یگانه می‌کند. با تولید و تکثیر صنعتی و انبوه آثار هنری، این اثر هاله‌ای از بین می‌رود. همین اتفاق در زمینه نوشتن در آکادمی‌های ما اتفاق افتاده و کتاب‌ها و مقاله‌ها فاقد اثر هاله‌ای شده‌اند، اثر هاله‌ای آن فضای معنایی است که امکان درک شدن به یک متن را فراهم می‌کند. این جاذبه چیزی است که یک مقاله، یک یادداشت و یک نوشته را از یک «اثر» (به تعبیر رولان بارتی) به «متن» تبدیل می‌کند؛ این هاله چیزی است که باز به «تعبیر رولان بارتی» «لذت متن» را تولید می‌کند و برداشتن این هاله یعنی برداشتن «لذت متن» و برداشتن معنا از متن است. یکی از هنرهای ما در چند سال اخیر این بوده است که متن را بی کیفیت کرده‌ایم و نوشتن را از اعتبار انداخته‌ایم. به همین دلیل دانشجویان ما دیگر «علاقه اصیل» و عمیق به خواندن و نوشتن ندارند. این بی‌علاقگی نه‌تنها باعث تضعیف رشد علم و دانش می‌شود، بلکه زمینه رشد شخصیت و خلّاقیت دانشگاهیان را نیز تضعیف می‌کند. نوشتن راهبردی است برای انسان دانشگاهی برای

۱) به نقل از لی، آلیسون (۱۳۸۸) تحلیل گفتمان و (باز)نگارش فرهنگی. در کتاب فرهنگ و متن: گفتمان و روش‌شناسی پژوهش اجتماعی و مطالعات فرهنگی. ویراسته آلیسون لی و کیت پوینتون؛ ترجمه حسن چاوشیان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. صص ۳۵۱-۳۵۲

۲) خان دیزجی، امیرحسین (۱۳۹۰) اسارت ذهن در چارچوب روش. تهران: جامعه‌شناسان

3) Original writing

4) Original writing

۵) فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳) تکثیر مکانیکی دانش در عصر تکنولوژی: معیارهایی برای برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام آموزش عالی. روزنامه ایران، شماره ۵۶۲۱، صفحه اندیشه، ۱۳۹۳/۶/۲۱.



مشخصاً هویدا باشد. به من در نوشته باید اهمیت بدهیم و این طنز مجامع آکادمیک ماست که یک جا به تو می گویند من نوشته‌ات کم هست و در جایی دیگر - مورد شخصی خودم - می گویند من نوشته‌ات زیاد است. یک دیکتاتور دانشگاهی درست کرده‌ایم، به اسم علم و حاصلش این شده است که من سوژه از نوشته حذف شده است. اصلاً نوشتن برای خلق سوژگی ماست و این چه تراژدی است که با آن روبرو شده‌ایم؟ آشکارا، متن نوشته - ای که فقط و فقط برای اعلام سوژگی نویسنده است، حق ندارد که سوژه خودش را آشکار کند. وقتی مقاله می نویسنند، هیچ کجا ردی از نویسنده نیست و همین می شود یک کالای قابل سرقت. آن چیزی که رولان بارت به آن مرگ مؤلف می گفت. ما به معنای جسمانی اش با مرگ مؤلف روبرو هستیم. متن دیگری نوشتیم به اسم متن‌های مرده، وقتی متنی مرده به دنیا می آید، لازم نیست مؤلف داشته باشد. پس مسئله نوشتن از کجا باید حل شود؟ از آنجایی که اشتباه شروع شده است؛ آنجایی که سوژگی و من فاعلی حذف شد، برای همین است که دانش در ایران نتوانست نقش و ارتباط خودش را برای پویایی جامعه به حد کافی ایفا کند. با وجود حجم عظیمی از نوشته‌ها در حوزه علوم انسانی ما نمی توانیم بفهمیم که این جامعه چگونه است؟ چون من فاعلی از نوشته‌ها حذف شد و من ایرانی در نوشته‌ها وجود ندارد. چون اصلاً این من نوعی حق سخن گویی نداشته است. مای جمع این امکان برایش فراهم نبوده است.

ببینید چه موقع نوشتن می شود اندیشیدن؟ آیا پژوهش می تواند جز نوشتن چیز دیگری باشد؟ پاسخ من این است، خیر. پژوهش تنها زمانی اتفاق می افتد که ما می نویسیم، همین. آن‌هایی که واقعاً می اندیشند حرف‌های من را می - فهمند. روش تحقیق در صورتی می تواند به ما کمک کند که در خدمت نوشتن باشد و نه برعکس یعنی نوشتن در خدمت روش نیست، روش در خدمت نوشتن است و این در مسیر نوشتن است که فهم می شود و پژوهش این است که من خودم را تاریخم را و تجربه‌ام را مبنای پژوهش قرار بدهم. پژوهش وقتی اتفاق می افتد که من به عنوان یک انسان وجود خودم را، نیازهای خودم را، درون خودم را، زندگی خودم را، تاریخ خودم را بخوایم به نوعی به ایده تبدیل کنم و ایده خودم را روایت پذیر کنم. از اشکال مختلف نوشتن مثل گفت‌وگو، فیلم و عکس.. وجود دارد، ولی اصالت با نوشتن است. همه این‌ها وابسته به نوشتن هستند. از توضیح عکس گرفته تا فیلم‌نامه... تحقیق با نوشتن شروع می شود با نوشتن ادامه پیدا می کند و با نوشتن تمام می شود و حتی با نوشتن ترویج می شود. تشویش نوشتن از کجا به وجود می آید؟ از آنجایی که از استاد ما از دانشجوی ما می خواهند که خودش را کنار بگذارد. هیچ نوشته‌ای اصیل نیست، مگر اینکه روایتی از زندگی نویسنده باشد. نوشتن همچون پژوهش معنایش این نیست که ما فقط با متن می اندیشیم، بلکه معنایش این است که ما با قلبمان هم می اندیشیم، به تعبیر هایدگر این دست است که می اندیشد و ما هنوز مهارت‌های پا و دست را در اندیشیدن یاد نگرفته‌ایم و باید یاد بگیریم با اعضای بدنمان بیندیشیم. انسان‌شناسان حوزه احساسات به ما یاد داده‌اند که تفکیکی بین حوزه شناخت و احساس وجود ندارد و این یک توهم بود و نوشتن به مثابه پژوهش از جنس «وجود» از جنس «بودن» و از جنس «جامعه» است. نوشتن به مثابه پژوهش یعنی اینکه نمی خواهیم از طریق کلک مقاله بنویسیم، بلکه می خواهیم خلق و ابراز وجود کنیم

امر شخصی ماست، جمعی کردن امر فردی ماست و یک نوع احترام ساختاری به جامعه است. نوشتن آینه‌ای در برابر ماست، آینه‌ای که هم من و هم دیگری به تماشای هم می پردازیم.

مسائل و مشکلات جامعه ما مانند این که تحمل دیگری را ندارد، اعتیاد، فرسایش سرمایه اجتماعی، افزایش خشونت شهری، فقر و امثال این‌ها تا حدودی ناشی از این است که «نهاد فرهنگی نوشتن» به حد کافی و به نحو مؤثر گسترش پیدا نکرده و خواندن و نوشتن به عنوان الگوی غالب ارتباطی نشده است. استبداد، فاشیسم و آسیب‌های اجتماعی... بخشی از آن، از ننوشتن زاینده می شود، یعنی از جامعه‌ای که خوانا و نویسا نیست.

دانشگاه و مدرسه در ایران معاصر تا همین حالا نتوانسته است جامعه‌ای خوانا و نویسا برای ما بسازد. به همین دلیل ما ۲۱ میلیون نفر بی سواد و کم سواد داریم، ما نمی خواهیم که دانشجویان ما قشری خوانا و نویسا، خلاق و پویا و مؤثر بشوند، بلکه ما می خواهیم از آن‌ها افرادی مثل کارگر بسازیم. آن چیزی که ما از آن‌ها می خواهیم به ما تحویل دهند این است که در مقابل سیستم استثمار بشوند. کمیت به جای کیفیت مهم می شود و حجم مقالات و کتاب‌ها زیاد می شود، ولی آیا این کار در دانشگاه موجب اتفاق و تحولی فرهنگی شده است؟ آیا شوق و اراده دانشگاهی بودن در دانشگاهیان شکل گرفته است؟ آیا با نوشتن به عنوان امری سودمحور نگاه می کنند یا امری وجودی و عاشقانه؟

یکی از هدف‌های دانشگاه و مدرسه در ابتدا برای این بود که به شکل گیری دولت مدرن کمک کند. دانشگاه این کار را از راه‌های مختلف مانند تولید دانش استراتژیک و فنی و تربیت تکنسین، کارشناس و کارمند برای نظام اداری انجام می دهد. در عین حال، تربیت نیروی انسانی برای نظام اداری هدف اصلی دانشگاه نیست، اما در ایران این تربیت تکنسین و کارمند به «ارزش غایی» تبدیل شد. یکی از وظیفه‌های دانشگاه مدرن این بود و هست که از طریق توسعه «الگوی ارتباط نوشتاری»، شیوه اندیشیدن نظام‌مند، تفکر مفهومی و انتزاعی را رشد دهد، ولی نهاد دانشگاه در ایران از همان ابتدا در این مسیر قرار نگرفت.

سواد در فرهنگ تاریخی و سنتی ایرانی، مفهوم جامع و پیچیده‌ای است، با ایدئولوژی، با ارزش‌ها، با تاریخ و با همه چیز انسان ایرانی درآمیخته است. سواد در ایران یک تکنیک نبود، انسان باسواد، انسان با شعور بود و شعور در انسان ایرانی معنایش این بود که انسانی که توانایی خواندن و نوشتن دارد، متین و مؤدب و متواضع است. او حتی مؤمن است و اخلاق دارد... کارل مانهایم می گوید انسان فرهیخته انسانی دگرخواه است. مفهوم مکتب در فرهنگ ایرانی دارای بُعد تاریخی و معنایی است که بُعد معنایی آن به معنایی مثل تفکر مدنی، اخلاقی و دینداری مبتنی است و همه این‌ها از انسان با سواد می آید. این معنای پیشامعاصر سواد در جامعه ما بود و در حال حاضر، مدرسه و دانشگاه معنای فرهنگی را از آن گرفت و آن را تبدیل به یک تکنیک کرد و یک کلک درست کردند که عده‌ای در حال حاضر بازار مقاله نویسی درست کرده‌اند و چشم‌پسته مقاله تولید می کنند. چون دیگر نوشتن تفکر نیست، بلکه یک تکنیک است... باید امضاها را هر شخص در متن نوشته‌اش مشخص باشد. من فاعلی در نوشته - اش هویدا باشد تا من تشخیص بدهم که فلان متن مثلاً نوشته دکتر چاوشیان هست یا یک شخص دیگر. اعتقاد و نظرش

و بقیه اشکال دیگر نوشتن باطل است. مثلاً چرا شاهنامه- حتی اگر آن را نخوانیم- کهنه نمی‌شود؟ چون این متن اصالت دارد. یا چرا ترجمه «سیری در حکمت اروپا»ی فروغی کهنه نمی‌شود؟ و هر چه جلوتر می‌رود مهم‌تر می‌شود. ما باید از نظام آموزشی بخواهیم ما را برای نوشتن آماده کند و اهمیت نوشتن را به ما یادآوری کنند و باید از آن‌ها بخواهیم چون هنوز توجیه نشده‌اند که خواندن و نوشتن یک ارزش غایی و فی‌نفسه آکادمیک است. هنوز استاد و دانشجو توجیه نشده وقتی دانشگاه هستی- به معنای واقعی- بدانی که نوشتن و سخن گفتن هزینه دارد، ولی باز بنویسی و هیچ چیز مانع نشود.

## ابعاد اجتماعی، روانی، و محیطی کرونا ویروس

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه گیلان بنا به دستور وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری اقدام به راه اندازی سه هسته فکری و مشاورتی روانی، اجتماعی و محیطی کرد تا پیامدهای این بیماری را از حیث روانی، اجتماعی و محیطی بررسی کند. بیماری کرونا ویروس از پدیده‌های مهم قرن بیست و یکم در جهان بوده که کشور ما را نیز در اسفندماه ۱۳۹۸ تحت تأثیر قرار داده است و موجب تعطیلی دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه گیلان شد. معاونت فرهنگی دانشگاه گیلان از همان آغاز سه هسته اجتماعی، روانی و محیطی ترتیب داد تا پیامدهای این بیماری از حیث جمعی، فردی و مکانی واکاوی کند. ابعاد اجتماعی، روانی، و محیطی کرونا ویروس توسط مدیران گروه علوم اجتماعی، علوم تربیتی و جغرافیا مورد بررسی قرار گرفته است.



## تحلیل پیامدهای اجتماعی - اقتصادی بیماری کرونا

دکتر محمدامین کنعانی عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان (نماینده هسته اجتماعی-اقتصادی)

هزینه‌های آن به‌ویژه افزایش بیمه‌های بازنشستگی و بیمه‌های عمر خواهد بود. لازم است بررسی‌های دقیق‌تری بر اساس آمارهای مرتبط در این زمینه انجام گیرد.

- کاهش سرمایه اجتماعی دولت در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه در زمینه سلامت و بهداشت در اثر بی‌اعتمادی به آمارهای ارائه شده از طرف دولت در خصوص تعداد مبتلایان و تعداد فوت‌ها، نقصان شدید در نظام سلامت کشور و کمبودهای آن، متجلی شدن ضعف‌های نظام بیمه کشور.

- با توجه به تحولاتی که نهاد خانواده در دو دهه اخیر شاهد بوده و به‌ویژه در زمینه افزایش طلاق، یکی از پیامدهای احتمالی این بیماری بر روی آینده خانواده‌ها افزایش سرسام آور میزان‌های طلاق خواهد بود.

- با توجه به افزایش امید به زندگی و در نتیجه افزایش تعداد سالخوردگان و ضرورت مراقبت از آن‌ها، و با توجه به فرهنگ خانوادگی در زمینه مراقبت از سالمندان توسط فرزندان، وظیفه قشر بزرگسال خانواده که هم مسئولیت تربیت و نگهداری از فرزندان خود و هم وظیفه مراقبت از والدین را دارند، دچار تحمل

بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته مبنی بر تشکیل و فعال‌سازی هسته‌های فکری در قالب شبکه‌های جامعه و دانشگاه یا اتاق فکر؛ هسته اصلی اجتماعی - اقتصادی متشکل از مدیران گروه‌های مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق و جامعه‌شناسی و با حضور استادان این گروه‌ها در هسته‌های فرعی با هدف تحلیل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و ارائه راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی این بیماری فراگیر تشکیل گردید. با توجه به انتظارات تخصصی که از گروه‌های مختلف ذکر شده در بالا وجود دارد و در برای رسیدن به اهداف عالی مبارزه با این بیماری جدید، مهمترین موارد مطرح شده در اولین تماس با اعضا را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد. لازم به یادآوری است که هدف در اینجا صرفاً ارائه گزارش سازمانی نیست، بلکه هر کدام از این موارد نیاز به سرمایه‌گذاری پژوهشی و مطالعات اجتماعی گسترده دارد.

- با توجه به ترکیب سنی و جنسی مبتلایان و فوت‌شدگان این بیماری که عمدتاً بزرگسالان و سالخوردگان بوده‌اند، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که ترکیب سنی و جنسی بیماران در آینده موجب افزایش هزینه‌های درمان در دوران سالمندی و چالش‌های تأمین



بار مضاعفی در این زمینه خواهند بود. در صورتی که توجه ویژه به این افراد صورت نگیرد این افراد دچار زبان‌های مضاعفی خواهند بود (بسیاری از همکاران دانشگاهی خودمان که در سنین میان‌سالی قرار دارند در حال حاضر دچار این وضعیت هستند. این‌ها را در جمعیت‌شناسی نسل ساندویچی می‌گوییم، زیرا به مانند گوشت ساندویچ وظیفه خدمت‌رسانی به دو لایه فرزندان و والدین را دارند).

- از پیامدهای این بیماری آشکار شدن ضعف‌های شدید زیرساختی در زمینه ارتباط مجازی نظام آموزشی با استادان و دانشجویان در هنگام بروز بحران‌های اجتماعی است. زیرا علیرغم گذشت چندین سال از آغاز دوره‌های آموزشی مجازی، دانشگاه‌ها هنوز قادر به ارائه راهکاری برای راه‌اندازی آموزش مجازی در دوره بحران نشده‌اند.

- علیرغم چندین دهه سرمایه‌گذاری جهت تقویت ایمان دینی جامعه، نحوه برخورد‌های اولیه نهاد‌های دینی و برخی از دینداران و معتقدین به تأثیر اعتقادات دینی بر روی شفای بیماران، تقویت حرکت‌های اجتماعی سکولاریستی و حتی لائیک از مهمترین پیامدهای احتمالی جهان پس از کرونا خواهد بود.

- از پیامدهای این بیماری آشکار شدن ضعف‌های شدید زیرساختی در زمینه ارتباط مجازی نظام آموزشی با استادان و دانشجویان در هنگام بروز بحران‌های اجتماعی است. زیرا علیرغم گذشت چندین سال از آغاز دوره‌های آموزشی مجازی، دانشگاه‌ها هنوز قادر به ارائه راهکاری برای راه‌اندازی آموزش مجازی در دوره بحران نشده‌اند.

- علیرغم چندین دهه سرمایه‌گذاری جهت تقویت ایمان دینی جامعه، نحوه برخورد‌های اولیه نهاد‌های دینی و برخی از دینداران و معتقدین به تأثیر اعتقادات دینی بر روی شفای بیماران، تقویت حرکت‌های اجتماعی سکولاریستی و حتی لائیک از مهمترین پیامدهای احتمالی جهان پس از کرونا خواهد بود.

- تغییر ارتباط مردم با محیط اجتماعی و زیستی و توجه عمیق‌تر به این ارتباط از طرف مردم و بهره‌برداری بهتر از محیط اجتماعی و افزایش حساسیت مردم در ارتباط با محیط اجتماعی و زیستی ضروری است. به عنوان مثال، توجه بیشتر مردم به بهره‌برداری مناسب از امکانات و خدمات ورزشی و ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر در فضاها و امکانات ورزشی و تفریحی.

- تغییر در سبک زندگی و سردرگمی بیشتر مردم در زمینه سبک زندگی سالم. این پدیده احتمالاً دو جنبه مختلف خواهد داشت: با توجه به تأثیر مرگبار ویروس کرونا بر روی سیستم تنفسی، احتمالاً مصرف دخانیات به‌ویژه در بین افراد بزرگسال و سالخورده و حتی جوانان کاهش اساسی پیدا خواهد کرد، ولی از طرف دیگر مصرف مشروبات الکلی افزایش خواهد داشت. با توجه به ممنوعیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، جامعه دچار چالش‌های اساسی با این مقوله از سبک زندگی خواهد شد.

- بسیاری از پیامدهای احتمالی شیوع کرونا ویروس نه ناشی از خود این بیماری و نحوه برخورد مردم، بلکه ناشی از یک فرایند تاریخی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی به طور کل دو یا سه دهه اخیر و به‌ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی است. جهت درک بهتر پیامدهای احتمالی کرونا ویروس در آینده لازم است با نگاهی تاریخی-انتقادی به برنامه‌های سیاستی اجرا شده در دهه‌های گذشته پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گیرد.

- آشکار شدن فقدان مقررات متناسب با شرایط اضطراری ملی در موضوعات بهداشتی در سامانه حقوقی کشور علیرغم وجود اصل قانون اساسی. یکی از چالش‌هایی که با توجه به شیوع ویروس مورد انتظار افکار عمومی بود و در بسیاری از کشورها بلافاصله مورد استفاده قرار گرفت، اجرای ترتیبات و مقررات خاص شرایط اضطراری بهداشتی همراه با ضمانت اجراهای قانونی بود. با وجود تورم قوانین در کشور، به نظر می‌رسد سامانه حقوقی کشور فاقد مقررات متناسب با شرایط اضطراری ملی در موضوعات بهداشتی است.

بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته مبنی بر تشکیل و فعال‌سازی هسته‌های فکری در قالب شبکه‌های جامعه و دانشگاه یا اتاق فکر؛ هسته اصلی اجتماعی-اقتصادی متشکل از مدیران گروه‌های مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق و جامعه‌شناسی و با حضور استادان این گروه‌ها در هسته‌های فرعی با هدف تحلیل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و ارائه راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی این بیماری فراگیر تشکیل گردید. با توجه به انتظارات تخصصی که از گروه‌های مختلف ذکر شده در بالا وجود دارد و در برای رسیدن به اهداف عالی مبارزه با این بیماری جدید، مهمترین موارد مطرح شده در اولین تماس با اعضا را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد. لازم به یادآوری است که هدف در اینجا صرفاً ارائه گزارش سازمانی نیست، بلکه هر کدام از این موارد نیاز به سرمایه‌گذاری پژوهشی و مطالعات اجتماعی گسترده دارد.

- با توجه به ترکیب سنی و جنسی مبتلایان و فوت‌شدگان این بیماری که عمدتاً بزرگسالان و سالخورده‌اند، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که ترکیب سنی و جنسی بیماران در آینده موجب افزایش هزینه‌های درمان در دوران سالمندی و چالش‌های تأمین هزینه‌های آن به‌ویژه افزایش بیمه‌های بازنشستگی و بیمه‌های عمر خواهد بود. لازم است بررسی‌های دقیق‌تری بر اساس آمارهای مرتبط در این زمینه انجام گیرد.

- کاهش سرمایه اجتماعی دولت در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه در زمینه سلامت و بهداشت در اثر بی‌اعتمادی به آمارهای ارائه شده از طرف دولت در خصوص تعداد مبتلایان و تعداد فوت‌ها، نقصان شدید در نظام سلامت کشور و کمبودهای آن، متجلی شدن ضعف‌های نظام بیمه کشور.

- با توجه به تحولاتی که نهاد خانواده در دو دهه اخیر شاهد بوده و به‌ویژه در زمینه افزایش طلاق، یکی از پیامدهای احتمالی این بیماری بر روی آینده خانواده‌ها افزایش سرسام‌آور میزان‌های طلاق خواهد بود.

- با توجه به افزایش امید به زندگی و در نتیجه افزایش تعداد سالخوردگان و ضرورت مراقبت از آن‌ها، و با توجه به فرهنگ خانوادگی در زمینه مراقبت از سالمندان توسط فرزندان، وظیفه قشر بزرگسال خانواده که هم مسئولیت تربیت و نگهداری از فرزندان خود و هم وظیفه مراقبت از والدین را دارند، دچار تحمل بار مضاعفی در این زمینه خواهند بود. در صورتی که توجه ویژه به این افراد صورت نگیرد این افراد دچار زبان‌های مضاعفی خواهند بود (بسیاری از همکاران دانشگاهی خودمان که در سنین میان‌سالی قرار دارند در حال حاضر دچار این وضعیت هستند. این‌ها را در جمعیت‌شناسی نسل ساندویچی می‌گوییم، زیرا به مانند گوشت ساندویچ وظیفه خدمت‌رسانی به دو لایه فرزندان و والدین را دارند).



## تحلیل برنامه محافظت روانی در برابر کرونا

دکتر حسن بلند عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه گیلان (نماینده هسته روانشناختی)

بیماری کووید ۱۹ در بسیاری از کشورهای جهان به یک بحران ملی و در سطح بین‌المللی به یک مسئله جهانی تبدیل شده است. اگر چه به نظر می‌رسد که این بیماری در وهله نخست یک مشکل پزشکی باشد، ولی جنبه‌های روان‌شناختی آن نیز از اهمیت برابری (اگر نگوئیم بیشتری) برخوردار است. نکات زیر در مدیریت روان‌شناختی این بلیه جهانگیر سودمند خواهد بود.

● ۱- مهم‌ترین راهبرد برای مواجهه با بحران‌های فراگیر، «نترسیدن و در همان حال جدی گرفتن» است. اگر چه معمولاً نترسیدن و جدی گرفتن به نوعی با هم متناقض هستند، اما راهبرد خردمندانه در همه بحران‌های شخصی و خانوادگی و اجتماعی، تجمیع این دو ویژگی متضاد است. توصیه‌های معتبر را با جدیت اجرا کنید، اما نترسید و دیگران را هم نترسانید. دقت کنید که در حال حاضر -و در نهایت- مهم‌ترین سپر دفاعی ما در برابر کرونا «سیستم ایمنی» ماست و ترس مداوم سیستم ایمنی را تضعیف می‌کند.

● ۲- احتمالاً خواهید گفت که ترس در اختیار من نیست و من نمی‌توانم نترسم. اگر چه بخشی از ترس ما طبیعی است، ولی خواهید دید که با مدیریت محیط بیرون و درون، که این نوشتار کوشش می‌کند مبانی آن را منتقل کند، تا حد زیادی می‌توانیم ترس خود را کنترل کنیم. نکته ۱ تکرار می‌شود: گمان نکنید برای مقابله کارآمدتر با کرونا باید بیشتر ترسید؛ خصوصاً در مورد دیگران (اعضای خانواده، بستگان، دوستان و...) این اعتقاد غلط را کنار بگذارید. تحقیقات روان‌شناسان نشان داده است که کمی ترس برای اقدامات پیشگیرانه مفید است، اما ترس بیشتر، نتایج معکوس دارد.

● ۳- از آلودگی اطلاعاتی پرهیز کنید. فقط از منابع معتبر و رسمی اطلاع کسب کنید و اطلاعات نامعتبر یا مشکوک یا ناشناس را دریافت نکنید و از دیگران هم مجدانه بخواهید برای شما نفرستند و خودتان نیز برای دیگران ارسال نکنید. شاید متوجه نباشید، اما اطلاعات ترسناک بدون آنکه شما مطلع باشید، روحیه شما را تضعیف می‌کند. انسان در پی اطلاعات درست است تا قدرت کنترل خود را افزایش دهد؛ درستی اطلاعات مشکوک معلوم نیست (و چنانکه تاکنون متوجه شده‌اید، معمولاً نادرست است) و افزایش ترس، توانایی کنترل شما را کاهش می‌دهد.

● ۴- در مواقع بحران، یک رژیم اطلاعاتی سودمند بگیرید

(الف) تنها در جست‌وجوی اطلاعات از منابع رسمی و معتبر باشید.

(ب) اطلاعاتی را جستجو کنید که روش مفیدتری را برای پیشگیری معرفی کنند، نه اینکه فقط شما را بترسانند. (اگر چیزی را خواندید یا شنیدید یا دیدید که فقط ترس شما را اضافه کرد ولی بر دانش یا مهارت پیشگیرانه/درمانی شما چیزی نیفزود، مطمئن باشید دریافت و مصرف آن اطلاعات اشتباه بوده است، حداقل آن را برای دیگران نفرستید).

(ج) اطلاعات امیدبخش و مثبت را دریافت کنید و برای دیگران بفرستید (اگر چیزی را خواندید یا شنیدید یا دیدید که فقط امید و خوش‌بینی

شما را اضافه کرد، ولی بر دانش یا مهارت پیشگیرانه/درمانی شما چیزی نیفزود، مطمئن باشید دریافت و مصرف آن اطلاعات درست بوده است، حتماً آن را برای دیگران بفرستید). با اندکی دقت و تمرین تقریباً به راحتی خواهید توانست اطلاعات آلوده را پیش از مصرف، شناسایی کنید؛ هر کجا شک کردید، بهتر آن است که آن اطلاعات را آلوده فرض کنید و از دریافت و مصرف و ارسال آن خودداری نمایید.

● ۵- بر زمان حال تکیه کنید؛ از حواستان بیشتر استفاده کنید: از روی زمان سنج گوشی همراهمان، هر روز ده تا پانزده دقیقه ببینید، بشنوید، لمس کنید، ببویید و بچشید. مثلاً الآن چه صداهایی را می شنوید؟ از چه جهت‌هایی؟ تلاش کنید تا صداهایی را که به سختی می شنوید، شناسایی کنید؛ به دور و بر خود نگاه کنید: چند شیء با رنگ قرمز می بینید؟ تفاوت هر قرمز را با قرمز دیگر ببینید؛ و... روی فکرتان نظارت کنید: فقط کافیست هر وقت فکرتان به سمت امور نگران کننده منحرف شد، آن را دوباره روی حس در حال تجربه بگردانید یا حس را عوض کنید. (مثلاً از بینایی به شنوایی). این تکنیک نیاز به کمی تمرین دارد؛ شکلیا باشید. در مواقع هجوم ترس و اضطراب این روش را به کار بگیرید.

● ۶- بر زمان حال تکیه کنید؛ دقت کنید که ترس اصولاً به آینده تعلق می گیرد و فکر و خیال راهی است که از طریق آن آینده و ترس وارد روان ما می شود. نگذارید چرخه افکار پایان ناپذیر شما را در چنبر خود بگیرد: تا متوجه شروع نشخوار ذهنی شدید، موقعیت خود را عوض کنید: با کسی حرف بزنید (در مورد چیزی غیر از نشخوارهای ذهنی)، راه بروید، دوش بگیرید و... چرخه نشخوار ذهنی را بشکنید. برای آینده برنامه ریزی کنید (اگر ضروری است) اما در آینده زندگی نکنید: به صورت واقع بینانه ای حل مسئله کنید، خیال پردازی نکنید. حتماً ساعاتی از روز را از فکر کردن به آینده عمداً بپرهیزید: الف) ذهن خود را نظارت کنید، ب) هر وقت متوجه شدید که وارد آینده شدید، از همان جا بازگردید و به فعلیتی در زمان حال مشغول شوید ج) این آینده روی‌ها را به صورتی (مانند نوشتن یا علامت گذاری) شمارش کنید.

● ۷- ارتباط برقرار کنید؛ برقراری و حفظ ارتباط شرط مهمی برای سلامت روان و افزایش سیستم ایمنی است. در شرایط «ماندن در خانه» جوری برنامه ریزی کنید که همه افراد خانواده به حد مطلوب و نشاط‌آوری با هم ارتباط داشته باشند: دقت کنید که با همه اعضا صحبت کنید، از بازی‌های خانگی به صورت روزانه برای افزایش تعامل استفاده کنید، با هم فیلم ببینید و تحلیل کنید و... کسی را (مخصوصاً نوجوانان) را مجبور به برقراری ارتباط نکنید، راهی برای این مسئله پیدا کنید: مثلاً از آن‌ها بخواهید تا نرم‌افزاری را برای شما پیدا کنند، نظرشان را در مورد فیلم‌ها بپرسید و... به حریم خصوصی اعضای خانواده احترام بگذارید.

● ۸- ارتباط برقرار کنید؛ برنامه منظمی برای ارتباط مجازی با اعضای فامیل یا دوستان فراهم کنید؛ از شبکه‌های مجازی به صورت جمعی استفاده کنید؛ با استفاده از نرم‌افزارهایی که امکان چندین ارتباط هم‌زمان را برقرار می‌کنند (مانند اسکایپ) با اعضای خانواده یا فامیل مرتبط شوید. فهرستی از خویشاوندان و دوستان تهیه کنید و با آن‌ها تلفنی صحبت کنید؛ هر یک از اعضای خانواده می‌توانند فهرست اختصاصی خود را داشته باشند. اگر در شرایط «ماندن در خانه» قرار دارید و تنها هستید، حتماً روزانه، و ترجیحاً هر روز چند بار با اعضای خانواده، خویشان، دوستان و آشنایان تماس بگیرید و صحبت کنید.

● ۹- احساس کارآمدی خود را تقویت کنید. مواظب باشید که عدم برنامه‌ریزی و اتلاف وقت می‌تواند به احساس سردرگمی و پوچی و حس عدم کنترل دامن بزند. هر روز «کار مفید» انجام دهید: کاری که نیاز به تمرکز و زحمت دارد و نتیجه ملموسی به بار می‌آورد. مانند یادگیری زبان، دوره کردن دروس، تعمیر وسایل خانه و... ورزش کردن هم در این مقوله جای می‌گیرد. مواظب باشید افراط و تفریط نکنید. برای اعضای خانواده، نیز، با مشورت و نظر خودشان، برنامه افزایش احساس کارآمدی تدوین کنید ولی اجبار نکنید.

● ۱۰- ارتباط با خدا و امور معنوی (مانند نماز و مراقبه) را جدی بگیرید. نمازها را با تعقیبات بخوانید و دعای روزانه را با توجه به معانی آن‌ها بخوانید. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که هر چه احساس مشارکت شما در یک اقدام معنوی (نماز، دعا، مراقبه، آیین‌های مذهبی و...) عمیق‌تر و طولانی‌تر باشد، احساس معناداری و آرامش بیشتر و به تبع آن سیستم ایمنی قوی‌تری خواهید داشت. روزانه برای تندرستی و آرامش و عافیت برگزیده‌ای از نزدیکان و خویشان و دوستان، با ذکر نام و اولویت و نیز برای همه انسان‌ها دعا کنید. تلاش کنید تا کسانی را که از آن‌ها کدورتی دارید، ببخشید و برایشان دعا کنید. آیین‌های مذهبی را هم فردی و هم با مشارکت داوطلبانه اعضای خانواده اجرا کنید.

## خلاصه:

- ۱- تا می‌توانید اقدامات پیشگیرانه را جدی بگیرید و تا می‌توانید نترسید.
- ۲- از دریافت و مصرف و ارسال اطلاعات آلوده خودداری کنید.
- ۳- با تکیه بر حواس و خودداری برنامه‌ریزی شده از آینده گردی و فکر و خیال، در حال بمانید.
- ۴- با اعضای خانواده و خویشان و دوستان به صورت مجازی، ارتباط منظم برقرار و آن را حفظ کنید.
- ۵- از احساس کارآمدی خود و اعضای خانواده از طریق انجام دادن روزانه «کارهای مفید» به صورت برنامه‌ریزی شده و برنامه‌ریزی نشده، مراقبت کنید.
- ۶- ارتباطات را با خدا و امور معنوی، بیشتر و عمیق‌تر کنید.



## تحلیل برنامه محیطی در برابر کرونا

دکتر مجید یاسوری عضو هیأت علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان (نماینده هسته برنامه محیطی)

اهمیت یافتند. به خصوص وقتی کودکان از فضای خانه خسته می‌شوند و فقط قدم زدن در هوای آزاد را از والدینشان طلب می‌کنند. یا وقتی سالخوردگان برای یک بازی شطرنج با رفقاییشان در فضای پارک به سختی دل‌تنگ می‌شوند. در این مدت رسیدگی به گل و گیاه‌خانه‌ها اندکی همپیوندی با طبیعت را برای آدمی حفظ می‌کند. چه‌بسا این دوره که در خانه مانده‌ایم، باعث شود بیشتر بیندیشیم و در آینده نسبت به طبیعت و حفظ محیط‌زیست حساس‌تر باشیم. آنچه گفته شد تنها وجه مثبت زیست‌محیطی این بیماری بود. روی دیگر آن آثار زیانباری است که به دلیل شرایط کووید ۱۹ بر محیط زیست وارد شده است. مثل ماسک‌ها و دستکش‌های رها شده در محیط، افزایش حجم زباله‌های غیرقابل بازیافت، افزایش شدید استفاده از شوینده‌ها و آلوده‌شده فاضلاب‌های خانگی و در نهایت رها شدن در طبیعت، کاهش نظارت بر اکوسیستم‌های طبیعی و مناطق حفاظت‌شده، استفاده بیش از حد از آب، افزایش حجم استفاده از ظروف یک‌بار مصرف به دلیل استفاده از شیوه‌تحویل غذا در خانه، استفاده بیش از حد از کیسه‌های پلاستیکی و... امروز بیش از هر زمانی جهان باور کرده است که «یک زمین، بیشتر نداریم» و لازم است همه برای حفاظت از آن تلاش کنیم. امروزه بیش از هر زمان دیگر معتقد هستیم که سرنوشت انسان‌ها بر روی کره زمین فارغ از اینکه در کدام کشور زندگی می‌کنند، به یکدیگر وابسته است. ادامه روند گسترش این ویروس پیامدهای ناگوار زیادی را به دنبال دارد:

-اتحاد کشورها زیر سؤال می‌رود.  
-کشورها بیشتر از قبل به کنترل مرزها می‌پردازند و مرزهای خود را مشخص و روشن می‌کنند و موضع مدیریت بحران و نقش رهبری

در پایان سال ۲۰۱۹ ویروس کرونا در سطح جهان از ووهان چین شروع و در کمتر از چند ماه در سراسر جهان گسترش یافت. در مارس ۲۰۲۰ سازمان بهداشت جهانی این ویروس را به عنوان یک بیماری همه‌گیر جهانی معرفی کرد. این ویروس یک فاجعه جهانی است و مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی زیادی در ابعاد مختلف و وسیع در بر داشته و برای کشورهایی که زیر ساخت مناسبی ندارند، خطر بزرگی را ایجاد کرده است. شروع بیماری نوپدید کوید ۱۹ نشان داد که مشکلات در سطح ملی و منطقه‌ای در حال رشد و در ابعاد جهانی هم پیشروی کرده است. این مسئله نشان داد زیرساخت کشورها و همکاری آن‌ها برای حل مشکلات بسیار کم و ناکافی بوده و حتی تهدیدی برای کل جهان محسوب می‌گردد. به طوری که می‌توان آن را تهدیدی برای کل سطح جهان دانست. اما با یک الگوی مدیریتی صحیح در سطح وسیع شاید بتوان بر این مشکل غلبه کرده و اثرات آن را کاهش داد، در غیر این صورت جهان در رنج این مشکل باقی خواهد ماند.

کووید ۱۹، رابطه انسان با محیط را تغییر داد. این روزها بسیاری از شهرها، هوای پاک‌تر و آلودگی کمتری دارند. قله کوه‌هایی که شاید هیچ‌گاه دیده نمی‌شد، حالا می‌توان حتی از پنجره خانه‌ها دید. پرندگان با آسودگی بیشتری در زیستگاه‌شان زندگی می‌کنند، و خبری از اجتماعات بزرگ انسانی در سواحل دریا نیست. ترافیک درون‌شهری و جاده‌ای کم شده است. شهرها آرام‌تر و سروصدای آزاردهنده در آن‌ها کاهش یافته است. در مدت همه‌گیری ویروس، سکوت شهرها آن قدر زیاد بوده که گاهی حیوانات از محل زیست طبیعی‌شان فاصله گرفته و سری به شهرها زده‌اند. در مدت نسبتاً طولانی ماندن در خانه، بیش از گذشته فضاهای سبز همچون پارک‌ها

موقت و نگهداری بر اکوسیستم‌های طبیعی، توقف گردشگری به مناطق طبیعی و... اشاره کرد.

به عنوان مثال می‌توان به اکوسیستم‌های طبیعی با گونه‌های جانوری و گیاهی حساس و متنوع اشاره کرد که در طول بحران‌های نوپدید در معرض خطر هستند و این مناطق در طول این دوران بدون نظارت رها شده و منجر به جنگل‌زدایی غیرقانونی، ماهیگیری و شکار حیوانات وحشی و... می‌گردد.

از طرف دیگر توقف فعالیت اکوتوریسم در مناطق باعث می‌شود، اکوسیستم‌های طبیعی در معرض برداشت و تجاوز غیرقانونی قرار گیرند، زیرا فعالیت گردشگری غالباً در بسیاری از مناطق پایه اصلی اقتصاد آن‌ها است و افزایش بیکاری ناشی از بحران‌های نوپدید ممکن است بسیاری از خانواده‌ها را به سمت برداشت منابع از اکوسیستم‌های شکننده ناپایدار هدایت کند و این مسئله برای معیشت و بقای زندگی ساکنین در طول این دوران صورت می‌گیرد. بسیاری از چالش‌های زیست محیطی ناشی از این دوران، به محض پایان و رسیدن به سطح قبلی فعالیت اقتصادی، به تدریج حل خواهد شد.

در نهایت بحران‌های نوپدید (ویروس کوید ۱۹) باعث گردید تا به مسائل زیر نگاه ویژه‌ای پیدا کنیم:

- بتوانیم مکانیزم پایداری محیط‌زیست را درک کنیم.
- الگوهای مصرف اجتماعی و تبعات محیطی آن را بهتر بشناسیم.
- به چگونگی کاهش تخریب محیط‌زیست در دوران بحران و پس از آن بیندیشیم.
- مدل‌ها و الگوهای تجاری و معیشت پایدار را بررسی و تبیین کرده تا در طول دوران بحران و بعد از آن با مشکلات کمتری روبرو شویم.
- باید تاب‌آوری محیطی و اجتماعی بحران‌های نوپدید را بهبود ببخشیم.
- زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و محیطی لازم را برای پایداری محیطی فراهم نماییم.

بحران‌ها را بر عهده می‌گیرند و حوزه‌های نفوذ خود را مشخص می‌کنند.

- چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاران پیشرو در سطح بین‌المللی برای مقابله با بحران‌های نوپدید مانند کوید ۱۹ بیشتر خواهد شد - موانع ژئوپلیتیکی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... که نیاز به یک حاکمیت و مدیریت جهانی دارد را مشخص تر و نیاز به همکاری همه‌جانبه را نمایان می‌سازد

- آسیب‌پذیری‌های امنیتی و ناامنی در حکمرانی، در سطح جهانی قابل لمس خواهد بود و...

- آسیب‌های محیطی به صورت فزاینده‌ای افزایش خواهد یافت. بیشترین تأثیر منفی شیوع این بیماری نوپدید (کوید ۱۹) که از قبل شروع شد و در حال حاضر پیامدهای مخربی را بر اقتصاد و سیاست بین‌المللی دارد، قیمت نفت بود که در دو دهه گذشته به پایین‌ترین سطح خود رسید و کشورهای صادرکننده را که منبع اصلی درآمد آن‌ها از نفت بود، کاهش داد و به سطح ناپایداری رسید. این کشورها ممکن است با یک دوره اقتصادی دشوار و نامشخص رو به رو شوند. تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی که با سوخت فسیلی استفاده می‌کردند، گازهای و آلاینده‌های کمتری روانه جو زمین شد. به عبارتی با توجه به تحولات اقتصادی که باعث شده است تولید جهانی، میزان مصرف و اشتغال به طرز چشمگیر کاهش یابد و شوک‌های اقتصادی را به همراه داشته باشد، اما این مسئله با کاهش قابل توجه آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای همراه بوده است.

با دستورالعمل کلی ماندن در خانه و تعطیلی مدارس، کاهش فعالیت دفاتر و کارخانه‌ها، حداقل ترافیک جاده‌ای و خطوط هوایی پروازها که از ۶۰ تا ۹۰ درصد کاهش یافت، نتایج بسیار خوبی را در بر داشت و مهم‌ترین نتیجه آن منجر به کاهش و افت گازهای گلخانه‌ای (دی‌اکسید کربن، ازن و...) گردید. بنابراین سطح کیفیت هوا در شهرهای بزرگ جهان در ماه‌های اخیر به طرز چشمگیری بهبود یافت. لذا این مسئله باید موجب ترغیب جامعه جهانی شود تا بتواند در درازمدت باعث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای شده و این مسئله می‌تواند به طور قابل توجهی موجب کاهش قریب‌الوقوع تغییرات اقلیمی گردد.

تا زمانی که بحران این ویروس نوپدید (کرونا) فعالیت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد، انتشار گازهای گلخانه‌ای نیز نسبتاً کاهش خواهد یافت، اما با این حال به نظر می‌رسد این زمان، کوتاه باشد و در نتیجه یک بهبود نیمه پایداری در محیط زیست ایجاد می‌کند، اما احتمالاً در صورت برطرف شدن بحران کرونا و ادامه فعالیت اقتصادی و... با افزایش سطح بحران آن روبرو خواهیم بود.

با این بحران نوپدید می‌توان یک الگوی مدیریتی ترسیم کرد و در این الگوهای مدیریتی بسته‌های نجات و قوانینی را برای شرکت‌های حمل و نقل و تولیدکنندگان صنعتی در نظر گرفت که در آینده فعالیت‌های آن‌ها کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای و آلودگی‌های زیست‌محیطی کمتری را به دنبال داشته باشد. چنین الگوهای مدیریتی می‌تواند به جلوگیری از بالا رفتن سطح انتشار آلاینده‌ها به سطح پیش از بحران کمک نماید.

بحران‌های نوپدید دارای پیامدهای زیست‌محیطی نیز هستند که می‌توان به افزایش حجم زباله‌های غیرقابل بازیافت، مشکلات پسماندهای محلی، تولید مقادیر زیادی زباله‌های آلی، عدم نظارت





## نقد کتاب

کتاب راهبردهای ائمه (ع) در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی به قلم دکتر سید علی‌رضا واسعی نگارش و توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است. این کتاب در پنج فصل تدوین شده است. در این کتاب ناهنجاری‌های اجتماعی از نگاه رهبران یا امامان شیعی که در فرهنگ دینی به گناه موسوم است، مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب مزبور با استفاده از روش اسنادی و رویکرد کنش متقابل نمادین مواجهه و راهبردهای امامان شیعی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. موضوعات و محورهای اساسی کتاب مزبور عبارتند از: زمانه شناسی؛ نگاهی به عهد ائمه، آسیب‌شناسی؛ ناهنجاری‌های عهد ائمه، جایگاه و کارکرد امام در اندیشه اسلامی شیعی، واکنش ائمه در برابری ناهنجاری‌ها و بازدارنده‌های امامان در تربیت جامعه.

## نقد کتاب: راهبردهای ائمه (ع) در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی

### تدوین: دکتر سید علیرضا واسعی

#### ناقد اول: دکتر علی کریمیان، عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه گیلان

ضمن تشکر از استاد فاضل جناب آقای سید علیرضا واسعی، مجموع نقد و بررسی حقیر در خصوص کتاب ایشان در دو بخش به‌طور خلاصه تقدیم می‌شود:

#### بخش نخست: محاسن اثر

اثر مذکور با عنوانی بسیار بدیع، از زمان‌شناسی بالایی برخوردار است و در زمانی که بحران‌های اجتماعی شتاب قابل‌توجهی یافته و بسیار مدرن و پیچیده شده است، اهتمام به خلق چنین آثاری ضرورت چندان می‌یابد. همچنین اثر دارای تبویب قابل ملاحظه و متنوعی است و از قلم روان و قابل درکی برخوردار می‌باشد. کثرت منابع و نیز نمایه‌های پایان کتاب، بر علمیت بیشتر کتاب می‌تواند بیفزاید. و...

#### بخش دوم: پیشنهادها

- از نظر پژوهشی مهم است که بخش قابل‌توجهی از کتاب، در خدمت عنوان باشد. با توجه به اینکه اساسی‌ترین مسئله کتاب، یافتن راهبردهای ائمه علیهم‌السلام است، اما به این مهم فقط در ۲۰ صفحه از ۳۵۰ صفحه کتاب (از صفحه ۱۸۲ الی ۲۰۲) پرداخته شده و گویی توجه به حاشیه، فائق بر اصل داستان شده است.
  - شاید مشکل اساسی این کتاب این است که در همین حدود ۲۰ صفحه نیز هیچ اثری از راهبرد مشخص و معلوم دیده نمی‌شود و گویی با اسمی بی‌مسمی مواجه هستیم.
  - مشکل اساسی دیگر این است که گویی نویسنده محترم از اشراف علمی کافی بر تفاوت میان رفتار، راهبرد، راهکار، اصل و مبنا برخوردار نبوده یا توجه نداشته و این سبب شده بارها میان برخی از این واژه‌ها خلط و سردرگم شود. حال آنکه تردیدی نیست راهکار با راهبرد متفاوت است، چه اینکه اصل با مبنا نیز تفاوت بنیادین دارد و به‌کارگیری هر یک جای دیگری برانداخته هیچ اثر فاخری نیست.
  - نویسنده مدعی است کتاب خود را بر اساس روش پژوهشی «کنش متقابل نمادین» به نگارش درآورده است و تلاش دارد اثبات کند اهل بیت - علیهم‌السلام - به این روش توانسته‌اند راهبردهایی را ارائه دهند.
- ضمن ابهام این مدعا، لازم بود تا نویسنده در جای‌جای این نوشتار نشان دهد که رفتارهای متأثر از گفتار اهل بیت - علیهم‌السلام - چگونه جامعه را منفعل کرده و موجب شده تا دست از انحرافات خود بکشند. اما این شرایط میان گفتار و رفتار (کنش) در هیچ جای اثر دیده نمی‌شود.



۵. مشکل جدی‌تر این است اساساً این مطلب نادرست است که به روش «کنش متقابل نمادین» گفتار اهل بیت را تحلیل کنیم و سخن از موفقیت ایشان به میان آوریم.

توضیح اینکه بر اساس این روش یا نظریه، یک گفتار یا جمله یا گزاره وقتی معنادار و معرفت‌بخش و واقع‌نما است که بتواند در نهایت منجر به کنش (یا رفتار) مطابق با گفتار را در شنونده ایجاد کند و اگر گزاره یا گفتاری در مخاطب ایجاد رفتار یا کنش متناسب نکند و منجر به رفتار متقابل نشود، آن جمله و گفتار نه تنها معنادار نیست، بلکه واقع‌نما و معرفت‌بخش نیز نخواهد بود. در واقع این روش را به نوعی می‌توان پراگماتیسمی دانست.

وقتی تاریخ صدر اسلام را مطالعه کرده و از نظر اثربخشی اجتماعی مورد تأمل قرار می‌دهیم، با یک واقعیت تلخ روبرو خواهیم بود و آن اینکه چه در عصر نبوی - صلی الله علیه و آله - و چه در عصر ائمه - علیهم السلام - همه انسان‌ها در نفاق یا انحراف غرق بودند، مگر تعداد اندکی. روایات تاریخی فراوان ما را با این واقعیت مواجه می‌کند که پس از شهادت پیامبر - صلی الله علیه و آله - جز ۳ یا ۴ یا ۵ نفر بیشتر مسلمان واقعی نماندند و مابقی به سفارش‌های پیامبر پشت کردند و گفتار او در ایشان منجر به کنش متقابل نشد. یا چه کسی تردید دارد در اینکه همه اهل بیت در غربت و تنهایی مانده و به علت بی‌یاوری به دست خیل عظیم دشمنان شهید شدند و حتی بدن پاک و مطهر امیر مؤمنان علی - علیه السلام - مدت ۹۲ سال مخفی بود تا از دریده شدن مصون بماند.

به عبارت دیگر، اگر با روش «کنش متقابل نمادین» حضور اهل بیت - علیهم السلام - را تحلیل کنیم، باید بگوییم یا هیچ دستاوردی در جهان اسلام نداشتند یا اینکه اگر هم بوده، چندان قابل ذکر نیست.

۶. تا آنجا که بنده می‌دانم راهبردها با سنت‌ها تفاوت دارند. راهبردها مقطعی و ناظر به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و ضعف‌های موسمی و عصری هستند و حتی می‌توان آن‌ها را به مقاطع تاریخی بسیار کوتاهی محدود کرد. از این رو با توجه به اینکه هر مقطعی از تاریخ اهل بیت - علیهم السلام - و بلکه در مقاطع گوناگون عمر شریف یک امام، همواره این متغیرهای چهارگانه، متفاوت می‌شدند، لازم بود تا در این کتاب به صورت تفکیکی به راهبردهای غیرایستای اهل بیت - علیهم السلام - اشاره می‌شد و حال اینکه این کتاب به هیچ‌وجه چنین کاری نکرده است.

## ◀ ناقد دوم: دکتر عبدالکاسم مجتبی زاده، عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه گیلان

بازدارنده‌های امامان در تربیت جامعه، در خصوص موانع و مشکلات ائمه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتضایی زمانه ائمه است.

کتاب دارای متن ساده و روان است که علاوه بر اهل فن، برای عموم علاقه‌مندان نیز قابل استفاده است. نویسنده در ارائه مباحث و موضوعات اثر توانسته است با استفاده از منابع دست‌اول و معتبر، مستندسازی صحیح را که ویژگی مهم یک اثر تاریخی است، به انجام برساند. نگاه ریشه‌ای و تاریخی به موضوع در ابعاد مختلف سیاسی، فکری، مذهبی و اجتماعی و پس از آن تبیین مسائل مرتبط در چارچوب موضوع اصلی پژوهش، ویژگی دیگر این اثر تاریخی است. نامتجانس بودن حجم مطالب در خصوص ائمه علیهم السلام نکته قابل توجه در متن کتاب است، به گونه‌ای که مطالب متنوع و متعدد تاریخی در خصوص زندگی و فعالیت‌های امامان اولیه ارائه گردیده و هر چه به انتهای دوران امامان نزدیک می‌شویم، حجم و موضوع مطالب کمتر می‌شود. البته به نظر می‌رسد علت این ایراد کمبود و یا نبود منابع و مطالب تاریخی از زندگی ائمه متأخر شیعه به واسطه شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم در زمان حیات این بزرگواران باشد. استفاده از لفظ نویسنده و نگارنده و غیر آن در پژوهش‌های تاریخی غیر معمول بوده و کاربرد ندارد. غالباً نویسندگان آثار و پژوهش‌های تاریخی، حتی اگر قرار باشد نظر و دیدگاه خود را عرضه نمایند، از افعال سوم شخص استفاده می‌نمایند. در صفحات ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۵، ۶۱، ۶۹، ۸۱، ۱۶۷ و ۱۶۸ کتاب از واژه نویسنده و نگارنده استفاده شده است.

امانت‌داری به عنوان یکی از اصول اساسی اخلاق پژوهش، بایستی همواره مورد اهتمام هر پژوهشگری به خصوص در حوزه مطالعات

یکی از مشکلات جامعه انسانی، بروز ناهنجاری‌های است که سرانجام به سستی نظام اجتماعی منجر می‌شود. بی‌گمان سنت‌های حاکم بر جامعه، گذشته از آنکه تعدیل‌کننده رفتار آدمیان و تعریف‌کننده نوع تعامل آنان با یکدیگر است، انتقال‌دهنده فرهنگ جامعه به ادوار بعدی است، همچنان که حکایت‌گر داشته‌های فرهنگی آن نیز می‌باشد. از این رو مراقبت از هنجارهای ارزشی از وظایف مهم دغدغه‌مندان جامعه و رهبران آن به شمار می‌آید. این امر برای پیشوایان مذهبی شیعه که امام خوانده می‌شوند، اهمیت بیشتری دارد، چرا که به حکم جایگاه الهی، حافظ سنت‌های ارزشی جامعه هستند.

کتاب راهبردهای ائمه علیهم السلام در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی یک پژوهش تاریخی با نگاه دینی و اجتماعی در حوزه تاریخ امامت است که توانسته با رعایت جوانب و چارچوب‌های مختلف پژوهشی یک نگاه نو و جدید به مقوله امام و امامت را به خواننده عرضه نماید. این کتاب در یک بخش کلیات، ۵ فصل و بخش نتیجه‌گیری سازمان‌دهی شده است. در فصل اول با عنوان زمانه شناسی، نگاهی به عهد ائمه علیهم السلام، به دوره‌های مختلف زندگی ائمه پرداخته است. در فصل دوم با عنوان آسیب‌شناسی، ناهنجاری‌های عهد ائمه اعم از فکری و عملی معرفی شده است. در این فصل مصادیق ناهنجاری‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. جایگاه و کارکرد امام در اندیشه اسلامی شیعی، موضوع فصل سوم کتاب است. در این فصل، نویسنده ضمن تبیین ویژگی‌های امام به تشریح وظایف امام در جامعه اسلامی پرداخته است. در فصل چهارم به واکنش ائمه در برابر ناهنجاری‌های زمانه خود پرداخته شده است. مطالب این فصل شامل روش شناسی، مبانی و راهکارهای راهبردهای امامان علیهم السلام در مواجهه با ناهنجاری‌ها است. فصل پنجم،

دیگری از کتاب مطالب سیاسی در چارچوب ناهنجاری‌های سیاسی گنجانده شده است.

رعایت وحدت رویه در انشاء و نگارش یک اثر پژوهشی ضرورت دارد. به نظر می‌رسد این کتاب در کنار مخاطبین خاص، برای عامه مخاطبین نیز دارای جذابیت باشد. در کنار برخی از جملات و عبارات‌های عربی ترجمه فارسی آن نیز آمده است، اما در صفحات ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۸۶ و ۲۹۲ جملات عربی بدون ترجمه فارسی آمده است.

در صفحه ۱۹۰ کتاب، واقعه تاریخی در خصوص یکی از ائمه بیان می‌شود، بدون آنکه به نام امام علیه‌السلام اشاره شود. هر چند مخاطب خاص در سطر دوم مطلب می‌تواند متوجه منظور نویسنده شود، اما به نظر می‌رسد فهم آن برای مخاطب عام دشوار خواهد بود. تکرار مطالب واحد در بخش‌های مختلف اثر، زیبنده یک پژوهش تاریخی نیست. مطلبی در خصوص عمر بن عبدالعزیز و حجاج در صفحه ۲۱۷ کتاب آمده و همان موضوع در صفحه ۲۹۶ کتاب تکرار شده است. در صفحه ۱۹۰ کتاب روایتی از وضعیت امام حسن علیه‌السلام آمده که در صفحه ۲۸۹ تکرار شده است.

در یک جمع‌بندی کلی کتاب راهبردهای ائمه علیهم‌السلام در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی، به‌رغم ایرادها و اشکالاتی که می‌تواند گریبانگیر هر اثر پژوهشی در حوزه علوم انسانی باشد، واجد ویژگی‌های یک اثر فاخر پژوهش تاریخی است. پیشنهاد می‌شود که، نویسنده محترم می‌تواند ضمن بازخوانی و ویرایش کتاب، استحکام و وجه علمی آن را تقویت نماید.

تاریخی قرار گیرد. به این معنی که اگر مطلبی با استفاده از مطالب سایر منابع اعم از کتبی، شفاهی و غیر آن در پژوهش استفاده شد، نویسنده موظف است با ارجاع صحیح، منبع مورد استفاده را معرفی نماید. در بخش کلیات کتاب، قسمت تعاریف و مفاهیم پژوهشی، تعاریف ارائه شده بدون ارجاع به منبع یا منابع آمده است. در صفحه ۴۰ کتاب مطلبی از کتاب فرهنگ علوم اجتماعی نوشته آلن بیرو آمده است، هر چند نویسنده محترم به نام کتاب و نویسنده آن اشاره نموده، اما ارجاع دقیقی برای خواننده ارائه ننموده، ضمن آنکه در فهرست منابع کتاب هم نامی از آن برده نشده است. در صفحه ۶۷ کتاب، مطلبی از ویل دورانت نقل شده است که فاقد ارجاع است. همچنین در صفحات ۷۸ و ۷۹ مطالبی از امیل دورکیم و ماکس وبر بدون ارجاع به منبع مورد استفاده، آمده است.

به نظر می‌رسد وحدت رویه در استفاده از لغات و اصطلاحات در یک اثر پژوهشی امری ضروری و لازم است، چرا که می‌تواند نشانه‌ای از اشراف و تسلط نویسنده بر بخش‌های مختلف اثر باشد. گاهی استفاده از الفاظ و عناوین، به هر علتی، در ادبیات سیاسی، فرهنگی و یا اجتماعی یک جامعه علمی مرسوم می‌شود که تبعیت از آن در یک اثر پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. عنوان شهید مطهری از الفاظی است که در ادبیات علمی و سیاسی کشور رایج شده است. نویسنده محترم در صفحات ۸۱ و ۱۲۱ کتاب از لفظ مرحوم مطهری استفاده نموده و در صفحات ۱۷۷ و ۲۴۷ کتاب از لفظ مطهری استفاده نموده است.

حکومت و سیاست لغات نامأنوسی در مباحث مربوط به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند. در صفحات ۹۵ و ۱۱۶ و بخش‌های

## معرفی کتاب



### فرهنگ میان‌رشته‌ای در آموزش عالی

شناسنامه:

فرهنگ میان‌رشته‌ای در آموزش عالی (الگویی برای شکل‌گیری، استحکام‌بخشی و تداوم)

نویسنده: جولی تامسون کلاین

سال انتشار: ۱۹۴۴ میلادی

ترجمه: هدایتا... اعتمادی‌زاده (دریکوندی) و دکتر نعمت... موسی‌پور

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۹

رویکرد میان‌رشته‌ای در دهه‌های اخیر، عامل اساسی در تحول نگاه سنتی به بدنه رشته‌های دانشگاهی به شمار می‌آید. این رویکرد با بینشی کاملاً متفاوت، پژوهشگران و فعالان عرصه آموزش عالی را نسبت به محدودیت‌ها و ضعف‌های باقی ماندن در چارچوب مرزهای رشته‌ای آگاه ساخته و به آنان جسارت عبور از این مرزها را بخشیده است. تعصبات رشته‌ای، که عموماً به عنوان پیامد نه‌چندان مطلوب تخصصی شدن افسار گسیخته رشته‌های دانشگاهی شناخته می‌شود، به مدد به خدمت گرفتن نگرش میان‌رشته‌ای، به حاشیه رانده شده و این فرصت فراهم آمده است تا جست‌وجوگران عرصه دانش از امکانات و قابلیت‌های رشته‌های دیگر علمی نیز بهره‌مند گردند. با این حال نباید از نظر دور داشت که با توجه به پیشینه نه‌چندان طولانی آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای در آموزش عالی، چالش‌هایی متعدد پیش روی پیشگامان آن قرار دارد. وجود این چالش‌ها نشانگر آن است که در قدم نخست، تحولی فرهنگی نیاز است که این مهم نیز جز با استقرار نهادی این رویکرد میسر نمی‌شود. کتاب فرهنگ میان‌رشته‌ای در آموزش عالی در ابتدا به شیوه‌ای نظام‌مند به بررسی و تدقیق در ساختارهای سازمانی موجود برای حمایت از فعالیت‌های میان‌رشته‌ای پرداخته و سپس هدف خود را بر مطالعه این سازمان‌ها در مقیاسی خرد متمرکز می‌سازد. در نهایت نیز با توجه به برون‌داد مطالعات صورت گرفته، به ارائه چارچوب مفهومی یکپارچه‌ای در جهت تغییر و با راهبردهای مشخص می‌پردازد.

## معرفی کتاب



### دانشگاه در بستر فرهنگی محلی

شناسنامه:

دانشگاه در بستر فرهنگی محلی؛ دانشگاه گیلان

مجموعه مقالات

به کوشش دکتر علی یعقوبی (استادیار دانشگاه گیلان)

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

دبیر مجموعه دانشگاه در بستر محلی: جبار رحمانی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷

مجموعه مقاله‌های حاضر مربوط به کتاب دانشگاه در بستر فرهنگی محلی دانشگاه گیلان، نتیجه زحمات اعضای هیأت علمی دانشگاه گیلان است که اغلب آن‌ها در نشست علمی - تخصصی فی‌مابین دانشگاه گیلان و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انجمن‌های علمی - دانشجویی علوم اجتماعی دانشگاه گیلان و انجمن جامعه‌شناسی ایران باعنوان «ابعاد فرهنگی دانشگاه گیلان» در آذرماه ۱۳۹۶ در دانشگاه گیلان ارائه شده است. در مجموعه فعلی، نتایج هشت مقاله درباره وضعیت اجتماعی - فرهنگی آموزش عالی استان گیلان جمع‌آوری شده است. غالب مقاله‌ها کارکرد درونی دانشگاه گیلان را مورد بررسی قرار داده است. موضوعات این کتاب، عبارتند از: نگاه جمعیت‌شناختی به تحولات آموزش عالی در استان گیلان، چالش‌های دانش‌آموختگان گیلانی، روایت امتناع و اشتیاق به غرب، رابطه بین اعتقادهای دینی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه گیلان، کار ویژه‌های دولت و افزایش امید به آینده، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی، خوابگاه و ذهنیت دانشجویی و نسبت بین موسیقی و افزایش بهره‌وری.

## معرفی کتاب

### مرور نظام‌مند مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی

شناسنامه:

مرور نظام‌مند مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی  
 نویسنده: آمنه صدیقیان بیگدلی (عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی) و مجتبی لشگری  
 ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی  
 چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶



کتاب مرور نظام‌مند مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی حاصل مرور اطلاعات گرد آوری شده در زمینه مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی بوده و اطلاعات بررسی شده شامل اسناد، مقالات، گزارش‌های دولتی و غیردولتی در دسترس پژوهشگران بوده است. بخش اندکی از اطلاعات این کتاب در حیطه «بازشناسی مهم‌ترین مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی» برآمده از بررسی‌هایی است که در پروژه «بررسی مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی» توسط پژوهشگر در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات فناوری در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ انجام شده است. در این پروژه، بخش اول معطوف به بازشناسی مهم‌ترین مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی با تأکید بر رویکرد اجرایی است؛ به گونه‌ای که سعی شده با مرور طرح‌های ملی، تأکید بر وضعیت سنجی آن‌ها و نیز با توجه به رویکرد تلفیقی به‌گزینش مهم‌ترین مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی پرداخته و در بخش بعدی به سنجش مسائل شناسایی شده (رفتارهای پرخطر، مهاجرت تحصیلی نخبگان، رضایت از زندگی و امید به آینده، نابرابری اجتماعی، قانون‌گریزی) در نمونه کل کشور پرداخته شود.



## معرفی کتاب



### دانشگاه و جهانی‌شدن

شناسنامه:

دانشگاه و جهانی‌شدن

ترجمه: شروین مقیمی زنجانی و رضا باقری

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۹

کتاب دانشگاه و جهانی‌شدن متشکل از مجموعه مقالاتی است که در موضوع دانشگاه، آموزش عالی و جهانی‌شدن به رشته تحریر درآمده‌اند. غالب مقالات گزینش شده پیش رو با دید انتقادی موضوع جهانی‌شدن و تأثیرات منفی و یا مثبت آن بر آموزش عالی را مورد بررسی قرار می‌دهند. هر یک از مقالات با رویکردی خاص وارد بحث شده‌اند، اما آنچه در میان تمام مقالات مشترک می‌باشد، اذعان به این امر است که نهادهای آموزش عالی و دانشگاه‌ها متأثر از جهانی‌شدن و اقتصاد جهانی وارد مبادلات تجاری شده و امر آموزش و پژوهش به کالایی تبدیل شده است که به دانشجویان، شرکت‌ها و مؤسسات تجاری به عنوان مشتری عرضه می‌شود.

## معرفی کتاب



### دانشگاهی که بود...

شناسنامه:

دانشگاهی که بود... (تأملاتی درباره دانشگاه، دانشگاهیان و دانشجویان)

نویسنده: ناصر فکوهی (استاد دانشگاه تهران)

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

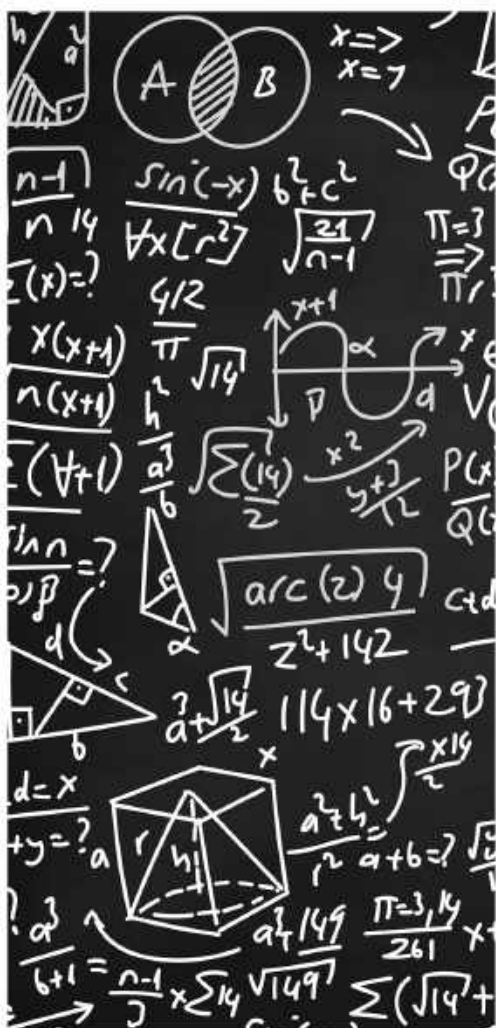
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۶

مطالبی که در این کتاب گردآمده‌اند، حاصل بیست سال کار مستقیم و تجربه روزمره نگارنده در محیط دانشگاهی به عنوان استاد، پژوهشگر و سردبیر مجله‌های علمی در دانشگاه تهران و درگیر شدن با مشکلاتی است که تقریباً همه آن‌ها از آغاز تا پایان نوشته‌ها وجود داشته‌اند. در این مجموعه، ۴۵ مطلب، شامل ۹ مقاله، ۱۳ یادداشت و ۲۳ گفت‌وگو و نشست گردآمده‌اند که در طول سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، در مطبوعات، گردهمایی‌های علمی، مجله‌های دانشگاهی و ... ارائه شده‌اند. از لحاظ روش، این کتاب همچون بسیاری دیگر از کتاب‌های نگارنده، از رویکردی خاص پیروی می‌کند که رویکرد دخالت جویانه علوم اجتماعی در واقعیت زنده و پویای اجتماعی در یک زمینه خاص است. در حقیقت، روش‌های نوشتاری همچون مقاله و به‌ویژه یادداشت و گفت‌وگو، روش‌هایی هستند که یک پژوهشگر یا نویسنده و کنشگر فکری می‌تواند از طریق آن‌ها به سرعت در واقعیت اجتماعی برای بهبود بخشیدن به آن و برای پاسخ دادن به نیازهایی که افکار عمومی و تخصصی به نظریه‌های ما دارند، وارد عمل شود. به‌ویژه در عصری که انقلاب اطلاعاتی، سرعت مبادله اطلاعات و تحلیل‌ها را بی‌نهایت بالا برده است.

# Culture & University

Bi-Quarterly Scientific-Specialized

Vol.1, No.1, Spring & Summer 2020



University of Guilan

Deputy for Cultural and Social Affairs